

# عبداللہ



"قُلْ إِنَّ الْعِيدَ عَطْنَا مُسْكَنًا لِلشَّرٍّ إِذَا دَأَبْدَأْتُمْ فَوْجًا فَوْجًا  
 أَذْكُرْنَاهُمْ مِنْ نَهَارٍ وَأَغْرِقْنَاهُمْ مِنْ شَرِّيْمٍ  
 (حضرت عَبْرَةَ بْنَ عَاصِمَ كَتَبَ مِنْ طَابَاتِ قَدْسٍ)"

در آنی هم ریعن سلطان گز در رضوان از لکھر مشهود گشتند شمر حقیقت بر علیه  
 تتجیف نمودند چنانچه دنیم چیز خالق که نیست که حیات خوبی چیزی به عیاد عظیم رضوان  
 بچیخ عالمان تهیت دترمیز عذر نمودند دمید و طید را فصلن و عنایت ام اکرم پیش  
 هکھر صستان سال جایز در طلاق پیش دل اهتمام معهد ایعت بیت العدل عظیم خدای

ہمسه و محقیق کوچہ بکودہ و عیسیم فضلہ .

(ہیئت تحریریہ)

# نشریہ عندلیب



سال دوم  
شماره ششم

نیشنل  
میٹنگ

شمسی ۱۳۶۲ بصر

۱۹۸۳

نشریہ محل روشنی ملی بیان کانادا  
بر زبان فارسی

حق چاپ طبع محفوظات

Published in Farsi by the National Spiritual  
Assembly of the Baha'is of Canada

Address: 7200 LESLIE STREET, THORNHILL, ONT.  
CANADA L3T 2A1

مخصوص جامعه بهائی است.

بهار ۱۳۶۲ شمسی مطابق  
۱۹۸۳ میلادی و ۱۴۰ بدریع

### فهرست مطالب مندرجہ

صفحہ ۱ الی ۵	۱- الواح و آثار مبارکہ حضرت بهاء اللہ جل کبریا ائمہ
۷ " ۶ "	۲- الواح مبارکہ حضرت عبدالبہا جل ثنائی (مرحمتی
۱۸ " ۸ "	دارالانشاء معهد اعلیٰ برای درج در مجلہ عنديليب )
۲۲ " ۱۹ "	۳- پیا مها و تلکسہای بیت العدل اعظم الہی شیدالله ارکانہ
۲۵ " ۲۳ "	۴- سفری بکوی جانان
۲۹ " ۲۷ "	۵- استقرار معهد اعلیٰ در مقربدائی
۳۹ " ۳۲ "	۶- شعر (معهد اعلیٰ) آقا عبدالحسین بشیر الہی
۴۲ " ۴۰ "	۷- گزارش کانونشن بین الملکی ترجمہ مرقومہ محفل ملی کانادا
۳۱ " ۳۰ "	۸- عکس‌ای معهد اعلیٰ
۴۸ " ۴۳ "	۹- مقدمات تاریخی نزول لوح مبارک احمد بقلم آقا نصرت اللہ
۵۲ " ۴۹ "	محمد حسینی
۵۶ " ۵۳ "	۱۰- مناجات حضرت عبدالبہا جل ثنائی بعربی و ترجمہ انگلیسی
۵۹ " ۵۷ "	۱۱- تاریخ زرین شہادت
۶۱ " ۶۰ "	الف- جناب نورالله اخترخا وری ( کامران اخترخا وری )
۶۴ " ۶۲ "	ب- جناب سید حسین وحدت حق بقلم شہید مجید
۶۶ " ۶۵ "	۱۲- دیوارزنیان اثر طبع یکی از خوانندگان محترم مجلہ عنديليب
۶۸ " ۶۷ "	۱۳- داستانی از ایمان ، انقطاع و عشق
۶۹ " "	۱۴- داستانی از قبل از اشراق شمس حقیقت از افق سجن عکا
۷۷ " ۷۰ "	ایادی امرالله جناب ذکرالله خادم
۷۰ " "	۱۵- الف- ارتباط شرق و غرب از خانم دکتر مهری افناں
۷۱ " ۷۲ "	بد معرفی یک هنرمند
۷۳ " ۷۴ "	۱۶- قسمت جوانان ( مهاجرت از آقا ثابت )
۷۵ " ۷۶ "	لوح مبارک حضرت عبدالبہا روح ماسواء فدا
۷۷ " ۷۸ "	۱۷- صیانت امرالله
۷۹ " ۸۰ "	۱۸- معرفی یک کتاب
۸۱ " ۸۲ "	۱۹- اخبار و بشارات امریه واگھی ها

عکس پشت جلد دارالا شار

لِوْحِ كَرْمَل

بلِقَاءٌ وَفِيهِ ارْتَفَعَ دَارَةٌ وَصَعَدَتْ رُفَاهَةٌ  
 يَا كَرِيمُ شَهْرِي صَهْيُونَ قُولِي أَقِي الْمَكْوَنُ  
 بِسَطَانِ عَلَبِ الْعَالَمِ وَبُورُ سَاطِعَ بِإِشْرَقَتِ الْأَرْضِ وَمِنْ عَنْهَا إِيَّاكَ أَنْ تَكُونُنِي مُسْوِقًا  
 فِي مَقَامِكَ اسْرَعِي ثُمَّ طَوْفِي مَدِيَّه لِلَّهِ الَّتِي رَثَتْ مِنِ الْتَّمَادِ كَعْبَتْه لِلَّهِ الَّتِي كَانَتْ  
 مَطَافُ الْمُقْرَبِينَ وَالْمَحْدُصِينَ وَالْمَلَائِكَةُ الْعَالَمِينَ وَاحْبَبْتَ أَنْ أَبْشِرَ كُلَّ بَقِيعَةٍ مِنْ قِبَاعِ الْأَرْضِ كُلَّ  
 مَدِيَّه مِنْ مَدِيَّهَا بِحَدِّ الظُّهُورِ الْأَدَمِيِّ بِإِجْذَبَ فُوَادَ الْمُطَوَّرِ وَنَادَتِ الْمَدَرَّةِ الْمَلَكُوتِ الْمَلْكُوَتِ  
 لِلَّهِ رَبِّ الْأَرْبَابِ هَذَا يَوْمٌ فَيْرِبُّشُ لِلْجَرَّ والْمَرَّ وَخَبَرُ بِالظِّصَّ مِنْ بَعْدِ مِنْ عَنْيَاتِهِ  
 الْمَكْنُونِيَّهُ مَسْتَوَّهُ عَنِ الْعُقُولِ وَالْأَبْصَارِ سَوْفَ تَجْزِي سَفَيَّهُ تَهَدِي عَيْنَكَ وَلَيَطْهُرَ هُلُلُ  
 الْبَهَاءِ الَّذِينَ ذَكَرَهُ سُمْ في كِتَابِ الْأَسْمَاءِ تَبَارَكَ مَنْوَى الْوَرَى الَّذِي بَذَكَرَهُ إِجْذَبَ  
 الدَّرَّاتِ وَلَطَقَ سِانِ الْعَظِيمَهُ مِنْ كَانَ مَكْنُونًا فِي عِلْمِهِ وَمُخْرِذَهُ فِي كُنْزِ قُدرَتِهِ  
 إِنَّهُ هُوَ الْمُؤْمِنُ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالْسَّمَاءِ يَأْمُمُهُ الْمُفْتَدِي بِرَبِّ الْمَسْعَ.

## نام و نویست

لَهُمْ لِلشَّاعِرِ كُلُّ مُعْنَى وَ دُرُّ ضَوْلَانِ الْحَرَبِ عَدُوٌّ بِعِيْمَ مَعَانِي شَهَادَةٍ وَ كُلُّ نَسْبَةٍ نَبْدَلُهُ صَوْرَى  
 محرومِ ازمه اند کل گوید این بند ننم محبوب شما و بکمال لون و نفحه عطریه و طافت و طرادت  
 عینه طهر شده ام با یاری همانزید و رخصت گنگ زید مبنیه بند مجاز گویند باز هم این شیرم  
 و گلر حجاز انس داشته و تو ز هر حقیقت و درسته علاق گفت نقاب نمایه این گل گفت معلوم  
 شده در کل این یاریه راحیل حرم محروم بجهه اید و سچوقت مران شنجه آید بلکه جدار در واقعه دواره  
 شنجه اید چه اگر ملامت خستید حل زدیار خود گیر خستید این بند ننم خواهیم  
 و ز زلطی و ز ز عراق و ز ز ششم و لکن گاه تفریج و سیر در دیار سارم گاه در صدر قدمی  
 در بیت اللهم خلیل گاه در حجاز و گاه علاق دهیش حال در این گفت نقاب نمایه اش  
 بجتن معرفید و لکن ز ننم غیر معلوم شده ز را غید و سیم را موخته اید در ارض هم وغی  
 سایرید و ز ز وصنه مسب که توحید محروم مثل شماش آن بخداست و قریب میلا گفت ران  
 ز رو بهتر پیخته میگفت از خود چه از نصف گذشتی ز از حق پشم برداشت آخیر هر دعوی لولا  
 برگانه لازم است و هر قولی ها دیگرے حال من خضر و زاغ خضر بخواهند تا بخواهم گفت این حکمه  
 مقبول نیست بلکه مرد و دست است چه که ننم قریب ز ده صوانه نعمه خوش است مانع نعم  
 نعمه پریدم مدکور نمیگویی که این صوت از اع بعده دارد و هر آن شهاده شد که غیر ز آن بند نیز هر دل  
 یعنی نعم که قال صادقت بلی بیچاره گفت ای جناب صوت از اع نبشه صوت ننم بیو و حال

بهار صوت شنیدر علله حسن دابع زدن تغزیه ام گفت ملا همین کنم بجوع منت و  
 این سخنها مقبول نیست که من بمحض شنیدم را باز داشتم خود حال آشنا غیر وندم درست دارد گر  
 تو بجهش گوشه اسم او شهرت نمایم بلکه گفت اسرار اصوات را کمین کنمین یوسف ظلم راغبت  
 لدابهم راغ شهرت یافت من زن غایت طور مستور نمایم دارخواه تغزیه است مشهور دلخواه صاحب آذان  
 غمه ز جهنم باز نیغیب نیاز داشت تیزیه هند حال توصل صوت لحن باطرش لوپیه لک احقر و شما  
 ببلان صوت مثل آن خود سلطمند که ذره ای وهم را بصد هزار یعنی تبدیل شاید صرفی در آنچه  
 شنیده بعلم شهود مکاف شده باشد شنید بشوی نفع یار او سلط عبار بر سلطان گمار باطرش شد  
 مردم بشنید نمی قردد اما در این گفتگو بونه که ما گاه از زندگی می کرد که کان آنده ملبسه نوایی  
 بطریز حاد نغمه را دارد و بظراف گر شغل شد گفت اگر ببلان اگرچه بصدرت بسید ولکن چندی  
 زاغزه میگزد گشته اید و سریش این شاعر هر دشنه مقر قان این خوشحالی نه ببر پرید و رود این گفر را  
 مرطاف ببلان آشیان حالمت پس از ببلان این جهت میگردید و بحسب این تعدادی  
 حزان لازما نیز گلر ضوان حسن قطع نماید یعنی صوت ترحق کمر خدمت محکم برسید  
 و اهل آفاق گلر کمر دلقاره هر شاق حق خط نماید و اگر بخصوص خشوع و سریعه هر حقیقین  
 عبار طیه هر شیوه دلیل تقدیس زن معتبر است ایمیں و مظاہر طایه هر آنکه دشنه دلدب مفترین بر  
 عالمیان ناهی و یهودیان گرد و اگر نفوذ بهم غیر مرضیه ز شاهنشاه شده شود جمیع مقدس  
 راجعت دهی اعمه ثبت معتبرات مسریان گذشت و همانکو تیغین الحمسه بمحبوب العلیین

## الاعظم الابهی

ای غلام، لکت انهم و سلطان ایم میفرماید طوبی از برائی نفسی است  
که ایوم بزرگ شده ذاکر و بستر شن نظر است ایوم بر کل حمدت امر لک  
غیب و شهوت لازم و واجب نیکوت حال نفسی که بمحبت شتمام نمود و  
بمحبتین اهل ملا علی و سکین مدائی انسا معروف گشت ای هرگز  
خمر عرفان دارین صبح روحانی از کاس الطاف رحانی صبحی حقیقتی  
بیاشاید این خسرو توحید اخبار دیگر است و حماش را فیض دیگر  
آن از شعور بکاهد این بر شعور بفرازید آن نیتی آورد و این نیتی  
آن را صداع از عقب این الحب مالک ابداع همراه گلبوای خلق  
محبوب حق ساقیت و اعطای کوثر باقی میفرماید ان اسرعوا الى  
ما را ولکم معرضًا عما اردتم هنذا خیر لكم و اسمی المحبین علی العالمین.

بُوَّاللَه

ای بندَه درگاه سَلیمانی درکشور روحانی خوش دختم نجاش  
جهانگیری در ابشعی روحانی خوش دلبر ما هر دی را زخم افراد زی  
خوش پروانه عاشق خوی راجانسوزی خوش گل عنارا  
پرده بر اندازی خوش بُل گویار انعمه سازی خوش سکنده  
اقلم و فار آیه سازی خوش و حبشهید او زنگ روحانی راجا  
جهان نمایی زردانی خوش ولی حال دیوان نکرسَلیمانی  
افتداده اند و اهریندان معارضه با امر زردانی خواهند

فَسْهَمْ زِعْمَون

ع ع

(هُوَ الْبَحِيٌّ)

ای ناطق پر شانی محبوب معنوی صلای بیداری از نکوت بھی  
میرسد که ای خنگان فراش غفلت وقت ہوشیاریست  
و ای ساکنان وادی حیرت زمان بیداریست و ای تلگان  
سبیل حقیقت دم و رو در ساحل بچر موهبت است و ای  
طابان حال عشق روحانی وقت مشهدہ آیات عین صبر  
تھند نایوسید و تماکنی ہوا ی خوش ما نس وقت جا  
وقت و فاست وقت نداست وقت انقطاعت وقت  
ارتفاعت وقت اکتفاست بکوشید بچو شید بچرو شید  
کہ زمان میگذرد .

ع ع

# پایام منبع بیت العدل اعظم

۱۳۶ شهراً الملک

۱۹۸۰ فوریه

بهائیان عزیزاً یرانی مقیم ممالک کوادیا رسائیره در جمیع اقطار عالم ملاحظه فرمایند

ای یاران دیرین جمال ابھی:

دراین ایا م پرآشوب که آن ستایندگان طلعت محبوب از وطن مالوف دورند و در سلک اهل ایمان در دیگر اقطار جهان محشور و در جندین اقلیم مقیم و در خدمات اصحاب و فادرسرا سردیبا شریک و سهیم، لازم داشتیم بکمال اخلاص سخنی چند با آن دوستان ارجمند در میان گذاریم وكل را به آنچه ضامن رفاه و سعادت و نجاح و عزت حاودانی دانیم، دعوت نمائیم تا ان شاء الله شاداین مهالک را که در جمیع ممالک ظاهر شده و میشود با قدمی ثابت و قلبی مطمئن مقابله فرمایند و دیده امیده صبح وعده های جانپرور الهی دوزند و یقین نمایند که در پس این سحاب ظلمانی آفتاب مشیت یزدانی درا و جرفعت و اقتدار، قرارداد ردویه تابش و نور افسانی پردازد و چندی نگذرد که این ابرهای متراکم ظلم و عدوا ن وغفلت و تعصّب و طغیان از آفاق بر افتاده روزی فیروز بد مدعمری جهان افزون علم در عالم افزاد. گمان میرید که آنچه در این زمان در چهار رگوش جهان از جمله کشور مقدس ایران واقع گشته و میشود و حقیقی تصادفی و منفرد و بی نتیجه و مقصداست. بفرموده مولای عزیز "یدگیری در کار است و انقلابات رض مقدمه اعلان شریعت پروردگار" بلی اینهمه از تصرفات خفیه ام را عظم است که ارکان عالم را متزلزل نموده و جهانیان را که از باده غفلت و غرور می‌باشد و مخمور ندْمُتعَق و مرتعش ساخته است ایه مبارکه "قداً ضرب النظم من هذا النظم الاعظيم" مصدق این مقال است و اذارات مکرر ره صریحه قلم اعلی مبین حال چنانکه می‌فرماید:

"عالم را بلا حاطه نموده اگرفی الحمله خیرهم درا و گاهی مشاهده شود بلای عظیمی از عقب متوجه واحدی از عبادا رض سبب و علت آنرا ادراک ننموده"

و نیز می‌فرماید:

"عالم منقلب است و انقلابات ایوماً دیر تراید و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه واین فقره شدت خواهد نمود زیاد خواهد شد به شأنيکه ذکر آن حال مقتضی به وحدتی بر این نهج ایا م می‌رود و اذات المیقات یظهر بفتحة ما یرتعد به فرائص العالم اذا ترتفع الاعلام و تغیر العنادل على الافتان"

همچنین از قلم میثاق بکرایات نازل که بشرگافل قبل از توجه و اعتنای به تعالیم جان پرور نیرآفاق بچه مشقای لایطاق مبتلا گردد می‌فرماید:

"روز بروز هرج و مر ج در دنیا درا زدیا داست عاقبت بدرجه رسکه بنیه انسا نیرا تحمل نماند آنوقت انتباه رخ دهد و نفوس آگاه گردکه دین، حصن حصین است و آئین، نور مبیین و احکام و نصایح و تعالیم الهی محیی روی زمین"

برا رباب بصیرت پوشیده نیست که آثار اولیه این هرج و مرج در ارکان هیئت اجتماعیه هر روزه ظهور و بروزی داشته و رخنه و نفوذی نموده است و قوای مخربه اش بنيان موسسات و مشروعات معهوده قدیمه را که در قرون و اعصار ، دائر مدار جمیع شئون اهل عالم و ملجه و ملاذ بنی آدم بوده واژگون ساخته و موازین سیاسی و اقتصادی و علمی و ادبی و اخلاقی بشر را دگرگون نموده و علم مفاخر تمدن عصر حاضر را سرنگون داشته است . مبادی اساسیه نظم جهان را مکائد سیاسیه زمامداران ، داغ بطلان نهاده و حرص و آزار و ریا و تزویر و ظلم و خودپرستی بر روابط جامعه بین افراد و ملل حاکم گشته است . اکتشافات و اختراعات که ثمره تقدم علوم و صنایع است آلات و وسائل دمار و انهدام عمومی را فراهم آورده و به دست نا اهل افتاده است ، حتی موسیقی و هنر و ادبیات که باید نماینده و هادی عواطف رقیقه عالیه و وسیله تلطیف و تسکین روح افسرده انسانی گردد حال آئینه قلوب تیره این نسل سرگردان ولا بالی و بی سروسا مان شده و از صراط مستقیم انحراف جسته است و امثال این انحرافات سبب گردد که بفرموده جمال مبارک "هريوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه تازه ببریا شود" و سوف تحرق المدن من ناره" تحقق یا بد . در چنین حال پروربالی که اهل عالم پریشا و دانایان ام در چاره آلام جهان حیرانند اهل بها ببرکت و هدایت آثار مقدسه یقین دارند که این وقایع مدھشہ راه ریک علتی و معنائی ونتیجه ایست و کل از وسائل ضرور استقرار مشیت غالبہ الہیه در جهان محسوب . یعنی از یک طرف تازیانه خشم و قهر الہی در کار است تا کار روان گریخته و از هم گسیخته عالم انسانی را خواه و ناخواه بسرمنزل مقصود براند و بتازی از طرف دیگر مشتی ضعفا را در ظل هدایت و عنایت خویش تربیت فرموده تادر این دوره تحول و عصر تکوین در میان طوفانهای سهمگین بساختن حصین که بالمال منزلگاه و پناه آن قافله گمگشته است همچنان مشغول باشند . لهذا یاران الہی که چنان منظرو سیع و خطیر و دلگشاوی در مقابل خویش دارند البته ازانچه پیش آید پریشا خاطر نشوند از نهیب حادثه نهرا سند در هنگام بروز انقلاب در اضطراب والتها بنتدو آنی از اجر وظائف مقدسه خویش بازنمانند . از جمله آن وظائف مقدسه تخلق با اخلاق و اعمالی است که مرضی درگاه کبریا است باید رائحه طیبه موطن حضرت بها اللہ را که سرزمین نفوس مقدسه شهیدا ن جان نشار وعاشقان فداکار جمال مختار بوده و هست بمشام اهل ایمان در هر دیار بر سانند و فرا موش ننمایند که انتظاری که اهل بها ازیاران عزیزا ایران دارند بسی شدید است و توقع شان بس عظیم . باین ندای جان فزای مولای بیهمتا که احباء ایران را فی الحقیقت فصل الخطاب است توجه فرمائید :

"میل و رضا بلکه ا مرشدید حضرت عبدالبهاء در این است که بهائیان در جمیع امور، حتی در جزئیات و معمای ملات یومیه و روابط افرادیا یکدیگر بحسب تعالیم الہی رفتار ننمایند میفرماید بخضوع و خشوع و افتادگی اکتفا منما یید مظهر محویت گردید و فنای محض شوید مهرووفا و شفقت و محبت نصایح پیشینیان بوده در این دورا عظم اهل بها بفادا کاری و جان فشانی ما مور . ملاحظه فرما یید که در الواح مقدسه و کتب الہیه و وصایای مبارکه احبابی الہی بچه حدی ما مور به پرهیز کاری و خیرخواهی و برداشی و تقدیس و تنزیه و انقطاع از ماسوی الله و تجردا زشئون دنیا و اخلاق و صفات الہیه هستند باید به رنویکه ممکن است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیت را خالص نمودوا لاقدا م بهیجا مری نتیجه و ثم ری نبخشد بایدا ز تصنیع و تقلید احتراز جست چه که رائحه منتنه اش را هر عاقل هوشمندی فورا " ادراک نماید باید اوقات مخصوصه تذکر و تنبیه و دعا و مناجات را فرا موش ننمود

چه که بدون فضل و عنایت الهیه موفقیت و ترقی و پیشرفت در امور مشکل بلکه ممتنع و محال نمیدانید که محبت خالصانه و صدقت و خلوص نیت چه اثری در نفوذ نماید ولی تحقق این امر منوط بسعی و کوشش هر فردی افراد در هریومی از ایام است مگذارید که اغیار و حسوداً و دشمنان بگویند که علت علوا مرد رگذشته ایا مدراء وائل ظهور قیام خارقاً العاده هیا کل مقدسه واستقامه متین فوس زکیه شهداء امر بوده که حال چون دیگر نیستند امر بھاء اللہ مجبوراً "روبا نحطاط<sup>۹</sup> ضعف و تشتیت و اضمحلال خواهد گذاشت .

از خدا طلبیم که آن عزیزان را در هریومی از ایام موفق گرداند تا نصائح الهی را نصب الیعن خویش سازند و در راه وفاقدم گذارند و گویی سعادت را بایند .

از جمله آن وظائف مقدسه تعهد معنوی یاران بر عبودیت آستان یزدان در جمیع احوال و ایام است یعنی این چند روزه حیات فانی را علی الخصوص درا بن عصر تحول وقف امرالله نما یندو خویش را از آن دیشه کم و بیش آزاد سازند بحبل توکل متمسک شوندو فرا رغ از هر غصه و تشویش گردند ملاحظه فرمائید این چنین نفوس مبارکه ای از قلم اعلی بچه بشارتی مستبشرند قوله الاحلى :

"آنچه در عالم واقع شود از برای اولیای حق نور است و از برای اهل شقا قونفاق ، نار اگر ضررهاي عالم بريکي ازا ولیا وارد باز ربح با وست و خساراً از برای ما دونش یعنی از برای نفوسی که غافل و جا هل وجا حند . اگرچه گوینده بخیال دیگر گفته ولکن مطابق است با دستگاه حق : "تو گروب ردی اگر جفت<sup>۱۰</sup> اگر طاق آید در هر حال ربح و ثروت و منفعت با دوستان الهی بوده وهست اولیای حق از نار سردندا و ز آب خشک یعنی امورات ایشان غیر امورات اهل عالم است در هر تجارتی ربح با ایشانست یشه دیذا لکل عاقل بصیر وکل منصف سمیع ."

واز جمله آن وظائف مقدسه تممسک به حبل اعتدال در جمیع شئون زندگانی است مبادا که یاراً عزیز که باید جوهر انقطاع و اعتدال باشد ، مفتون ظواهراین جهان فانی گردند و به آرایش دنیا دل بندند و حیات خویش را به درد هند . اگر اهل شروتند بايد آنچه را به آنان عنایت شده وسیله تقرب بدرگاه کبریا سازند نه آنکه رنگ تعلق پذیرند و نصائح قلم اعلی را فراموش نمایند . بلی حق فرموده که بعد از تحقق وجود بلوغ ، ثروت لازم و این ثروت اگر از صنعت و اقتراض شود نزد اهل خرد ممدوح و مقبول است " ولیکن ثروت و عزت اگر وسیله خدمت و عبودیت آستان الهی گردد مطلوب است والا احتراز از آن محبوب ، به کتاب عهدی و کلمات مکنونه والواح سائره رجوع فرمائید تا مبادا رشته ایکه باید بحبل نجات گردد و بال گردن شود و ما را به للاحت افکنند چه بسیار از نفوس غافله علی الخصوص از هموطنان خویش را که از نعمت ایمان و عرفان محروم بوده اند ملاحظه فرموده اید که چون فی الجمله بدولت مستعجلی رسیدند چنان مفتون ثروت و مقام شدند که فضائل و کمالات حقیقیه عالم انسانی را فراموش نمودند و بساط حیاتی گستردند که سراسر تصنیع و بی ثمر بود . مدار تفاخر جز تظاهر به خانه زرنگار و رونق بازار وزر و زیور و اسب و استر نداشتند و ببینید چه طرفی بستند . ای بسا طاق کسری که مکسور شد و بسا قصر قیصر که مطمئن و عمر گشت . روز ظاهر فریبان شام غریبان شد و گنجهای شایگان ، رایگان گشت و بتا راجوتا لاندفت و از

تلف کرده نماند جزا شک حسرتی و آه ندا متی قوله عزبیانه:

"آنچه را فنا اخذ نماید و تغییر پذیرد لایق اعتنا نبوده نیست مگر علی قد معلوم"  
لهذا اهل بها البته در دام ارباب بی مرور دنیا نیفتند و بقناعت و اعتدال پردازند و خانه  
و کاشانه خویش را در نهایت دلگشا نی و بساط محل تردد جمع مومنان و تشکیل محافل یاران  
ومركز انتشار امر رحمن و کانون محبت حضرت یزدان سازند بنحویکه هر صنف از نفوس از رئیس  
ومرئیوس از زورو دبه خانه و کاشانه آنان رعیت یا استیحاشی نیابد و از معاشرت بروج و ریحان  
با زنماند.

از جمله آن وظائف مقدسه آنکه احباء عزیزا ایران در بلاد خارجه محل استقرار خویش  
را با مشورت محافل و موسسات امریه در نقطه‌ای معین نمایند که جهت تاسیس و تقویت امر الله  
در آن کشور لازم است باید در میدان مهاجرت در گشوار پیش قدم شوندنه آنکه در پی اقوام و  
دوستان خویش بی خبر از مقتضیات وحواج امر الله در یک نقطه مجتمع شوند. الحمد لله  
ببرکت اسم اعظم اهل بها چنان وحدت و محبتی بیکدیگریافتہ‌اند که نسبتهای ظاهره‌حتی  
دانستن زبان و تشابه آداب و رسوم نیز در روابط معنویه آنان که منبعث از ایمان به امر الله  
است خللی وارد نسازد. لهذا اجتماع یاران ایران در یک نقطه ضرورت ندارد و چه بسا  
تولید مشکلات نماید چنانکه اگر ایرانیان بهائی از لحاظ تعداد، بر ایران محلی غلبه  
نمایند نا دانسته مشکلاتی را بوجود آورند که احیاناً باعث توقف و تاخیر پیشرفت امر مبارک  
در آن نقطه گردد و آئین جهان گشای جمال ابھی را در نظر نفوس سائره امری محدود و مخصوص  
ایران و ایرانیان جلوه دهد و باعث تضییع وقت و دلسوزی یا رواج‌گیارا شود و در چنین حالی نه  
ایرانیان عزیز حظی از اقامت خویش در آن بلاد برند و نه چنانکه باید و شاید خدمتی به  
آستان الهی فرمایند. لهذا تقاضای این مشتاقان چنان است که حتی المقدور در ممالک و  
بلاد و مدن و قرائی توطن اختیار فرمایند که جزو اهداف مهاجرت باشد و ازان معرفایه‌ای  
در تقویت بنیان امر الله عاید گردد باید یکدیگر را بر مهار جرت و تشتّت تحت نقشه‌های تبلیغی  
در هر کجا تشویق نمایند و حتی راحت و سروری را که از مصاحبت و مجالست با یکدیگر طلب نماید  
فادی مصالح کلیه امر الله سازند.

از جمله آن وظائف مقدسه احتراء زمانها و مناقشات سیاسیه است که فعل ادرهمه جا  
با زاری رواج دارد اهل بها را به مخاصمات و مشاجرات ارباب سیاست چه کار باید کمال  
اتفاق بر عالمیان ثابت نمود که بهائیان در ظل تربیت آئین خویش در هر مملکتی که ساکن  
باشند رعایای وفادار آن کشورند و از دسائی اهل تزویر و ارباب تخریب و ارها ب دور و برکنار  
مطمئن نظرشان سعادت بشر است و خدمت قلبی و حقیقی به مردمان هر کشور. در امور داری مطیع  
حکومتند و در کمال صداقت و امانت با جراء وظائف محوله مشغول و حزبی از احزاب و فردی از  
افراد را مرجح بر دیگری ندانند و به مخالفت با احدی نپردازند زیرا قلم اعلی ما را از فساد  
منوع ساخته و باصلاح ما مورخ نموده است. بیش از یک قرن است که بهائیان بعمل اثبات  
نموده‌اند که عبودیت و خدمت خلق را بر عزت و ریاست که از راه دخالت در سیاست بدست اید  
ترجیح دهنند و در تمییز امور خود توکل بحضرت کردگار جویند نه توسل به اصحاب عزت و اقتدار  
احبای عزیزا ایرانی علی الخصوص در این ایام که در کشور مقدس ایران اهل عدوا ن تیره‌های  
تهمت و افتراء از هر کرانه روانه ساخته‌اند، باید مواطن بآشندگه در معاشرت با ایرانیان

خارج از ایران و جمیع نفووس بنحوی رفتار و سلوک نماینده بیطری و خیرخواهی اهل بهای برهمه کس‌چه در خارج و چه در وطن بیش‌زا پیش واضح و مبرهن باشد و بدست فتنه انگیزان که جا معه مظلوم بهائی ایران را همیشه جهت مقاصد نالایقه خویش نشانه سهام افترائیات عدیده کرده و میکند بهانه جدیدی ندهند و مزاحمتی ایجاد ننمایند.

باری ای عزیزان حق، ای هموطنان جمال ابھی چنین نسبت مبارکی را شکرانه‌ای لایق درخور است پدران شما قدراین موهبت کبری را دانستند و ایثار جان را در راه دلبر مهر بان سهل و آسان شمردند. اسیر زنجیر شدند، طعمه شمشیر گشتند، خانه و خانمان برپا دادند و نالهای جز فریاد یا بهاء الابھی ویا علی الاعلی از حلقه خون آلوده بر نیا وردند تا آنکه از همان صوت ضعیف جانسوز صیت جهان افروز نباء عظیم بتدریج در جمیع اقالیم طنین افکنند و جو گرفت و رنداشند. حال نیزیاران عزیز در ایران که عاکفان کوی جانانند بر سرهما ن عهد و همان پیمانند ملاحظه فرمائید که آن صاحبدلان با وفا با چه شجاعتی و با چه استقامتی و با چه انقطاعی و اتحاد و اتفاقی و با چه شوق و اشتیاقی هر روز در بوته امتحان میگذازند و با رخی تابان چون زربان، پاکی و اصالت و قدر و قیمت خویش را برجهانیا نشابت و نمایان می‌سازند. در نهایت مظلومیت و صداقت و حکمت و شجاعت بر دفع شراحت عدوا ن قائمند و برفع سوء تفاهماتی که از نشر اکاذیب و تداول تهمتها نادرست حاصل گشته ساعی و جاهد تن بقضا داده اند و سربروا دی تسلیم و رضا نهاده و تحمل هر بلای را آماده اند زیرا به یقین مبین تحقق و عود حتمیه الهیه را مستلزم و قوع حوات شدیده و تحمل مشکلات عدیده دانند.

بیان مولای تو احضرت ولی امرالله از جمله چنین بوده است که: "اگر چنانچه در مستقبل ایام آفات گوناگون آن سرزمین را احاطه نماید و انقلاب‌کشوری بر تضییقات حالیه و محن وارد متوتره بیفزاید" یاران عزیز در آنسرزمین نباید "ملول و اندوهگین" گردند و "از مسلک و منهج قویم خویش" منحرف گردند زیرا متعاقبا خطاب به آن عزیزان چنین فرموده:

"استخلاص این فئه مظلوم بیگناه از قیود اسارت و چنگ ارباب ظلم و عداوت، ضوضا و هیجان عمومی را مقتضی و حصول عزت و رخا و آسایش حقیقی از برای اهل بهاء مقاومت و ممانعت و شورو و آشوب اهل حق دند و چفا را مستلزم . پس اگر چنانچه تلاطم دریای بلازدیادی باشد و طوفان محن و رزا یا از شش جهت آن جمعیت مظلوم را احاطه نماید به حق ایقین بدانید و آنی متردد نماینده میعاد نجات و میقات جلوه موعوده دیرینه نزدیک گشته و وسائل اخیره فوز و نصرت عظمی از برای ملت ستمدیده بها در آنکشور مهیا و فراهم شده . قدم ثابت لازم و عزم راسخ واجب تا این مرحله باقیه طی گردد و مقصود و آمال اهل بها در اعلی المقامات پدیدار گردد و جلوه ای حیرت انگیز نماید .

هذه سُنة الله ولن تحدىستَّه تبديلا ."

اینست که آن شهبازان اوج محبه الله بسرور و سکون و وقاری قائم و فائزندکه مغناطیس تائیدات ملء اعلی گشته و آنان را به چنان توفیقاتی موفق نموده است که اسباب تحریرو اعجاپ اهل بهادر سراسر عالم شده و جمیع را بر آن داشته تا چون آن جواهرو جو دبا محبوب ابھی عهدی تا زه بربند و همی بدعی در عبودیت آستانش بنمایند و حتی المقدور محرومیت کنونی یاران ایران را با خدماتی مزید و عزم و قیامی جدید جبران نمایند و از شجاعت و

استقا مت وخلوص نیت آن دلدادگان کوی دوست الها م گیرند و در میدان محجه الله بمقتضای عشق قیام نمایند اینست که در این او خرپیروان اسم اعظم در ممالک و بلاد مختلفه بیا دو بنام احباء عزیزا ایران دست بفتحاتی بدیعه برده و طرحی نودرا فکنده و مoidبه تائیدا تی عظیمه گشته و آنهمه را از برکت تاثیر همت واستقا مت یاران عزیز در مهد امرالله دانسته اند دیگر شما ای دوستا ن عزیز که از آن آب و خاک مقدسید چه خواهید کرد . شما موغان آزاد آن گلستا ن گمه و آوازی سازکنید که نفوس و ارواح را با هتز آورد . شمعهای آن شبستانیدان وار دلنوازی بتا بانید که دیدگان اهل راز را روشن سازد دیده جان این مشتاقان در این ایام در انتظار است تا از دل ابرهای تیره و تار برق غیرت ووفا بجهدونا م نامی آن یاران نیز چون هموطنان جانفشان پی در پی با قلم زرین بر لوح جهان نوشته گردد . دیگران بسته به آن همت و لای شماست .

### بیت العدل اعظم



TLX 188  
46626 BAYT IL  
14 MARCH 1983

DISTRESSED ANNOUNCE EXECUTION BY HANGING ON 12 MARCH  
TWO INNOCENT FRIENDS SHIRAZ YADU'LLAH MAHMUDNIZHAD AND  
RAHMATU LLAH VAFA'I. THIS HEINDUS CRIME PERPETRATED ON  
MORROW PASSAGE RESOLUTION UNITED NATIONS HUMAN RIGHTS,  
COMMISSION EXPRESSING CONCERN VIOLATION FUNDAMENTAL  
FREEDOMS AND REQUESTING SECRETARY GENERAL CONTINUE  
EFFORTS SAFEGUARD RIGHTS BAHAI'S IRAN.

UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

TLX 822  
46626 BAYT IL  
15 MARCH 1983

FURTHER OUR TLX 14 MARCH JUST LEARNED DISTRESSING NEWS  
MRS TUBA ZA'IRPUR WAS EXECUTED BY HANGING TOGETHER TWO  
FRIENDS MENTIONED OUR PREVIOUS MESSAGE. BODIES OF THREE  
WERE BURIED IN BAHAI CEMETERY BY PRISON GUARDS WITHOUT  
KNOWLEDGE, PRESENCE RELATIVES. EXECUTION WERE NOT ANNOUNCED  
EVEN TO FAMILIES.

UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE.

TLX 133  
46626 BAYT IL  
12 MAY 1983

WITH SADDENED HWARTS ANNOUNCE EXECUTION ON 1 MAY  
TWO MORE ACTIVE SUPPORTERS GREATEST NAME CRADLE FAITH,  
MR, SUHAYL SAFA'I AND MR, JALAL HAKIMAN'  
IMPRISONED SINCE OCTOBER 1982 IN ISFAHAN. THEIR FAMILIES'  
FRIENDS LEARNED AFTER MORE THAN A WEEK OF THEIR EXECUTION IN TIHRAN

UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

14/14

۱۴ بچ ۱۹۸۳

## ترجمه تلسی و صدمه از هنر عکس بیت العدل اعظم

با کمال تاسف اعدام دونفر از یاران بی گناه را بناهای یدالله محمودیان ورحمت الله وفائی در تاریخ ۱۲ مارچ ۱۹۸۳ (۱۹۸۳) بوسیله دار زدن اعلام میداریم این حنایت شنیع روز بعد از تصمیم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که ضمن آن نگرانی کمیسیون نسبت به عدم رعایت آزادی اساسی ابراز شده و از دبیر کل سازمان تقاضا شده بود به مساعی خویش برای حفظ حقوق بھائیان ایران ادامه دهد ارتکاب شده است.

از آستان مقدس رهائی برادران ایران را که با شجاعت جنایات را مقابله میکنند رجا مینماییم.

### بیت العدل اعظم

موروخ ۱۵ مارچ ۱۹۸۳

در تعقیب تلکس مورخ ۱۴ مارچ ۱۹۸۳ (۱۹۸۳) همین حالا به اعدام تاسف انگیز خانم طوبی زائر پور بوسیله دار همراه دونفر دیگر از دوستان که در پیام قبلی ذکر شده بودند اطلاع یافتیم . اجساد هر سه نفر توسط ماورین زندان بدون اطلاع وحضور بستگان در گلستان جاوید بھائی مدفون گردیده واعدام آنها حتی به بستگانشان اطلاع داده نشده است . . . . .

### بیت العدل اعظم

۱۹۸۳ مر ۱۲

با قلوبی محزون اعدام دوتن دیگرا زحامیان فعال اسم اعظم در مهد ام رالله جنابان سهیل صفائی و جلال حکیمیان را اعلام میدارد . این نفوس که از اکتبر ۱۸۹۲ در اصفهان زندانی بوده اند اعضای خانواده و دوستانشان بیش از یک هفته پس از اعدام مشان در طهران از مأموریت اطلاع حاصل کرده اند .

### بیت العدل اعظم

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

BAHÁ'Í WORLD CENTRE

Ridván 140 B.E.

To the Bahá'ís of the World

Dearly-loved Friends,

The observable acceleration, during the past decade, of the two processes described by our beloved Guardian, the disintegration of the old order and the progress and consolidation of the new World Order of Bahá'u'lláh, may well come to be regarded by future historians as one of the most remarkable features of this period. The recent increase in this very acceleration is even more remarkable. Both within and without the Cause of God, powerful forces are operating to bring to a climax the twin tendencies of this portentous century. Among the many evidences which reveal this process may be cited, on the one hand, the continual increase of lawlessness, terrorism, economic confusion, immorality and the growing danger from the proliferation of weapons of destruction, and on the other, the world-wide, divinely propelled expansion, consolidation and rapid emergence into the limelight of world affairs of the Cause itself, a process crowned by the wonderful efflorescence of Mount Carmel, the mountain of God, whose Divine springtime is now so magnificently burgeoning.

During the past five years, the historical dialectic of triumph and disaster has operated simultaneously within the Cause of God. The Army of Light has sustained the loss of six Hands of the Cause and waves of bitter persecution which have again engulfed the long-suffering community in Iran, and have resulted in the razing of the House of the Báb, the demolition of Bahá'u'lláh's ancestral home in Tákur, and the martyrdom of scores of valiant souls. Yet these disasters have called forth fresh energies in the hearts of the friends, have fed the deep roots of the Cause and given rise to a great harvest of signal victories. Chief among these are the successful conclusion of the Five Year Plan; the launching of the Seven Year Plan, now in the final year of its second phase and unprecedented proclamation of the Faith to Heads of States, parliaments and parliamentarians, government ministers and officials, leaders of thought and people prominent in the professions, resulting in a change of attitude on the part of the mass media, which now increasingly approach us for information about the Cause.

. / ...

To these movements must be added the world-wide observances commemorating the fiftieth anniversary of the passing of the Greatest Holy Leaf; the completion of the restoration of the upper floor of the House of 'Abdu'l-láh Páshá, and its opening, at this very time, to its first visitors; the occupation by the Universal House of Justice of its permanent Seat, in further fulfilment of the great prophecy in the Tablet of Carmel; steady progress on the construction of the first Mashriqu'l-Adhkár of the Pacific Islands in Samoa and the Mother Temple of the Indian Subcontinent in New Delhi.

Among the outstanding features of the teaching and consolidation work are the continuing effective results of the participation of more than sixteen thousand believers from all parts of the world in the five International Conferences; intensive teaching campaigns carried out with the active support of all levels of the community and drawing upon the enthusiasm and capacity of Bahá'í youth; the establishment of a second radio station in South America; the re-formation of the National Spiritual Assemblies of Uganda and Nepal, and the establishment of nine new National Spiritual Assemblies, two of which will be elected during the month of May this year, bringing the total of these secondary Houses of Justice to 135.

Above and beyond all these is the unity in action achieved by the Bahá'í world community in its efforts to enlist public support for the dearly-loved, greatly-admired, cruelly-beleaguered Iranian believers, a unity further manifested in an outpouring of funds to replace their former liberal contributions, and an upsurge of personal dedication rarely seen on so universal a scale and holding the highest promise for the future.

The growing maturity of a world-wide religious community which all these processes indicate is further evidenced in the reaching out, by a number of national communities, to the social and economic life of their countries, exemplified by the founding of tutorial schools, the inception of radio stations, the pursuit of rural development programs and the operation of medical and agricultural schemes. To these early beginnings must be added the undoubted skills acquired, as a result of the Iranian crisis, in dealing with international organizations, national governments and the mass media - the very elements of society with which it must increasingly collaborate toward the realization of peace on earth.

A wider horizon is opening before us, illumined by a growing and universal manifestation of the inherent potentialities of the Cause for ordering human affairs. In this light can be discerned not only our immediate tasks but, more dimly, new pursuits and undertakings upon which we must shortly become engaged. At present we must complete the objectives of the Seven Year Plan, paying great attention to those inner spiritual developments which will be

Cont'd./...

manifested in greater unity among the friends and in National and Local Spiritual Assemblies functioning "harmoniously, vigorously and efficiently" as the Guardian desired.

We have no doubt that the Bahá'í world community will accomplish all these tasks and go forward to new achievements. The powers released by Bahá'u'lláh match the needs of the times. We may therefore be utterly confident that the new throb of energy now vibrating throughout the Cause will empower it to meet the oncoming challenges of assisting, as maturity and resources allow, the development of the social and economic life of peoples, of collaborating with the forces leading towards the establishment of order in the world, of influencing the exploitation and constructive uses of modern technology, and in all these ways enhancing the prestige and progress of the Faith and uplifting the conditions of the generality of mankind.

It is a time for rejoicing. The Sun of Bahá'u'lláh is mounting the heavens, bringing into ever clearer light the contrast between the gloom, the despair, the frustrations and bewilderment of the world, and the radiance, confidence, joy and certitude of His lovers. Lift up your hearts. The Day of God is here.

With loving Bahá'í greetings,

*The Universal House of Justice*

ترجمہ میں منع فوق ادشارة بعد مجلہ عذیب بلا خطر خواہید فرمود

# سفر مکران

"درمیانه غمزی میکرد"

"ابرنوروزیوبا ران شبانروزی"

"نه عجب با شداگرسیزه دمدزا هن"

روزنوروزجها ن افروزفوا رسید . جشنی بزرگ در تالار معهاد اعلی در نهایت جلال و غایت سادگی برپا شد ، حضرات اعضاء محترم بیت العدل اعظم وايادي مرالله و مشاورین محترم مقیم ارض اقدس علیهم بهاء الله وسائل خادمین امرالله ساکنان حرم قدس کوی جانا ن وزائرین اعتاب مقدسه در آن

جشن باشکوه کلا شرکت فرمودند .

بعد از آنکه کل مدعوین در تالار مستقر گشته در حرم مبارک امة البها روحیه خانم علیها بهاء الله باتفاق یکی از اعضاء محترم بیت العدل اعظم در نهایت وقار و جلال وارد شده و متبرسانه بحاضرین خوش آمد گفتند .

مناجات

برنا مه جشن عبارت بودا ز تلاوت پدرگاه خدا و ندبی انباز لوح مبارک عید و سپس با چای و شیرینی از حاضرین پذیرائی بعمل آمد . بعد از اختتام جلسه کل در ملازمت حرم مبارک و حضرات اعضاء محترم بیت العدل اعظم بمقام مقدس اعلی جهت دعا و مناجات و تلاوت زیارت نامه حرکت نمودند و چون بخیابانی که حدفاصل بین حدائق مقامات است احباء رسیدند مشاهده شد که از هر دو طرف خیابان بواسطه کاردمخصوص از حرکت وسائل نقلیه موتوری ممانعت بعمل آمده تا کل یاران رحمانی مجتمع در آن محفل نورانی بتوانند بدون ادنی توقف آزادانه از شارع عالم گذشته و بر روضه غنّا مقام اعلی وارد شوند زیارت نامه در مقام به

جای همه دوستان رحمانی خصوصا خوانندگان مجله فارسی عنده لیب خالی امسال مقدم بهار روح پرور رادر مقامات مبارکه علیا آنجا که مطاف ملا اعلی است گرامی داشتیم . با وجود آنکه قبل جین برآستان معطرکوی دوست عنبر آگین شده بود معاذالک این سفر حظی دیگرداشت زیرا مقر معهاد اعلی بیت العدل اعظم الهی در جبل رب مستقر شده و مواعید کتب مقدسه ولوح مبارک کرمل تحقق یافته و ساختمانی بس رفیع و بلند مرتبت چون لولولا در کوه خدا در نهایت عظمت و شکوه میدرخشید بعلاوه اول بهار بود و بهترین و خوشرین فصل سال .

کسانی که از نقاط سردمند کانادا در فصل ربيع به مناطقی که دارای اعتدال ربيعي است سفر مینمایند لذتی بیش از دیگران در کنموده و قدر و متزلت آن هوای مطبوع دل نگیر را باتما وجودا حساس مینمایند ، مسلم است که هوای خوش روح پرور آنهم در جواری ربه نشان در روح و جسم انسان تا چه حد اثر میگذارد هوای لطیف زمین سبز و خرم و درختان در هم و گلهای رنگ آنقدر زیبا و نشاط آور بود که وصف آن ممکن نیست با ران بهاری گهی خفیف و زمانی کوتاه ، شدید صحن با غ و چمن را نچنان طراوت و نضارت میبخشد که با غات حول مقامات رشک با غ عدن شده و پس از قطع با ران مهرجان افروزا زیس سحاب رحمت نمودا روبرو فرش زمردین زمین وحدائق چون فردوس برین نوریا شی مینمود ، نسیم خوش ن بهاری با رامی بانا زوکر شمه میوزید و درختا نوجوان با هنگ خوش و زش نسیم می چمیدند " بلبل با شاخ گل رمزی میگفت و با دصب

تھیہ ازیا کف فریدلر گزا رشگرا ورشلیم  
پست ماخذ جمعہ ۱۴ ذی ائینویہ ۱۹۸۳ اور شلیم پست  
صفحہ ۱۵

## پسامی مادلوو «مارخی»

بیت العدل اعظم بھائی، بالاترین مرجع  
اداری این دیانته آغاز به انتقال بمقر  
پر عظمت جدیدش نموده است - قصری مشید  
بردا منه جبل کرمل و مشرف بدرا یا .

این ساختمان که دارای ۲۷ متر ارتفاع و هزینه‌ای متوجه وزاره ۲۵ میلیون دلار در برابر داشته، پوشیده‌اً زمره‌سفید و محصور به دیواره ستونی مشتمل بر ۵۸ ستون دست تراش ۱۱ متری می‌باشد و بنای آن متوجه وزیر ۵ سال بطول انجام مید. این ساختمان بوسیله یک معمار آرشیتک(بهائی) به شده سیک معما دی یونان باستان طراحی شده و سقف مخصوص آن که از کاشیهای سبزرنگ پوشیده شده و بر فوق آن گنبد بزرگی از مرمره‌سفید قرار گرفته است. ستونهای شیاردار که در راس آنها سرستون ناقوس شکل ویژه‌ای قرار دارد، بنحو ما هر آن به

ودقيقی دردهکده چیا مپو ( Chiampo ) درایتالیا ، یعنی نقطه‌ای درجهان که هنوز این قبیل صنایع مستظرفه را ایجاد وارائه میکند ، ساخته و پرداخته شده است سنگ مرمرسفید معروف به پنتلیک ( Pentelikon ) برای این بنای عظیم ازمعدنی دریونان استخراج شده ، همان معدنی که سنگهای آن دربنای پارتئون ( Parthenon ) بکاررفته است .

این ساختمان پنجونیم (۵۱) طبقه مشتمل بر ۱۱۰۰۰ مترمربع فضای است که در نظر است

زبان انگلیسی بواسطه حرم مبارک  
امهالبها روحیه خانم تلاوت گردید و بعد  
از تلاوت مناجات لقادرمقام حضرت  
عبدالبها روح الوجود رمسه لاطهر الفدا  
یاران الهی بدع و مناجات انفراداً  
پرداخته و بدین طریق روزی که هرگز  
فرا موش نشده و گردش روزگار یاد آنرا  
از خاطر مخونخواهند نمود بپایان رسید.  
در آن روز خجسته تائیدات غیربیه جمال بهی  
بقسمی ظاهر و هویدا بود که برای العین  
دیده میشد و عنایات الهیه چنان فضارا  
احاطه نموده بود که هر دیده نابینایی  
مشاهده ننمود. عظمت امر مبارک بظوری  
واضح و آشکار بود که هر منصفی شهادت بر  
عظمت و جلال آن میداد. دوستان الهی  
غرق دریا ا سرور و شکرگزا رخدا و ندغفور و رب  
و دودیو دند.

در ساره بنای رفیع النبیان معهد اعلی دردا منه جبل رب هرچه گفته شود کفا یست نتماید زیرا بنای مزبور علاوه بر زیبائی ظاهرکه در حد اعلا است دارای کیفیتی معنوی و روحانی است که بعنایت اسم اعظم در آن نهفته شده مسلم است که عبارات والفالاظ قادر به توجیه و توصیف عوالم معنوی و حقائق روحانی نیست چنانکه هر یک از زائرین در بیان حقائق معنوی این بنای عظیم برداشتی داشتند و بیان مطلبی مینمودند که با توجیه و تبیین دیگران فرق داشت بنا بر این فقط میتوان گفت که مقرنه عالی از نظر اسلوب و ظاهر، بدیع و در حد اعلای زیبائی واژ لحاظ معنویت و باطن در غایت شکوه و جلال معنوی است با وجود این مراتب مناسب حال دانسته شد که ترجمه قسمتی از مقاله مندرج در روزنامه اورشلیم پست برای مزید اطلاع نقل گردد

۱۵۰ نفر در آن فعالیت کنند که کلیه آنان را داد و طلبانی تشکلیل میدهد که از ۳۳ کشور مختلف جهان میباشد. تنها کسانی دعوت بکار در مرکز جهانی بهائی در حیفا شده و به این نقطه فراخوانده میشوند که همگی آنان این دعوت را امتیازی برای خود تلقی کنند.

هزینه ساختمان کلا از تبرعات بهائیان در سراسر جهان تا مین شده است. بهائیان اعانت و کمک های خارج از دیانت خود را قبول نمی نمایند.....

ساختمان جدید جزئی از یک مجموعه قوسی شکل بناهای بهائی است که در حقیقت سومین ساختمان را در این مجتمع تشکیل میدهد. اولی ساختمان معبد بهائی دارای گنبد طلائی است که بر مرقد باب استوار کردند و دیگری ساختمان سقف زنگاری (سبز) موزه بهائی است که آثار روبقایا و متعلقات موسسین این آئین را در خود حفظ میکند.

تنها محوطه معبد و حدائق حول آن بروی عموم باز است ولکن یک معتبرخوش منظر که در مسیر جلوی ساختمان جدید تعییه شده است، بهمین ترتیب برای استفاده عموم آزاد خواهد بود.

ساختمان چهارم، که کتابخانه و مرکز مراجعت بهائی خواهد بود طرح ریزی شده است. در این مرکز تاسیسات بهائی به ۷۰۰ زبان و تمام مراجع و مأخذ و کتب و نشریاتی که اشاره ایا بین دیانت کرده باشد، نگاهداری خواهد شد.

ساختمان جدید دارای اطاق کنترل حرارت است که در آن نصوص و آثار مقدسه اصلی دیانت آثار رقلمی موسسین این آئین حفظ نگاهداری خواهد شد. بهائیان معتقدند که دیانت آنان که هم اکنون چندین میلیون پیرو دارد، تنها دیانتی است که متون و آثار رقلمی را که شالوده و اساسن را تشکیل میدهد، در اختیار دارد. ....

بهائیان، مسیر سراشیبی کوه فوق این قسمت ها تا نقطه Rehov Yefe Nof را تما ماتنسیق و تبدیل به گلزار و چمن خواهند کرد و در آن پیاده روی راهی در نظر گرفته میشود که رهگذران بتوانند از مناظر زیبا برخوردار شده و دقائی را به تفکرات و انعکاسات روحانی پرداخته، محفوظ و ملتزد گردند. دونالدبارت از مرکز جهانی بهائی اعلام نموده است که نقشه احداث حدائق و چمن زارها برای تصویب به انجمن شهرتسلیم گشته است.....

\*\*\*\*\*

ومتوجه بساحت قدس منان.

" ای برتر از خیال و قیاس و گمان وهم از هر چه گفتہ اندوشنیدیم و خوانده ایم

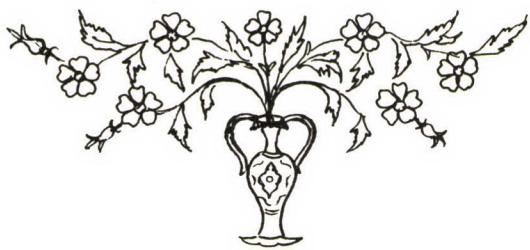
مجلس تما م گشت و با خرسی دعمر ما همچنان دراول وصف تو مانده ایم

جوانی تازه تصدیق از مغرب زمین چون سر بسجود مینها دوبرا زونیا زبا خدا وندبی انباز مشغول میشد گوئی بعالی دیگر عروج نموده وقتی همین جوان از خادم روضه مبارکه در خواست قدری تربت مقدس منور را نمود

بهرحال گفتنی ها بسیار است ولکن این مختصر گنجایش ذکر همه آن خاطرات خوش را ندارد "بصدق فرنشا یدگفت شرح حال مشتاقی زیارت روضه مبارکه قبله اهل بها چنان در روح و فواد اثر میگذارد که جزذکر دوست همه چیز را زیاد میرود. عشاقد بهما چون سر بر آستان مینهادند جز طلب تائید و مزید توفیق در خدمت با مر مبارک آرزوئی نمی نمودند. براستی در آن حین قلب از ماسوی الله پاک و مقدس بود و جان از عوالم ملکیه بی خبر و چشمها گریان

چنان بودکه در این مختصر بتوان از عهده تحریر برآمدگای همه دوستان خالی تا عظمت امر جمال قدم جل جلاله را در عالم ملک درظل لوای معهداً علی بیت العدل اعظم الٰی شیدالله بنیانه مشاهده نماید .

باتقدیم تحيات بهائی  
تورنتو ۲۹ می ۱۹۸۳



ومیگفت حضرت بهاء اللہ در کتاب مستطاب ایقان شرحی مبسوط از غلبه دم مطهرو اثرات تربت پاک حضرت سید الشهداء حسین بن علی علیه الاف التحیة والثناء بیان فرموده‌اند دیگر معلوم است که اثرات تربت پاک و مقدس مظہر ظہور کلی الٰی چگونه است؟

با خود گفتم سبحان‌الله این جوان بعد از اقبال با مرما رک و مطالعه کتاب مستطاب ایقان تا این حد نسبت بشریعت مقدسه اسلام خاضع و خاشع گشته با وجوداً یعنی بعضی از ایرانیان، بهائیان را در معرض جور هند و ستم بعنوان مخالفت با اسلام قرار می‌گیرد حال آنکه بهائیان بهترین مبلغ و ناشر اسلام در عالمندوا شخاصی بی‌انصاف از این عنایت و خدمت غافل . با ری علاوه بر موهبت زیارت اعتاب مقدسه و امام‌کمان متبرکه که به بصرف فضل و عنایت حضرت مولی‌الوری ارواحنا فداه نصیب گردید مجالس انسی که شبها در مسافرخانه تشکیل می‌شده‌حالی داشت ولطف وصفائی ، هر شب زاگرین که از نقاط مختلفه جهان آمده بودند دورهم در مسافرخانه جمع شده و چنان محبت و صمیمیت در می‌نشان با وجود عدم شناسائی قبلی حکم‌فرما بودگوئی سالیان در از آشنا یان یکدل و دوستان همد و همراز بوده‌اند .

در این محافل انس و مجالس قدس اعضاء محترم بیت العدل اعظم وايادی امرالله جناب فروتن و اعضاء محترم دارالتبليغ بین المللی علیهم بهاء اللہ بترتیب ایراد بیانات روحانیه مستند به الواح و آثار می‌ارکه فرموده وبسیوار الات حاضرین در جلسه نیز پاسخ کافی شافی میدادند . شرح و بسط مجالس مذکور و عشق و محبت و یکرنگی وصفای دوستان بیکدیگر نمایم

# استقرار مسح علی در مقصد امّی

## بالم ۱-خ

نستیم

بسیار دور را بجا گذاشت . مانمی تو  
با ورکنیم و در فکر و سقل و خیال خود  
تحسم نمائیم که آنچه در لوح مبارک  
کرمل مثبت است و هیکل اقدس ولی عزیز  
امرا لله بکمال عطفت و مرحمت آنرا  
برای ما شرح و بیان فرمودند تحقیقش  
بسیار نزدیک است و نه سال بعد در  
کمال شکوه و عظمت تشکیل و تاسیس بیت -  
العدل اعظم الہی آن مرجع منصوص و  
مصنون از خطا که باید سرنوشت امرالله  
وجهان را در ید قدرت خویش گیرد  
متتحقق خواهد شد . معمولاً نفوسيکه در  
برهه از زمان زندگی میکنند بعزمت  
حوالشی که در دوران زندگی آنها بوقوع  
میبینند کما هو حقه پی نمیبرند . ظهور  
انبیاء الہی که اعظم واقعه در تاریخ  
است از جانب مردمان زمان ظهور به  
خونسردی و متسافانه بی اعتمانی و حتی  
با دشمنی و عناد تلقی شده است و پس  
از قرنها نسلهای آینده متوجه میشوند  
که از جانب پدران آنها چه غفلتی بعمل  
آمده و چه خسرانی نصیب گردیده است  
لذا ناچار به جبرا ن گذشته بر میخیزند  
و کمر همت بر خدمت به آستان الہی  
میبندند . این اصل همواره معتبر  
میباشد و افراد بشر نه تنها به اهمیت  
حوادث عظیمی چون ظهورات الہیه توجه  
نمیکنند بلکه از ارزیابی و درک بسیار  
از حوادث دیگر نیز که در مقام خود قابل  
ذکر و واحد اهمیت است غفلت مینمایند .  
حتی مومنین بظهورات الہیه که شاهد  
حوادث هستند عظمت و ابهت آنها را کاملاً  
متوجه نمی شوند .

در ژوانویه ۱۹۵۴ که اولین سال نقشه  
جلیل‌الدھن‌الله حجاد کبیر بود این  
عبد همراه گروهی از دوستان بزیارت ارض  
قدس و درک محضر پرانوار مولای محبوب  
ومهربان حضرت ولی امرالله ارواحنا  
لعنایات‌الفداء مفتخر و مباہی گردیدم  
جناب دکتر لطف‌الله حکیم علیه رضوان  
الله و بھائے که راهنمائی زائرین را  
در آن ایام عهد دار بودند در روز اول  
ورود زائرین فرمودند قبل از اینکه  
بحضور مبارک حضرت ولی عزیرا امرالله  
جل جلاله مشرف شوید لوح مبارک کرمل  
را که بدیوار مسافرخانه آویخته است  
زیارت کنید چه که امکان دارد هیکل  
مبارک از شما سؤال فرمایند که این  
لوح مبارک را تلاوت کرده‌اید یا نه  
بدستور جناب دکتر در خدمت جناب دکتر  
امین الله مصباح علیه رضوان الله و  
جناب عنایت الله نامی علیه غفران الله  
که در این سفر ملکوتی همراه بودیم  
مبادرت بزیارت لوح مبارک کرمل نموده  
در معانی آن بقدر استعداد و فهم خویش  
دقیقت بکار بستیم . وقتیکه موهبت زیارت  
هیکل اقدس نصیب گردید یکی از سوالاتی  
که از زائرین فرمودند همین بود که :  
آیا لوح مبارک کرمل را زیارت کرده‌اید  
همگی با تعظیم جواب مثبت بحضور مبارک  
تقدیم داشتیم ، سپس هیکل مبارک در  
باره اهمیت آن یرلیغ بليغ و تشریح  
بعضی از نکات اساسی آن بیاناتی  
فرمودند . آنچه ما در آن زمان که  
۲۹ سال از آن میگذرد ازلسان آنحضرت  
شنیدیم در خاطر ما تصویر یک آرزوی

ستایندگان اسم اعظم در سراسر عالم  
ملاحظه فرمایند:

با سپاس بی‌حدود قیا سرعت عظیم به آستانه جمال  
اقدس بھی فرود می‌واریم که تائیدات  
شامله اش بیت‌العدل اعظم را موفق‌ساخت در  
مقر دائمی جدید البناء ایش استقرار یابد..  
این واقعه مبارکه مرحله دیگری در جریان  
تحقیق افتتن حرکت سفینه الله بر جل رب  
است که در لوح کرمل، منشور اعجا ب انگیز  
مراکز جهانی روحانی و اداری امر حضرت  
بها الله بدان وعده داده شده است  
اعضای بیت‌العدل اعظم این نقطه  
اوج تاریخ امرالله، امری که حال در تکاپوی  
استخلاص از مرحله مجھولیت است. و این  
موقع خطیر که در اثر فداکاریهای هیجان  
انگیزیاران عزیزاً ایران مشحون از قوای  
مکنونه بی‌پایان است را با تشریف به اعتاب  
قدسم مقام حضرت اعلیٰ و روضه مبارکه  
و همچنین با تخصیص دادن اولین جتماع  
در تالار شورای اداره التشريع که با حضور  
حضرات ایادی امرالله امداد البهاء روحیه  
خانم و جنا بعلی اکبر فروتن و مشاورین عضو  
دارالتبليغ بین‌المللی تشکیل گردیده  
تقدیم دعا و شکر و سپاس خاضعانه مشخص  
و ممیز نمودند.

زمان شادی و سرور علوم است و هنگام ارتفاع  
طنین شکرانه به آستانه جمال قدم‌جل  
ذکر الاعظم. امید آنکه مساعی و مجہودات  
بلانقطاع باران در سراسر جهان موجب  
تسريع ظهور یومی گردد که امکانات اعجا ب  
انگیز مودعه در لوح مبارک‌رملیتما مها  
تحقیق پذیرد و بفرموده حضرت ولی عزیزاً امرالله  
انها را حکام و حدود الله بی‌جلال و قدرتی  
قا هرها ز جبل رب جریان یابد.

بیت‌العدل اعظم  
در این تلکس‌مبارک و تاریخی  
بیت‌العدل اعظم نخست سپاس بی‌حد و قیاس

در چند سال اخیر در امرالله و قایعی  
اتفاق افتاده است که با اینکه همه احبا  
از آن باخبر شده‌اند و حتی مرامی برای  
بسیاری از آنها برگزار شده ولی باز هم  
باید اذعان نمود که درک اینکه تا چه  
درجه دارای مرتبت بوده‌اند برای ما مشکل  
بوده است. شهادت جمعی ازیاران جان‌فشن  
حضرت رحمن در کشور مقدس‌ایران و تضیقات  
روزافزونی که بر خواهان و برادران  
روحانی در مهد امرالله وارد گشته و هنوز  
بشدت ادامه دارد و تا شیراتی که از محل این  
فضا رها و مصادب و فقدانهای جانی و مالی  
و خدمتی ... بر جامعه‌ستمیده حضرت  
یزدان در آنسامان وارد گردیده حکایتی  
است که در آینده اقلام نویسنده‌ان و مورخان  
در باره آنها بر حکم خواهد آمد و کیفیت و  
ماهیت و اثرات بلا تردید آنها را در آفاق  
انفس مبرهن و آشکار خواهد ساخت.

یکی از حوادث بسیار تاریخی که در چند سال  
اخیر اتفاق افتاده و برای همیشه در تاریخ  
امرالله مثبت و مذکور خواهد بود بنای  
رفیع‌البان ساختمان بیت‌العدل اعظم  
الله یادار التشريع جهانی بهائی است.  
در این سطور نظر این نیست که تاریخچه  
این ساختمان عظیم ذکر شود شاید این مهم  
بموقع خود توسط دوستان عزیز تبیه و تحریر  
و در شماره‌های آینده عنده بنتیج یاران  
الله بررسد ولی بحاست که اشاره شود که  
این ساختمان در بحبوحه مشکلات متعدد که  
در مقابل جامعه پیروان اسم اعظم قرار  
داشته و دارد آغاز و بپایان رسیده و بیت  
العدل اعظم الله شیدالله رکانه در کمال  
شکوه و جلال در آن استقرار یافت است.  
این نت تلکس‌مهد اعلیٰ در باره این واقعه  
تاریخی:

ترجمه پیام بیت‌العدل اعظم الله  
مو رخ ۱۹۸۳ اول فوریه

دقیق معطوف داریم ملاحظه خواهد شد که تحقق وعود را موكول به امساعی و مجہودات بلا نقطاع یاران در سراسر جهان موجب تسريع ... (فرموده‌اند) استنباط از مفهوم این بیان مبارک این است که تحقق وعود الٰهی حتمی است و انچه وعده داده شده حتمی الواقع خواهد بود چنانچه شاهد تحقق بسیاری از وعد بوده آمده ولی تسريع در تحقق وعود موكول به مجہودات مستمر یاران است. حال چه باید کرد که این موهبت آسمانی نصیب ستانندگان اسم اعظم گردد. شک نیست جز تبلیغ امرالله واعظ کلمه الله واجرا احکام و امر حضرت رب الریبه و توجه و اطاعت کامل بفرامین بیت‌العدل اعظم الٰهی راه دیگر نیست. تا امرالله بیش از پیش در سراسر عالم توسعه یابد و تعداد پیروان و عدد مراکز امریه در جهان و تاسیسات روحانی و اداری آن بمرحله بررسد که شرایط برای تحقق بقیه وعود الٰهی آمده شود در غیر این صور تظهور مصداق کامل (سوف تجري سفينة الله علیک) که نتیجه نهائی آن صدور احکام و تشرعی قوانین از جانب بیت‌العدل اعظم الٰهی برای احیای عالم انسانی است دچار تاخیر و تعویق خواهد شد.

باری این انتقال لیکه حدثه روح بخش و پر بشارت تاریخی در حیات امرالله در طی قرن دوم بشما رمی‌رود چه که از این ساختمان و بالا خص از اتالارشور ای دارالتشریع در آینده او امر را حکام معهداً علیه اهل عالم از شرقی و غربی و شمالی و جنوبی و سلطان و رعیت و نژادها و ملل و اقوام مختلفه ... صادر خواهد شد و عالم انسانی به سبیل نجات ونجاح هدایت خواهد گردید و مصادق "وتری‌الارض جنت الابهی" به تحقق خواهد پیوست.

خویش را بمناسبت شمول تائیدات جمال‌القدم جل ذکرہ لا اعظم در حصول امكان انتقال آن معهد اعلیٰ به بنای جدید تقديم میدارد. آریا گرتائیدات اسم اعظم نبود چه قدر تی میتوانست در شرایطی که مشکلات فراوان از هرجهت احاطه نموده چنین توفیقی نصیب امر مبارک گردد. ساختمان بیت‌العدل اعظم واستقرار معهداً علی در آن قدم مهم دیگری در تحقق مرحله بمرحله وعود حتمیه الٰهی بوده و بدون شک چنین موهبتی را تقديم سپاس بی‌پایا یا نواحی و ضروری است و برای تقدیم این سپاس سیستان مقدس مظہر امر اعظم الٰهی امنی بیت‌العدل اعظم باتفاق حضرات ایا دی امرالله و مشاورین مقیم ارض اقدس پس از تشرف به مقام اعلیٰ و روضه مبارکه در (اتالارشور ای دارالتشرع) برای دعا و تقديم (شکر و سپاس خالصانه) اجتماع فرموده‌اند.

این ایام یک‌ایام تاریخی و نقطه اوج آن نیز قلمداد شده چه که می‌فرمایند امر الٰهی (در تکاپوی استخلاص از مرحله) مجھولیت است که ناشی از (فداکاریهای هیجان انگیز یاران عزیزاً ایران) و امشيون از قوای مکنونه بی‌پایان است) بنا بر این اگر این (قوای مکنونه) بکار خود آدامه دهد ملاحظه خواهد شد که چه فتوحات در خشان دیگری نصیب امرالله خواهد شد.

بالآخره در آخرین قسمت پیام می‌فرمایند (امید آنکه مساعی و مجہودات بلا نقطع یاران در سراسر جهان موجب تسريع ظهور یومی گردد که امکانات اعجاب‌انگیز مودعه در لوح مبارک کرمل بتمامه تحقیق‌ذیرد و بفرموده حضرت ولی عزیز امرالله انهارا حکام وحدود الٰهی با جلال و قدرتی قاهره از جبل رب جریان یابد) اگر با این عبارات اخیره پیام منبع توجه

## ﴿مَعْهُدٌ﴾

اثر طبع آفای عبدالجین پیر آتنی

وقت شکرانه بدرگاه خداوند غیور	مژده ای اهل بها موقع جشن است و سرور
منتقل معهد اعلاست به بیت معمور	وعده نصروفا کرده بفضل مسؤول
	خیمه نظم الهی بجهان برخیزد
	آتشی در دل افراد بشر انگیزد
یک بیک آمده در مرحله سعی و عمل	آن وعودی که خداداده بلوح کرمیل
کوه کرمیل شده میعاد نبات نحل	امر حق شهره آفاق شده نزد ملل
	آن نباتات که گفتند رسولان قدیم
	همه ظاهر شده در با ره این یوم عظیم
بارگاهی است که در قلب جهان جادارد	جبال الرب که کنون معهداً علی دارد
مرکز نظم بدیعی است که دنیا دارد	امتیازی است که از حضرت ابها دارد
	پایه دین الهی نه زنگ، است و نه گل
آن بنائی است که شدساخته بر صفحه دل	بانی معهد اعلاست همان شارع دین
که نموده است مقامات و وظائف تعیین	مرکزاً مرا الهی است در این دور مبیین
میکند آنچه که منصوص نباشد تبیین	بیت عدلی که نماینده نوع بشر است
	بفیوضات و بتائید خدا مفتخر است
بمبارک قدیمی از سر عزت تابیید	کوکب معهد اعلی چو در آن قصر مشید
دوره وحدت و یکرنگی و صلح است پدید	بتن مرده دلان با زدمد روح جدید
	اینهمه فیض و عنایات جمال قدم است
	دین حق موجب آسا یش کل امما است

---

ما رج ۱۹۸۳

# انجمن شورروخت پن‌المللی

حیفا - ۲۵ آوریل تاریخ سوم ماه ۱۹۸۳

تمایز اصلی پنجمین انجمن شوربین‌المللی بهائی این واقعیت بود که برای اولین بار انتخاب بیت‌العدل اعظم الهی در ساختمان معهد اعلیٰ انجام گردید .  
اعضاًی هریک از محافل روحانیه ملیه عالم بهائی آراء خویش را شخصاً یا از طریق پست برای تجدید انتخاب نه (۹) نفر موسسه عالی امرالله ابداء نمودند .

- ۱- جناب علی نجوانی
- ۲- " هوشمند فتح اعظم
- ۳- " ایان سمپل
- ۴- " دیوید رووه
- ۵- " گلن فورد میچل
- ۶- " دیوید هوفرمن
- ۷- " بوراکا ولین
- ۸- " چارلز ولکات
- ۹- " هیو چانس

تعداد تقریباً ۶۸۵ نفر از هیئت‌های مشاورین قاره‌ای و اعضای محافل ملیه در صبح روز ۲۸ آپریل در تالار ساختمان بیت‌العدل اعظم در سطح مقابل ستونهای مرتفع سنگ مرمر اجتماع نمودند . حضرت امه‌البها روحیه خانم با تلاوت مناجات مبارکی که بیت‌العدل اعظم الهی تلاوت آنرا جهت محافظت یاران قهرمان ایران از احباب الهی در سراسر جهان خواسته بودند جلسه را افتتاح فرمودند .

بدین سبب وجوهات بیشمار دیگر حواست سرتاسر این یک هفته با آگاهی از فداکاریهای که توسط یاران مهدما مرالله در سبیل امرالله انجام داده‌اند مهیت و قایع هفته را تشکیل میدادند آغاز ابدای رای برای انتخاب بیت‌العدل اعظم الهی این آگاهی آشکارا ترگردید انتخاب بترتیب حروف الفبای ممالک شرکت‌کننده آغاز شد که شروع آن با کشور لاسکا و خاتمه آن کشور زیمباویه بود . به محض اینکه اعضاء هریک از محافل ملیه را خود را تسلیم میکردند اسم کشورشان در لوحة بزرگی در مقابل سالن ظاهر میشد در حالیکه لوحه دوم نام کشور بعدی را که نمایندگان آن با ید را خود را تسلیم نمایندشان میداد . آگاهی انجمن از عدم حضور ام الجواع عالم بهائی هنگامی بطرز دردناکتری احساس گردید که لوح نام " ایران " را نشان داد . وقتیکه نام کشور وطنی جمال‌القدم جل ذکره‌الاعظم بالمال برلوحه مقابل ظاهر گردید کلیه حاضرین کثله واحد در حالیکه دست میزدند قیام نمودند . آراء توسط مسئولین مربوطه به صندوق رای ریخته شد . ما مورین را هنما یک ظرف پر از گل سرخ (قرمزرنگ) را که بعنوان هدیه بنام محفوظ ملی ایران ارسال شده و تقاضا کرده بودند که به نماینده هریک از محافل ملیه که در انتخابات شرکت‌دارندیک شاخه گل قرمز داده شود به جلسه آوردند .

انتخاب بیت العدل اعظم در مقر رئیس‌جمهوری در دهنه جبل کرمل نشان دهنده موقعیت حاصله و منحصر برای این انجمن بود. بلا فاصله پس از انتخابات، بیت العدل اعظم در بیانیه‌ای که بنام نامی آن معهد اعلیٰ و با تاریخ معین در حیفا صادر شده بود.

**الف - نتیجه انتخابات را اعلام فرموده**

ب - مشروعاً تضيقات وارده برا مراجعته رادرکشور مقدس ایران محکوم کرده

ج - مقاصد موردنظرجا معه جهانی بهائی را بطورخلاصه بیان فرموده بودند.

نظر باينکه چنین اعلاميه ها ئى درگذشته از جانب جامعه جهانى بهائى (نمایندگى درسا زمان ملل متحد) درنيويورك يا از طرف محافل روحانيه مليه بطور جداگانه منتشر ميگردید صدور چنین بيانيه از طرف معهد اعلى نشان دهنده مرحله جديدي از ظهور امرالله از دوران مجھق ميبا شد.

تعبير دیگری از تغییر سرنوشت امرالله در اطراف جهان تاکیدی بود که همدرپیا مبیت العدل اعظم الهی وهم در مشاورات بین وکلای بعاد اجتماعی و اقتصادی که در دنباله نقشه الهی بسرعت بظهور میرسد اشاره شده بود.

اين مسائل در جلسات مشكله کوچکترین گروههای محافل مليه که منافع مشترک دارند نيز  
ادامه يافت. محفل ملي کانادا بالاخص از اين موقعیت استفاده کرده با تعداد زیادی از  
محافل مليه که منافع مشترک و یا امکانات مشترک دارند ملاقات هائی بشرح ذيل بعمل  
آورد:

۱- با محفل ملی هندوستان در موضوع طرحهای عمران روستائی

۲- با محافل ملیه کشورهای فرانسه زبان در موضوع انتشارات و وسائل سمعی و بصری  
بزیان فرانسه

۳- باکشورهای پرو- شیلی - بولیویا - اکوادار- در موضوع پیشنهاد توسعه شبکه رادیوبهائی بمنظور دربرگرفتن جنوب آمریکا .

۴- با محافل ملیه کشورهای سوئیس - اتریش - ایرلند - در موضوع پیشنهاد مشاورین  
قاره‌ای اروپا که موسسه مطالعات بهائی شعبه زبانهای فرانسه - آلمانی و  
انگلیسی درقاره اروپا تاسیس گردد.

۵- بانمایندگان چندجا مעה که به ایان ایرانی در آن کشورها سرگردان هستند در  
موردنامه هندگی کانا دا

ع- با یک عضو محافل ملیه روحانیه درمورد کار مرکز سمعی و بصری جهانی بهائی .

۷- ببعضی از محافل ملیه آفریقا در موضوع امکانات طرح عمران بین المللی آفریقا درباره مدارس خصوصی و درمانگاههای یک نفره وغیره .

در تعقیب انتخابات اعضای بیت العدل اعظم الهی برای شرکت در جلسات از قبیل آنچه در فوق مذکور گردید و همچنین بحث بیشتر با افراد و گروههای نمایندگان بطور آزاد نتیجه آن ایجاد صمیمیت در انجمان واستحکام رشته محبت و احترام بود که به ایان عالم را با معهد اعلیٰ وحدت میبخشد.

قبل از انتخابات این موهبت نصیب حاضرین گردید که بزیارت اماکن متبرکه اصلی مراکز جهانی نائل گردند. یکی از نکات مهم این قسمت در انجمان این بودکه برای اولین

با زیارت بیت مبارک زیبای عبدالله پاشا که در سالهای اخیر حیات مقدس مرکز میثاق جل شناه محل سکونت آن جوهر وجود بوده و بسیاری از زائرین غربی در آن بیت بحضور مبارک تشرف حاصل کرده‌اند نصیب گردید. این بیت مبارک بطریز زیبائی تحت نظر امہال بهای روحیه خانم تعمیر گردیده و شامل چند اطاق پذیرایی و اطاقهای کوچک دیگر با جنبه‌های خاص امری است. طرح تعمیر این بیت همچنین شامل تعمیر باغچه‌ها می‌گردد که هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء در صحن حیاط ایجاد فرموده‌ولی در زمان مالک قبلی منزل بحال خود واگذاشته شده بود.

اعضاي محفل ملي کانادا از سرور مخصوصی برخوردار بودند که دراولین شب انجمن (۱۲۵ پریل ۱۹۸۳) در بیت مبارک حضرت عبدالبهاء در حیفا در حضور حضرت امہال بهای روحیه خانم باشام دعوت شدند. در این شب از اطاق زیبای پذیرایی که ایشان آنرا با اشایه اصلی و نقاشی‌ها و اشیاء هنری منزل پدر بزرگوارشان (ایادی امیرالله سرماکسول) مفروش و تزئین کرده بودند نیز بازدید بعمل آمد.

«ترجمه از مردم مدخل روحاني ملى ببيان کانادا در کامپشن بن لسى ۱۴ بيع»

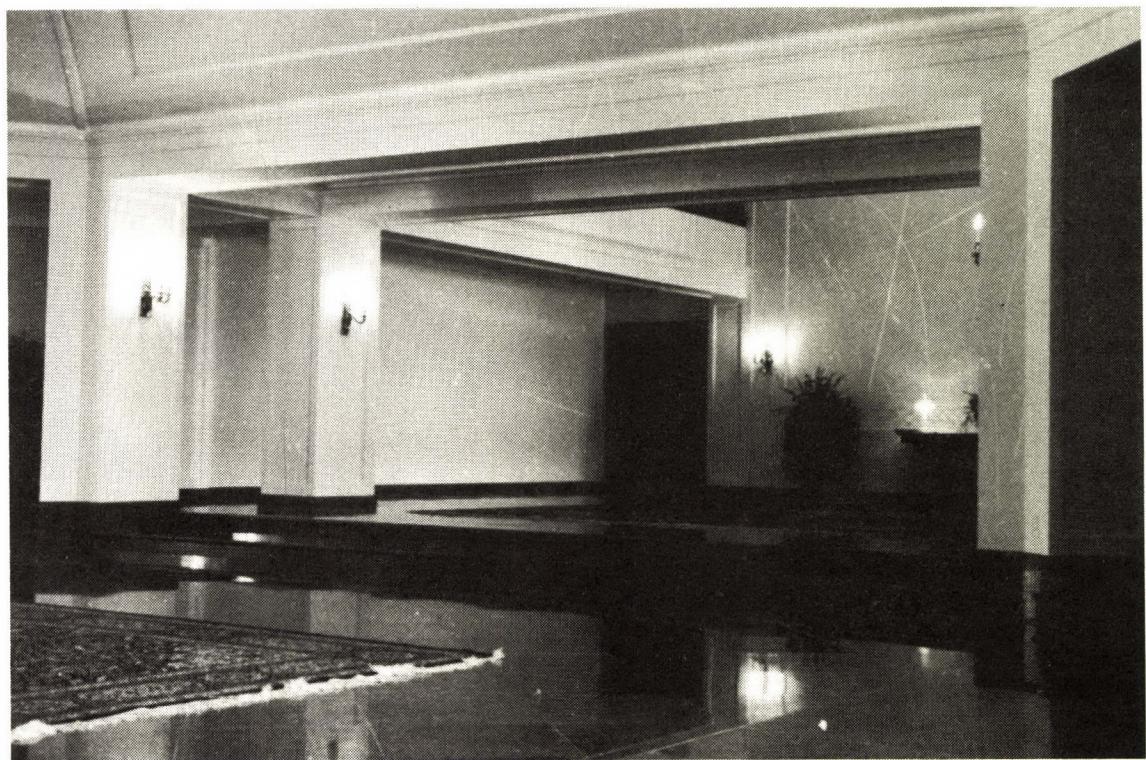


اعضای محفل روحاً ملی ببيان کانادا در کامپشن بن لسى ۱۴ بيع

(۳)



(۴)



۳ - تالار جمایع بنای محمد اعلی  
۴ - فستی ازبنای داخلی

عکسی غرق راخم، مجری همپن از ارض مقدس ارسال فرموده  
از ایشان تشکریم.

(۱)



(۲)



۱ - نمای خارجی مقرّ دائمی سعده

۲ - قسمی از نمای حدائق

”اَن يَأْمُدَ لَا تَرْضَهُ فِي غَيْبَيِّ شَمْ ذَكْرَى مَمْ فِي اِيَّمَكَ  
شَمْ كَرْبَلَى وَغَرْبَى فِي هَذِهِ الْجَنَاحِ الْعَبِيدِ“... (لِحَادِي)

## مقدمات تاریخی نزول لوح مبارک محمد

بتم نظرت به محمدینی

در این روزهای حزن انگیز که ناله وحنین اصفیاء از ظلم اعداء به اوچ اعلی میرسد وساکنان حرم کبریاء بسر مظلومیت عشاقد جانباز بهاء اشک خونین میزندند جز تمسکیه ذیل اطهر اقدس جما، ابی سیلی نیابیم وجز توسل به آیات باهارات این ظهور اعظم استی طریقی نیوئیم . درمیان خزان آیات این ظهور جلیل ودر احیان نزول بلایا ومحن واحزان متواتره، ازجمله الواح احتراق واحمد رامقا می مخصوص است . علی الخصوص که درمن لوح اخیر مصراح است : ”فَوَاللهِ مَنْ كَانَ فِي شَدَّةٍ وَحْزَنٍ وَيَقْرَأُ هَذَا الْلَوْحَ بِصَدْقٍ مَبْيَنٍ يَرْفَعُ اللَّهُ حَرْنَهُ وَيَكْشِفُ ضَرَّهُ وَيَفْرَجُ كَرْبَلَاهَا در احیان احاطه رزاپا بکرات امر به زیارت این لوح عظیم میفرمودند وخدود بنفسه بالحنی آسمانی به ترتیل، آن اثر کریم می پرداختند . بدین لحظه وبه تناسب موقعیت زمان واحزان وارده تاشیه از شهادت بالسان شاع جانباز ایران بکبار دیگر این اثر آسمانی را زیارت میکنیم ودر حد توان خوبیش به بررسی مقدمات تاریخی نزواهاین سفر کریم می پردازیم .

لوح احمد عربی به افتخار ملا احمد معروف به مبلغ بزرگ نازل شده است ۲۱) . گروهی از رجال عالم امر بانام احمد معروفند که از میان آنان چند تن به احمد یزدی شهرت گرفته اند . نخست آقا سید احمد بزرگ از اشها ای جانباز قلعه شیخ طبری است وفرزند نوجوان او محمدعلی نیز درهمان قلعه به شهادت رسیده است . فرزندان دیگرش سید حسن وسید حسین یزدی در عهد اعلی خدمات شایان نموده اند وسیدحسین از حروف حی وکاتب حضرت نقطه اولی بود و به عزیز وکاتب البیان شهرت گرفت و در وقایع سال ۱۲۶۸ هجری قمری شهادت رسید .

در عهد میثاق در مطاوی آثار حضرت مولی الوری و در منتن اوراق تاریخ از آقا احمد بزرگ قنسول دولت ایران در پرست سعید نام برده شده است . ایشان داماد حضرت عبدالبهاء بوده اند . آقا سید احمد افنا معرفت به یزدی از دیگر احمد نامانی است که در تاریخ امر مبارک نام آوراست . نامبرده در آغاز در شهر یزد وسیس در مدینه عشق آباد مدتی در اسلامبول و دیگر جهات به تجارت و خدمات امریه اشتغال داشته و خدمات و بلایا لاتحصی تحمل کرده است . آقا سید احمد در عکا به محضر جمال ابی تشرفات شفیعی و پس از صعود مبارک مدتی در حضور حضرت مولی الوری بوده و سرانجام به ایران مراجعت نموده وبوسیله شخصی که ظاهرابه قصد یزدی به خانه ایشان رفته بوده بقتل رسیده است . مرکز عهد در زیارت نامه آقا سید احمد با عبارات ”قدرا لله لک ان تتحرع کاس الفداء تستشهد فی مشهد الکبیراء فهنيا“ لک هذا الکاس الممزوجة بکافور العطاء ”ایشان را از اشها ای امر محسوب فرموده اند . اناگته نماد که ابی حناب سید احمد افنا وجناب سید حسن افنا کبیره برادر حرم حضرت اعلی ووالده شان بی بی حان بیگم صبیه حناب سید محمد خال اکبر بوده اند در اینجا لازم است به لوح احمد فارسی صادر از قلم اعلی اشارتی کنیم . این لوح خطاب به میرزا احمد کاشانی برادر حاجی میرزا حاجی شهید و حاجی میرزا محمد اسماعیل ذیبح (املقبه اینیس) است . احمد مذکور در آغاز اظهار ایمان میکرد و حتی در هنگام عزیمت حمال قدم به اسلامبول همراه آن حضرت بود ولی سرانجام در امتحانات لغزید و به جرگه ازلیان پیوست .

اما احمد مورد نظر ما همانطور که مذکور آمد چناب ملا احمد یزدی مبلغ است که اینک شرح احوال اور ابه استناد دهها مدرک متفرق در منتن آثار مطیعه وغیر مطبوعه (ازجمله نوشته خود احمد) می نگاریم .

احمد بسال ۱۲۲۵ هجری قمری (تقریباً) دریزد بدنیا آمد . پدر واجداد او از معارف شهر بودند . عمومی احمد عبدالرضا خان وزیر شاهزاده محمد ولی میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار بوده است احمد از آغاز نوجوانی در عوالیم روحانی سیر می نمود و برای درک ظهور موعود به تحمل هر مشقتی تن می داد . سرانجام به کسوت دریویشی در آمد و از یزد خارج شد (۳۱) . به هر کوی و گذر سر زد اما نشانی از محبوب روحانی نیافت به سرزمین های دیگر رفت راهی اقلیم هند شد تحمل ریاضات شاقه نمود ، کوه و بادیه پیمود و سر احتمام خسته و سرگردان و محزون و پریشان به ایران برگشت و در شهر کاشان

توطن گرفت . تقدیر ربانی آن بود که عرف قمیص یوسف آسمانی را در آن شهر بیابد و بزیارت آن ماه کنعانی شفیاب شود . احمد به اشارت مسافری غریب از کاشان به مشهد شافت و وسیله ملاعید الخالق بزدی بحضور ملاصدق مقدس خراسانی رسید و با تما می وجود به عرفان امر نقطه بیان فایز گردید . چون شعله آتش به کاشان برگشت و بهمراهی حاجی میرزا حانی شهید کاشانی مصمم بر خدمت امراضی شد . در احیانی که طلعت اعلی درخانه میرزا حانی مذکور اقامت چندروزه داشتند بحضور مبارک رسید واژ آن پس دیگر سرازپای نشاخت تا آنکه در کاشان ضواء پدید شد و مورد چفای دشمنان قرار گرفت ناچار عازم بغداد گردید . ورود او به بغداد به تقریب درسال ۱۲۷۴ هجری قمری بوده ، همان سال که کلمات مبارکه مکنونه ازلسان حمال ایمی صادر شده است احمد شش سال در بغداد بشرف لقاء فائز بوده و در بیرونی بیت مبارک حضرت بهاء الله اقامت داشته است پس از خروج حمال قدم از بغداد و عزیمت به اسلامبول احمد به امر مبارک به اقامت خویش در بغداد ادامه داد . پس از دو سال عازم تشرف به حضور جمال ایمی شد و چون به اسلامبول رسید لوح مبارک معروف به احمد عربی در ادرنه بسال ۱۲۸۲ هجری قمری خطاب به اوانازل گشت که ضمن آن اورا رسما " به تبلیغ ظهور چدید ما مورفرمود " لذا در امثال امر مبارک راهی ایران شد و در بیسیاری از مراکز مهمه از جمله آذربایجان ، طهران و خراسان به ترویج امر حضرت من یظیره الله پرداخت و نیز مدتها در نقاط مختلف ایران و از جمله شیراز ، نیزیز ، سروستان (در شهر اخیر ۲۵ سال) ، قریه منج ، شهرکاشان ، قم و طهران ساکن و قائم به خدمت بود . در بیسیاری از زدهات فارس حتی مردم روستائی غیر بهائی نیز اورا بعنوان فرشته آسمانی می‌ستودند . احمد در اواخر حیات در طهران مقیم شد و سفری نیز به قزوین کرد و سرانجام در صد سالگی درسته ۱۳۲۰ هجری قمری در طهران به ملکوت چاودان شتافت علیه بهاء الله و رضوانه . احمد دوفرزند داشت یکی پسر بانام میرزا محمد و دیگری دختر بنام خانم گوهر . هنگامی که خانه احمد در کاشان مصادره و تاراج شد میرزا محمد و همسر و فرزندانش راهی طهران شدند ولی در راه بعلی که برما معلوم نشد همه در گذشتند چنانچه چمال فرزند پنج ساله میرزا محمد . قاطرچیانی که به طهران می‌آمدند اورا بر بالای بارهای خود نهادند و بدان شهر برند چمال مدتها در طهران بود و خاندان حلیل خویش رانی شناخت تا آنکه عمه اش خانم گوهر به طهران آمد و جناب احمد نیز ساکن آن شهر گردید . یکدیگر رایافتند و حمال از آن پس با پدر بزرگ خویش بزیست . از حمال خاندان جمالی برحای ماند که درظل امر مبارک مستریخاند (۴) .

نسخه اصلی لوح مقدس احمد راحب احمدیه نویه خویش حمال سپرد و نیز بنوبه خود بعنوان هدیه‌ای ارزشمندیه ایادی امراضی و امین حقوق الله جناب ولی الله ورقاء اهداء نمود و حناب ورقاء به امر مبارک حضرت ولی امراضی در مراسم افتتاح امالمعابد غرب مشرق الذکار شیکاگو (کنفرانس بین القارات سال ۱۹۵۳ در ویلمت) آنرا به دارالاثار ملی بهائیان ایالات متحده آمریکا اعطاء کرد .

لوح مبارک احمد پس از اظهار امر علنی ۱ Declaration / چمال قدم و پیش از ابلاغ عمومی امراضی (Proclamation) نازل گردیده است و جمال ایمی در آن لوح والواح مشابه نازل در آن زمان مومنین را به اتباع او امر بیان دعوت فرموده اند و اگر چه در آثار قلم اعلی پیوسته توصیف و تجلیل از مقام نقطه اولی مشاهده می‌شود ولی در آثار نازله در آن احیان توصیف بحدی است که محقق را به پژوهش علل اصلی این اصرار در تجلیل و امداد دارد . در لوح احمد نازل است : "انه (نقشه‌اولی) لسلطان الرسلوکتابه لام الكتاب " و نیز نازل است "فاتبعوا حدود الله المالتی فرضت فی الیان " . این مضافین در الواح مادره در اواخر ایام بغداد و اواهل ورودیه ادرنه امولانا تجلی خاص دارند (۵) . در آثار دور بیان اصطلاح ام الكتاب در موارد عدیده و غالبا در مفهم کتاب مرجع بکار رفته است . "ان هذا مراطعی عن دربک بالحق قدکان فی ام الكتاب لدیننا لعلی وعلى الحق الاکبر قدکان عند الرحمن حکیما " وانه الحق من عند الله وعلى الدين الحالی قدکان فی ام الكتاب حول الطور مسطورا " . (قیوم الاسماء)

" ان اصر يا ذکر الله ولا تحزن فان اي مکفی ام الكتاب ... لمسطور " .

(صیفه بین الحرمین)

از جمله مساعی مذبوحانه مخالفان جمال قدم در هدم بنیان امر اعظم در آن احیان اشاعه اخبار ناصواب و سیله ازل و ویارانش بود . آن مدعی بودند که حمال ایمی در تخفیف مقام نقطه اولی مصون و بدینوسیله شهادت و نیات شیطانی خویش را به برخی ازعوام بابیه القاء می‌نمودند . اوراق تاریه که از آن زمان در دست است گویا آنست که ازل و سید محمد اصفهانی دائمآ " تلاش می‌نمودند که با این اکاذیب اذهان مومنان به بیان را مشوش سازند ولی حقیقت آنکه کمتر اثری از جمال ایمی در آن اوقات توان یافت که در تحلیل از مقام حضرت ریا علیه نباشد . در لوح مبارک احمد در آن لحظات حساس تاریخ امراضی جمال قدم نقطه بیان را به "سلطان رسول" و کتابش را به "ام الكتاب" ملقب فرمودند و احباب را به

اتّباع از اوامر بیان ما مور نمودند بدیهی است که در آن زمان **آکتاب بهائی** اکتاب (قدس) از قلم مبارک نازل نشده و این قسطاًس اعظم هنوز بعرضه وجود افاضه نگردیده بود.

یعنی از ل "اولمن اعرض عن الله" به بهانه ریاست موهومه به جنان مخالفتی قیام کرد که در تاریخ ادیان سی سابقه وظیر است. القاء شبهه نمود، مرتکب سرقت آثار نقطه اولی شد و نسخه اصل جنّة الاسماء را بربرود (۱۶). آن سالها در آثار حمال قدم به سین شاد مسطور در الواج سداد تسمیه یافته است

در آن احیان که مخالفت ازلیان به اوج خویش می‌رسید، عاشقان جمال ابی ازمیان تکبیرات چهارگانه **الله‌ابی** - **الله‌اعظم** - **الله‌اجمل**، والله‌اکبر مقرر در آثار نقطه بیان به ترویج تکبیرالله‌ابی می‌باشد که در تاریخ ادیان ویلان و سیله آغاز عهد ابی رارسما" به جامعه بای اعلام نمودند. از جمله مروجان این تکبیر ملا احمد یزدی شخصیت مورد نظر ماست که بهر دیار قدم نهاد ذکر بھاء، وابھی کرد و به همت! و تنبی چند از مبلغان جانباز دیگر لاجرم تکبیرالله‌ابی معمول جمع اهل بھاء شد.

اما در باب محتوا لوح احمد عربی تا آنها که در توان بندگان است و مارا قادرت بیان است این سفر جلیل در میان الواج صادره در آن ایام وعلى الخصوص الواج مشابه جون لوح حسین عربی (ایا سوره الحسین) بی همال است (۲۷). قادرت تاثیر و عظمت وجدیه این لوح مقدس در حدی است که نفس جمال ابی آنرا کاشف کروب و هموم شمرده‌اند و اگرچه عباد را قادرت مقایسه آیات نیست ولیکن از نفس لوح جلیل، توان دریافت که این اثر آسمانی راجلوه‌ای برتر و جذابیتی دیگر است. در این مقام به توضیح چند نکته در باب لوح مبارک احمد (با استعداد از دیگر نصوص الهیه) می‌پردازیم:

الف- در این لوح عظیم جمال قدم نفس خویش را به ورقه تشییه نموده‌اند. ورقه به فتح واوسکون راء در محل ورقه ویا در معنای آن بکار رفته است (۸). اگر چه کاه در متون کتب مقدسه وحی‌الهی به پرندہ ویا کبوتر شبیه شده است (۹) ولی بداعت کلام جمال ابی در اطلاق آن بر نفس مظہر مسلم است. هیکل ظهور صمدانی (وگاه وحی‌الهی) در آثار آن حضرت به حمامه‌الامر یا حمامه قدسی واژلی، عندلیب، عندلیب‌الستاء، طیر‌الهی، طیر‌البقاء، دیک‌القدم دیک‌البقاء، دیک‌العرش، بلبل‌الفردوس، طاووس‌الاحديه، طاووس‌البقاء، طاووس‌القدس، ورقه، معانی و با مطلق ورقه و ورقه تسمیه شده و بر افنا سدره بقاء به الحان قدس ملیح نفعه خوان گردیده است (۱۰). اینک بجاستیه فقراتی از آن جمال قدم حاجله که حاوی لفظ ورقه و الفاظ مشابه است استناد شود.

"هذه ورقة الفردوس .." لوح احمد

"كذلك يذكركم الورقاء .." لوح احمد

"إذا طارت الورقاء عن يك الثناء .." كتاب اقدس

"يا ايتها الورقاء اسمعى نداء الابهی" لوح رئيس

"ان يا قلب العالم هلک من اذن تسمع ما يفرد به ورقه الاحزان.." لوح جمال قدم متدرج در

درس ۲۹۳ جزء پنجم اسرار آثار رخصوصی جناب

فاضل مارندرانی

" ويسمعن ما تفرد به الورقاء على افنا سدرة المنتهي" لوح پاپ

" غنت الورقاء على الافنان بفنون الالحان" لوح کریم متدرج در ص ۴۱۲ کتاب میین

" تالله يا ملك لوتسمع نغمات الورقاء التي تغن على الافنان بفنون الالحان ..." لوح سلطان ایران  
کذلك تفرد الورقاء على الافنان " كتاب اقدس

"الحمد لله الذي نطقورقا،البيان على افنا دوحة التبيان بفنون الالحان" تفسیر سوره الشمس

"هذه روضة الفردوس ارتفعت فيها نغمة الله ... وفيها تفرد عندليب البقاء على افنا سدرة المنتهي..." لوح ناقوس

" يا عندليب النساء غن على الاغصان في هذا الرضوان" لوح ناقوس

" نغمات عندليب بقاء را ازسمع محو منمائید" لوح سلمان

" كذلك غردت حمامه الفردوس على غصن البقاء" لوح رضا ( میرزا محمد رضاند اف جدّ مادری نگارنده )

" ما تفرد به حمامه البقاء على افنا سدرة الالهی" لوح پاپ

" رنت حمامه الامر ..." لوح ایوب

" يا بلبل الفردوس رن على الافنان في هذا الزمن البديع " لوح ناقوس

"يُغَنِّ في طير البقاء ويظهر طاوس القدس" لوح ایوب  
 "قل ان طير البقاء قد طارت عن افق العماء" لوح ایوب  
 "قل قد طارت طير العز..." لوح ایوب  
 "يا طير البقاء طر فى المهاه..." لوح ناقوس  
 "ومع ما تراه كيف يقدرا ان يطير الطير الالهي في هوا المعانى بعد ما انكسرت قوادمه با حجار الظنوں  
 والبغضاء" لوح حكمت  
 "يا طاوس الاحدى تتحقق في اجمة الالاهوت بما ظهرت نغمة الله عن كل طرف قريب" لوح ناقوس  
 "يا ديك الصمديه تدلع في اجمة الجبروت" لوح ناقوس  
 "و غنت ديك البقاء ..." لوح ایوب  
<sup>٤٥ص</sup> " كذلك دلع ديك البقاء على افنان سدرة المنتهى" لوح عيد مولود جمال قدم (ایام تسعه تشرسون)

"قد انتشرت اجنبة الطاوس في الفردوس" لوح كريم ص ٤١٢ كتاب مبين  
 "قل يا قوم تالله قد غنت الورقاء على الافنان ودلع ديك العرش بالحكمه والبيان وانتشرت اجنبة الطاوس في الرضوان" تفسیر سوره

"سلطان سلاطين عشق در دست رعایای ظلم مظلوم وحاماهم قدسی در دست چهدان گرفتار" کلمات مکتو

در آثار جمال ابھی برخی از احباء با نام طیور تسمیه شده‌اند چنانکه حضرت شهد میرزا علی محمد شاعر و مبلغه بزدی به ورقاء ، میرزا علی اشرف شاعر لاهیجانی به عنده‌لیب ، یار محمد نبیل زرندی شاعر و مورخ درسورة الدمشقیه هدهد السباء (۱۱) ، طاوس دختر آقا رسول بهنمیری به طاوس الاحدیه وام عطایه هدهد ملقب گردیده‌اند (۱۲۱) . و نیز قلم اعلیٰ گاه احباب را به احتماع به طیر ویا اطیار تشیه و مخاطب کرده‌اند چنانکه در لوح خطاب به حاج محمد اسماعیل ذبیح است : "توئی آن طیری که از ظلم طالمین بی محل مانده ووکر اخذ ننموده ..." ویا در لوح رئیس است : "یا اطیار البقاء منعمت عن الاوکار"

ب - پس از ذکر این نکات باید آور شد که لفظ "تفن" صادر از قلم ابھی در آغاز لوح احمد بهمن نحو ویا بصیغه ماضی در الواح متعدد دیگر نیز نازل گردیده چنانکه در کتاب اقدس است "اسمعوا ما تفن به الورقاء" و یا در تفسیر سوره والشمس است "قل يا قوم قد غنت الورقاء على الافنان" . از این لفظ افاده معنای آوازه خواصی یا خوانندگی شده است (۱۳) .

پ - سدره نام درختی است که گاه ارتفاعی شده به چهل متر می‌رسد و در الواح جمال ابھی و حضرت عبدالبهاء غالباً "معنای نفس مظہر ظہور است و گاه همراه با الفاظ دیگر در همین معنی بکار رفته است و بکرات بصورت سدرة المنتهى، سدرة الالهی ، سدرة المقدسه ، سدرة الالهیه و سدرة البقاء در مطاوی الواح مقدسه مندرج است (۱۴) . در این مقام نیز به نقل فقراتی از آن بیانات مبارکه اکتفا می‌رود .

"اسمعوا ما تتلوا السدرة عليکم" کتاب اقدس

"قد انشعب من سدرة المنتهى هذا الهیكل المقدس الابھی" لوح جمال قدم مصدر به عبارت ایی  
 "امر الله على ظلل من البيان"

"في هذا الحين ارتفع النداء من سدرة المنتهى في قطب الفردوس الاعلى" لوح ابن الذیب

"اسمع النداء من شطر الكربلائے من السدرة المرتفعة على ارض الزعفران" لوح حکمت

"لوتری السدرة بین الانصار لتری آشار سیوفک فی افنانها واغصانها واوراقها" لوح برهان

"يسمعن ماتفرد به الورقاء على افنان سدرة المنتهى" لوح پاپ

"ان استمعوا ماتفرد به حمامۃ البیقائیه على افنان سدرة الالهیه" لوح پاپ

"اسمعی نداء ربک مالک البریه من السدرة الالهیه" لوح ملکه

"اول غصن مبارک خضل نضر ریان من السدرة المقدسه الرحمانيه" الواح وصایای حضرت عبدالبهاء

"وافنان سدرة الحق" الواح وصایای حضرت عبدالبهاء

همچنین کلمات شجره ودوخه در مقام سدره بکار رفته‌اند . چنانکه مثلاً در لوح ناپلئون سوم است : "يا ملکا اسمع النداء من هذه النار المشتعله في هذه الشجرة الخضراء" . ویا در لوح استنطاق است "قدرت لك من شحر الابھی فواكه الاصفی" . بیان معروف الواح وصایای حضرت عبدالبهاء او راحنالرمسه الا طهر المقدسه الفدا

در باب انتساب حضرت ولی امرالله به دو مظہر مقدس الہی " من الشجرتین المبارکتین" در این مقام کفایت میکند (۱۶۱) . و در باب کار برد کلمه "دوچه" به نقل بیان مبارک ذیل اکتفا میکنیم :

" الحمد لله الذى انطق ورقاء البيان على افنان دوحة التبيان بفنون اللحان " تفسیر سورہ والشمس

و نیز در آثار ابھی عبارت " اصل قدیم " در مقام سدره، شحره و دوچه دیده میشود. چنانکه در کتاب اقدس ذکر غصن اعظم حضرت عبدالبھاء (ع) بعنوان فرع منشعب از اصل قدیم است .

ت - در عبارت " بالحان قدس مليح " ، کلمه مليح وصف قدس است .

ث - افعال " تُبَشِّرُ " ، " تُخْرُ " ، و ... ( راجع به فاعل خود کلمه ورقه ) بتصریح حضرت ولی امرالله از جمله در لوح جانب اسفندیار بختیاری مقیم کراچی پاکستان باید بهمین صورت بصیغه تائیت خوانده شود .

ج - افعال " يُفَصِّلُ وَيُفَرِّقُ " راجع به فاعل، مذکور ( منظراًکبر ) است و بهمین صورت باید قراءت گردد .

ج - ضمیر مفرد مذکور غائب "ه" در عبارت " انتلشجر الروح " راجع است به فاعل مذکور " منظر اکبر " و بهمین صورت مذکور باید خوانده شود (۱۷۱)

ح - عبارت " انا کل با مرہ لمن العاملین " راجع به حضرت نقطه اولی و عبارت " فاتبعوا حدود الله الاتی فرضت فیالبيان " عطف به توضیحاتی که در بیش داده شد تحلیل از مقام و آثار آن حضرت است و بدیهی است که اساس شریعت بیان در عهد جمال قدم تائید گردیده است ولی پس از نزول کتاب اقدس والواح متم آن ، احکام و حدود نازله جدیده ناسخ همه ضوابط ناموافق با مدلول آن اسفار کریمه است .

خ - در عبارات " كذلك یذکر کمال الورقاء فی هذا السجن وما عليه الالبلغالمبین " ضمیر مذکور "ه" اگرچه ظاهراً راجع به ورقه، لفظ موت است ولی در واقع امر به حقیقت آن که نفس مظہر مقدس است راجع است (۱۸۱) .

د - عبارت " قل يا قوم ان تکفروا بهذه الآيات فبایحجه منتم بالله من قبل هاتوابهایا ملاه الكاذبين " و مشابه آن در آثار جمال قدم بوفرت زیارت می شود ولی در آن احیان بطور اخص اشارت است به تمایز میان آثار آن حضرت و معمولات یحیی ازل . از میان آیات مشابه تنها به فقراتی از لوح مبارک حسین عربی استناد میکنیم :

" قل يا قوم ان لن تموتوا بهذه الآيات فبای برهان آمنت بالله من قبل فاتوا به ولا تكونون من الصابرين " .

ذ - مراد از سجن بعید ادرنه است چنانکه در لوح قناع است : " الى ان سجن فی هذا السجن البعید " . در برخی از آثار جمال ابھی به سجن ادرنه اطلاق سجن کبری شده است (۱۹۱) . در آثار مبارکه ادرنه به ارض سر نیز تسمیه گردیده است .

ر - اما در باب عبارت لوح احمد " و کن کشعلة النار لاعدائی وکوثرالبقاء لاحبائی " که مستمسک برخی از مخالفان امر شده باید گفت که اولاً برای درک صحیح آثار مبارکه نگرش کلی به آن ورجمع به دیگر تصویص ضروری است . محتوی و مدلول آثار جمال قدم همه اش صلح وسلام و محبت و عنایت به کافه ائم است و حتی در آثار صادره پیش از نزول لوح مبارک احمد و از جمله در لوح شکر شکن می فرمایند : " دست قاتل را ساید بوسید ورقن کنان آهنگ کوی دوست نمود " با وجود تصویص مربیح موجود که بعلت بداهت کامل نیازی به استناد ورجمع به آنها نیست مفهوم عبارات فوق روش است . مراد از "نار" در این مقام نار محیط‌الهی است و نه آتش ظاهری و بدین نار است که اهل بیاء حتی قلوب اعدای امر جمال، ابھی را حرارت و اشتغال می‌بخشد . در تائید آنچه مذکور افتاد استناد به بیان مبارکه حضرت بهاء الله در لوح ام عطار کفایت می‌کند که خطاب به او در باب کیفیت تقابل با منکران امر می‌فرمایند : " کوپی نار الله لتجد منک حرارة حب رب العزیز الکریم . (۲۰۱) \* ..... و جهی دیگر می‌توان گفت که استقامت و شیوه راسخین بر امر جمال قدم آتش خشم معرضین مغرضین را شعله ور می‌سازد و اشد عذاب است از برای آن وکوثر بقاء است حبهت یاران . عشاق حمال ابھی با سیف‌لسان به فتح جهان پردازنده و مامور به خشونت و شقاوت نیستند (۲۱۱) . ثانیاً برفرض محال ا که فی الحقیقت تصور آن نتوان نمود ) چنانچه از بیان مبارک فوق ادنی رائحة اعمال خشونت به معاندان و منکران امر استشمام شود آن بیان البته به نزول کتاب مستطاب اقدس منسوج است . در این باب لازم است به بیان حضرت عبدالبھاء جل ثنایه در لوح مبارک خطاب به حناب فاضل مازندرانی (۲۲۱) مراجعه شود : " کتاب اقدس که مهیمن بر جمیع کتب و صحف و زیر است و کل آنچه در آن مذکور ناسخ حمیع صحائف و کتب حتی ناسخ جمیع اواخر غیر مطابق و احکام غیر متساوی ... " . ز - در تعیین اجر قراءت لوح مبارک احمد در آن اثر الهی نازل است : " فان الله قدقدر لقارئه اجر ما شهید ثم عبادة الثقلین " .

در اینجا توجه به چند نکته ضروری است :

اولاً: نظائر این بیان مبارک در برخی از الواح جمال قدم جل حلاله زیارت شده است چنانکه مثلاً در آغاز لوح حق است : " هذا لوح الحق قد نزل من جبروت الامر ومن يقرره ويتفکر فيه يبعثه الله في قطب الرضوان بطراز الذي يستشرف منه انوار الرحمن ويستنقع منها اهل ملة العالمين " .

\* این مفهوم در لوح مبارک احمد فارسی خطاب به میرزا احمد کشاوی ، نیز نازل شده است .

در اینجا برای قاری لوح حق اجری قائل اند که برتران آن تصور نتوان نمود .  
ثانیاً : اعطاء اجر جزيل بر برخی از اعمال و افعال در ادوار پیشین سابقه و نظیر دارد . در اینجا برای رعایت اختصار تنها به چند مورد از قران کریم اشاره می شود :

"انما يو في الصابرون أجرهم بغير حساب ۱۰۵(سوره زمر)  
که در این آیه اجر مباران از حیث شمارش بی حساب ذکر شده است .  
من جاء بالحسنه فله عشر امثالها ۱۰۶(سوره انعام)  
در بیان فوق اجر کار خیر ده برابر آن تلقی گردیده است .

در آیه ۲۲ سوره مائدۀ احیاء یک نفس جون احیاء همه ناس تصریح شده است (۲۳۱)  
ثالثاً : باید توجه داشت که در بیان مبارک جمال قدم در لوح احمد برای قاری اجر صد شهید و عبادت دوچنان منظُر گردیده و نه مقام آن .  
رابعاً : این جمله که حامل است بصرف فضل و عنایت حق است و نه استحقاق عباد چنانکه در نص لوح مبارک بی درنگ پس از بیان اجر صد شهید و عبادت دوچنان مصرح است : "كذا لك مننا علىك بفضل من عندنا ورحمة من لدناللّٰهـ ونـ من الشاكرين" (۲۴۱)  
خامساً : شرط اصلی وصول به آن اجر چزیل حصول صدق مبین است که بحق احراز آن بسی دشوار است و که را بیارای آن است که مدعی صدق مبین شود و بدیهی است که بیاران رحمانی هریک به درجه ای از آن مقام فائزاند و به تناسب این صداقت از اجر مذکور برخوردار . در آیات اولیه لوح مبارک احمد اشارت به محبین ، منقطین ، موحدین و مخلصین شده است . مقام صدق مبین مقام خلوص مغض است که اعظم مقام است و با این خلوص است که قاری لوح احمد ماحوربه اجر عظیم است .  
سادساً : توجه به مقامات شهادت و شهداء ضروری است . چه بسی نفوosi که بحسب ظاهر شهید نشده اند ولیکن از شهداء محسوبند . (در این مقام روحیه و مفقره از بیانات حمال ابھی و حضرت عبدالبّهای بحاست :  
حمل قدم میفرمایند : "هر نفیس از ماعنده بگذرد و بما عن دالله ناطر باشد یعنی ملعوب‌ظنون واوهام خود واقع نشود و به اراده حضرت یافعل ما یشاء و بحکم مایرید متمسک او از شهداء محسوب ولو بمشی و یا کل . " (۲۵۱)  
حضرت عبدالبّهای میفرمایند : "... مقام فدا بسیار مقبول و مطلوب ولی الیوم باید چنان بود که در هر ساعتی شهید گشت و در هر دقیقه هزار حان فدا نمود اما شهادت یک دفعه حان باختن و تاتفاقی اوج اعظم تاختن است ولی خوشنور آنکه در این بساط بکمال فرج و انساط هر آن صد جان نثار نمود و بخدمت امر حضرت احادیث قیام کرد و بیمداد هدایت و بست بتاخت و جنود ضلالت و ظلمت را به انوار مشرق ادبیت متشتت کرد و صفوی سپاه غفلت را در هم شکست . " (۲۶۱)  
سایعاً : در بیانات حمال ابھی ، حضرت اعلی و حضرت عبدالبّهای گاه در بطن ذکر اعداد ، عظمت و جلال مقام و بآ عبادت و بآ شدت نفس عمل مستور و منظور است . در این باب نیز روح و استناد به بیانات مبارکه ضروری است :  
"فن حبس من مال مومن ذرة من القطبير قد احبسه الله على الصراط الف سنته على الحق بالحق" از حضرت اعلی در قیوم الا سوره ۱۵۶ صفحه ۵۵۴ نسخه خطی موجود نزد نگارنده .  
"این نفوس قبل از فوز بعنتیت بدیع جدید الهی حان خود را بصد هزار حیله و تدبیر از موارد هلاکت حفظ می نمودند ۰۰۰ و بعد از شرف بفوز اکبر و عنایت عظمی صد هزار حان رایگان انفاق می فرمودند . " کتاب ایقان  
؟ "... از مدد هزار حان درگذرند و بکوی جانان شتابند . " کلمات مکنونه  
" دریغ که صد هزار لسان معنوی در لسانی ناطق و صد هزار معانی غیبی در لحنی ظاهر ..." کلمات مکنونه  
" اگر فی الحمله بصر بگشائی صد هزار حزن را از این سرور خوشنور دانی " کلمات مکنونه  
" انت عاشرت معی و رایت شموس سماء حکمتی و امواج بحر بیانی اذکنا خلف سبعین الف ححاب من النور" لوح حکمت  
" اگر نفیس ببصرا طهرناظر شود صد هزار حان بمنت اتفاق نماید . " لوح حمال مبارک (ماهده آسمانی حلد ۱۲۴)  
" از هرقطره خونی که در آن ارض بغير حق چکید خلق لایحصی از اراض رفتہ و می رود ..."  
حق را نوم اخذ نکرده و نمی کند بیدار و آگاه است والبته ظالمین بثمرات اعمال خود معذب خواهند شد .  
از حضرت بهاء الله (اسرار الاثار خصوصی حلد ۴۳) (۲۲۱)  
" ولی خوشنور آنکه در این بساط بکمال فرج و انساط هر آن صد جان نثار نمود . " (۲۷۱)  
از حضرت عبدالبّهای (منبع مذکور در پانویس شماره ۲۶)  
از آنچه مذکور افتاد ( به استناد بیانات الهیه ) می توان مستفاد داشت که قرائت لوح مبارک احمد ( و درنتیجه تفکر درباره محتوای آن و ایقان به مظهریت تامه جمال قدم ) با صدق مبین ، بصرف فضل و عنایت الهی ما چور به اجر عظیم

ورافع حزن وکاشف کروب یاران است . اینست که در احیان مخصوصه اهل بهاء یا توسل به اشر جلیل رحاء رفع غموم و دفع شر ظلوم نمایند . یقین است که آه اهل صدق مبین و مظلومین فرازی هستی را بزرگاند و شر برکالبد عالم امکان زند . " از سرشکنی دیده یتیمان ستمدیدگان حذر لازم زیرا سیل خیز است واز دود آه مظلومان پرهیز باید زیرا شر انجیز است " (۲۸)

(۱) حناب فاضل مازندرانی

(۲) لوح عربی دیگری از حمال قدم باتام لوح احمد در کتاب مبین درج است (صفحه ۲۹۲) .

(۳) بطوري که جناب حاج محمد طاهرالمیری در ضمن یادداشت های خود تصریح کرده اند احمد در بیست سالگی از بزرگ شارج گردید .

(۴) نگارنده فرزند بهائی جمال را باتام خانوادگی حمالی در یکی از جلسات تبلیغی هفتگی خود در منزل مرحوم سرتیپ هدایت الله خان (ادرطهران) غالباً زیارت می کرد و اینکه از اخباری ندارد . از این شخص محترم اطلاعات جالی در باب احمد بدست ورد بطوري که نامبرده اظهار می داشت دختر احمد، خاتم گوهر، سقا باشی در بار ناصر الدین شاه ازدواج کرده است .

(۵) چنانکه در سوره القمیص است : " فاتیغوا امرالله وسته بما نزل فی البیان . "

(۶) چنه الاسماء توقيع نقطه اولی خطاب و تقدیم به حمال ایهی و حاوی اشتفاقات عدیده از کلمه بهاء است .

(۷) این لوح با لوح عربی خطاب به حسین مندرج در صفحه ۳۳ کتاب مبین نباید اشتباه شود . سوره الحسین در این سیاء م ادرنه از قلم حمال ایهی خطاب به شخصی بنام مهدی نازل شده و اصولاً توضیحی است بر سرخی از آبات کتاب عظیم قیوم الـ و پاسخ اعتراضات از لیه . مراد از حسین در این لوح مبارک شخص حمال قدم است .

(۸) اگر چه ورقه بافتح راء نبیز در کتب لغت عرب (واز جمله المنجد ) بمعنای "الحی من کل حیوان" بکار رفته است و در عمل آن هم معنای کبوتر می دهد ، ولی بنفس بیان حضرت ولی امرالله از چمله در توقيع مبارک خطاب به حناب فاضل بزدی ورقه به فتح واوسکون راء است .

(۹) از جمله در انحیل این تشییه بچشم می خورد . رجوع کنید به انحیل متى باب ۳ آیه ۱۶- انحیل مرقس باب یک آیه ۱۵- انحیل لوقا باب ۲۲ آیه ۲۲ و انحیل یوحنا باب یک آیه ۳۲ .

(۱۰) در آثار نقطه بیان نبیز لفظ طیر به وحی الهی و بیندرت به حامل آن اطلاق شده است . از جمله در سوره ۸۶ کتاب قیوم الاسماء می فرمایند : " يا ملأ الانوار من اهل سکر خمر الحمراء اسمعوا ندائی من هذه الطير المتحرک فی جوالهوا و نبیز در سوره ۹۲ آن سفر جلیل مصرح است : " يا اهل الرضوان اسمعوا ندائی من هذا الطير ... " (صفحات ۴۴۱ و ۴۲۵) .

(۱۱) در آثار مبارک جمال قدم گاه عبارت مفرد بر افتاب ب نحو اطلاق و تجرد و با محو کلمه عنديلیب یا ورقاء نازل شده چنانکه در آغاز خطاب ایهی به حرم نقطه اولی است : " هو المفرد على الافتان " و نبیز در آغاز لوح رویا است : " بسم الله المفرد على الافتان "

(۱۲) در سوره الدم که در ادرنه به افتخار یار محمد نبیل زرنده نازل شده است جمال قدم حل حلاته خطاب به او می فرمایند : وانک انتیا هدده النساء اذہب بكتابی الى مداعن الله وان یسئلک الطیور عن طیر القدس لانی ترکتها حين التي كانت تحت مخالب الانکار ومن سرا اللئار ."

(۱۳) در خطاب حضرت عبداللها به شیخ الرئیس ابوالحسن میرزا علیه بهاء الله (خطیب، فیلسوف و شاعر) نامبرده ، ورقاء و نبیز عنديلیب خوانده شده است .

(۱۴) در معاجم و کتب لغت عرب این لفظ معنای در بینی حرف زدن و یا ازته بینی خوانندگی کردن است .

(۱۵) در آثار جمال قدم لفظ سدرة الانسان نبیز بکرات زیارت شده و در این مقام مراد صرف " هیکل انسانی است . عبارت سدره عشق " نبیز در آثار آن حضرت بسیار دیده می شود چنانکه در کتاب ایقان است : " باری نه چنان سدره عشق در سینای حب مشتعل شده که به آبهای بیان افسرده گردد و با اتمام پذیرد . همچنین عبارت " سدره عدل " در لوح شیخ وازلسان او در مقام اقرار ورجاء و دعاء بدرگاه حق است : " اشهد بظلمی سقطت اثمار سدرة عدلک "

(۱۶) دو حجه معنای درخت بزرگ و پر شاخ و پرگ است .

(۱۷) در آثار مبارکه حضرت اعلی ، جمال ایهی و نبیز حضرت عبداللها عبارت شجره اثبات ، شجره نفی ، شجره ظهور شجره کفر ، شجره طوبی ، شجره انسیا و شجره عهد و میثاق بکرات دیده می شوند که توضیح هر یک از عبارات مذکور بسیار به

گفتاری نسبته" دراز دارد و در این نوشته محلی برای درج آن توضیحات نیست .

(۱۷) بنظر حناب فاضل مازندرانی علیه رضوان الله : " ضمیر غائب مذکور منصوب قلنه لشحرالروح راجع بفردوس است که مراد از آن شعره بهشتی بعلقه حالت و محلیت میباشد و با راجع بلفظ شجر مضاف بفردوس است که حذف شده و مضافق ایه يعني فردوس بجا بیش قرار گرفت . " اسرارالاثار خصوصی جزء پنجم صفحه ۱۵۴

(۱۸) مشابه این وضع در آیات مقدسه قبل دیده میشود چنانکه در قرآن کریم است و جمال قدم چل حلاله در لوح قناع بدان اشاره میفرمایند . در آیه ۴۵ سوره آل عمران خطاب به مریم مادر حضرت مسیح نازل است : " ان الله يبشرك بكلمه منه اسمه المسيح که کلمه مونث است و ضمیر راجع به آن مذکور آمده است زیرا مراد واقعی از کلمه ، نفس مظہر ظهور يعني حضرت مسیح است .

(۱۹) از جمله میفرمایند : " اسمعوا نداء هذا الحبيب المسحون في هذا السجن الكبير" مرجع : صفحه ۱۲۶ احد ۴ اسرارالاثار خصوصی

(۲۰) ۱م عطار مادر آقا محمد کریم عطار است . آقا محمد کریم از احباب اثبات و راست طهران بود و متزلش محل تجمع و نزول ووفود احباب . ۱م عطار مورد عنايت حمال قدم بود و از قلم اعلى جنانکه در متن این نوشته مذکور افتاد به هدده ملقب گردیده است

(۲۱) جمال قدم در لوح مبارک سحاب میفرمایند : " ان انصروا لله بالسكنى ان اللسان سيف الرحمن ان افتحوا به مدائى القلوب

هذا شان الانسان ان اعرفوا يا اولى الاصار . " صفحه ۱۵۳ کتاب مبین

(۲۲) برای ۲گاهی از شرح حال جناب میزا اسدالله فاضل مازندرانی، مورخ و محقق ارجمند بهائی به جلد چهاردهم عالم بهائی (صفحه ۳۳۴ به بعد)، مقدمه کتاب امروخلق (تألیف آن جناب) و نیز نوشته نگارنده مندرج در سالنامه جوانان بهائی ایران سال ۱۱۶-۱۱۷ مابدیع (صفحه ۲۵۱ به بعد) مراجعه شود .

(۲۳) در آثار شیعه در این باب روایات بسیاری موجود است که به برخی از آنها استناد میکنیم :

" ضربة على يوم الخندق افضل من عبادة القلين "

که ضرب دست امیر مومنین افضل از عبادت دوچهان تلقی گردیده است .

" من قال لا لله الا لله وحيثما الجناته "

که ورود به بهشت را برای قائل عبارت لا لله الا لله تضمین میکند .

" من زار قبر امير المؤمنين عارفا " بحقه غير متکبر ولا مُتجتر كتبالله اجر ما الف شهید وغفرالله ما تقدم من ذنبه وما تأخر"

که در این روایت برای زیارت قبر امیر مومنین اجر صد هزار شهید وغفران گناهان گذشته و آینده شخص تصریح شده است برای اطلاع بیشتر در باب این روایات به اسرارالاثار خصوصی فاضل مازندرانی جزء پنجم صفحات ۱۰۵ و ۱۰۶ مراجعت شود

(۲۴) در لوح مبارک حج بیت شیراز نیز برای همه منسوبان زائر بیت مذکور غفران گناهان گذشته و آینده شخص تصریح شده است عبارات " کد لکا هاط فضل ریک کل لموجودات " این اجر ناشی از فعل الهی تصریح شده است .

(۲۵) منبع لوح مبارک جلد هشتم مائدۀ آسمانی صفحات ۴۱ و ۴۰

(۲۶) نقل از مجموعه خطی الواح مبارکه متعلق به ناشر نفحات الله حناب میراحمد صادق زاده

(۲۷) جمال قدم میفرمایند : " در هر شیئی حکم کل شیئی مشاهده میشود اینست که بر واحد حکم کل حاری شده "

اسرارالاثار خصوصی جلد پنجم صفحه ۱۰۶

(۲۸) لوح مبارک حضرت عبدالبهاء ( مائدۀ آسمانی جزء بهم صفحه ۸۱

He is God

O Lord my God' OThou Helper of the feeble, Succourer of the poor and Deliverer of the helpless who turn unto Thee.

With utmost lowness I raise my suppliant hands to Thy Kingdom of beauty and fervently call upon Thee with my inner tongue, saying: O God, my God ' Aid me to adore Thee; strengthen my loins to serve Thee; assist me by Thy grace in my servitude to Thee suffer me to remain steadfast in my obedience to Thee pour forth upon me the liberal effusions of Thy bounty, let the glances of the eye of Thy loving -kindness be directed towards me, and immerse me in the ocean of Thy forgiveness. Grant that I may be confirmed in my allegiance to thy faith, and bestow upon me a fuller measure of certitude and assurance , that I may wholly dispense with the world, may turn my face with entire devotion towards Thy face, be reinforced by the compelling power of proofs and testimonies, and, and , invested with majesty and power, may pass beyond every region of heaven and earth. Verily Thou art the Merciful, the All-Glorious, the Kind, the Compassionate.

O Lord' These are the survivors of the martyrs, that company of blessed souls. They have sustained every tribulation and displayed patience in the face of grievous injustice. They have forsaken all comfort and prosperity, have willingly submitted to dire suffering and adversity in the path of thy love , and are still held captive in the clutches of their enemies who continually torment them with sore torment, and oppress them because they walk steadfastly in Thy straigght path. There is no one to help them, no one to befriend them Apart from the ignoble and the wicked, there is no one to associate and consort with them.

O Lord' These souls have tasted bitter agony in this earkly life and have, as a sign of their love for the shining beauty of Thy countenance and in their eagerness to attain Thy celestial kingdome. tolerated every gross indignity that the people of tyranny have inflicted upon them.

O Lord' fill their ears with the verses of divine assistance and of a speedy

victory, and deliver them from the oppression of such as wield terrible might. Withhold the hands of the wicked, and leave not these souls to be torn by the claws and teeth of fierce beasts, for they are captivated by their love for Thee , entrusted with the mysteries of Thy holiness, stand humbly at Thy door and have attained to Thine exalted precinct.

O Lord' Graciously reinforce them with a new spirit; illumine their eyes by enabling them to behold Thy wondrous evidences in the gloom of night ' destine for them all good that aboundeth in Thy Kingdom of eternal mysteris; make them as brilliant stars shining over all regions, luxuriant trees laden with fruit and branches moving in the breezes of dawn.

Verily, Thou art the Bountiful, the Mighty, the Omnipotent, the Unconstrained. There is none other God but Thee, the God of love and tender mercy, the All- Glorious, the Ever-Forgiving.

## هـوـالـلـهـ

اللهم يا معين الضعفاء ومغيث الفقراء ومحير المضطرا اذا دعا انى  
ابسط اكفالضراعه والابتھال الى ملکوت الجمال وادعوك بلسان  
الحال واقول رب رب اعنى على عبادتك واشدها زرى على خدمتك و  
ايدنى على عيوديتك وادمنى على طاعتك وافض على سجال رحمتك و  
اشملنى بلحاظ اعين رحمنيتك واغرقنى في بحر مغفرتك وثبتنى  
على الايمان وزدنى في الایقان والاطمینانا حتى ادع الاکوان واخلص  
وجھي لوجهك الكريم مویدا بالحجۃ والبرها ن وانفذ عن اقطار السموا  
والارض بقوه وسلطان انکانت الكريم العظيم الحفی الرحممن  
رب هولا بقیه الشهداء وثله السعداء قد احتملوا كل بلا وصبرا  
على الجفاء وتركوا الراحة والرخاء ورضوا في سبيلك بالباساء  
والضراء ولم يزالوا اسراء بيد الاعداء يذيقونهم العذاب الاليم  
ويعتقدون عليهم بما سلكوا صراطك المستقيم وليس لهم معين وحیم  
ولا قرین وندیم الاکل معتدا شیم رب قدذا قوا الحیات المیریره  
وتحملوا ظلم كل نفس شریره حبا بجمالك المنیر وشوقا الى ملکوت لا تیر  
رب رتل عليهم آيات النصر وفتح قریب ونجهم من ظلم اولی باس  
شديدو کف عنهم يدا السوء ولا تتركهم يتلاعب بهم براثن الذئاب وانیاب  
الكلاب لانهم اسراء حبک وامناه اسرا رقدسك وعجزاء ببابک وتزلاء  
برحابک رب ایدهم بروح جدید و نورا بصارهم بمشاهده الاثار فی اللیل  
البهیم وقدر لهم كل خیر فی ملکرت الا سرا روا جعلهم نحو ما ساطعه الا  
نواروا شجرا مثقله الثما روغصونا " تتمايل بنسائم الاسحار انک  
انت الكريم العظيم المقتدر المختار لا له الا نت الرب الودود الرو ف  
العزيز الغفار .

٤٦

من چات حضرت عبد البهاء ارواحنا داه کربیت العدل عطشم الی یهاده ارکانه بارسل آن  
امر میدادت در پیافت شھر الجمال ۱۴۰۰ بیع بمنظور فعش کل اجتی متحن ایران در سر اسیران بیکی فرموده ام.

# تاریخ زرین شهادت

(از کامران خترخواری)

الف:

## جانب نورله خسته خاوری



وتنها تا کلاس عا بتدائی تحصیل نمود .  
وهنوز یک نوحوان بودکه بخواسته پدرش  
به طهران رفت تادر مغازه ، او کارکنده  
عشق به تحصیل و آموختن ، شبها اورا بمدر  
کشا نید و علاوه بر کار درس ، قسمت بزرگ  
وقت خود را به فراگرفتن الواح امری  
وشرکت در کلاس های امری میگذرانید . زبان  
عربی رانیزآ مoxت .

آقای حاجی امین امین از احبابی مشهور  
ایرانی تعریف میکند که پدرم از همان  
زمان شورو علاقه زیادی به تبلیغ امری  
مبارک داشت و از آنجاییکه در ایران ادیان  
و سخنرانی استاد شده بود ، در جلسات امری  
شور و هیجانی در دلهای پراز عشق احباب  
ایجاد مینمود .

پدرم فقط ۱۸ سال سن داشت که ازدواج نمود  
وهنوز چند صبا ئی نگذشته بودکه بدستور

اکنون دو سال از شهادت پدر عزیزم مرحوم  
نورالله اخترخواری ، دریزدمیگذرد .  
در این دو سال ، از زمانیکه پدرم خود را  
قربانی جمال اقدس ابھی نمود ، لحظه ای  
نبودکه از فکر او بیرون بروم و چه اشکها  
که برای او نریختم . پدرم را در سراسر  
جهان خیلی از احباب میشناسند و از عشق  
بی اندازه او به جمال اقدس ابھی ، خوب  
میدانند . علاوه بر این در این دو سال  
کارم دلداری به ما در غم دیده و از وطن  
رانده شده ام بود . مادرکه ۴۳ سال افتخار  
همسری با پدرم را داشت ، عزیز شهید مارا  
بهتر از هر کس دیگری میشناسد ، اور در بدری  
پدرم شریک بودا و با پدرم سوت و بعد از  
شهادت پدرم رنج بردو شکنجه دید ...

ما درم در این دو سال از پدرم واژنندگی  
او برایم داستانها گفت و من تلاش میکنم  
آنچه را که ما درم گفت بر روی کاغذ  
بیاورم .

جانبازی در راه معاشق سخن ها در دادو  
جانبازی پدرم از آن سخنهای شیرین  
است . اگرچه دوری او ، دل مادرم ، دل  
برادرانم و دل من را هر روز و هر شب میسوزا  
و یادشیرین این پدر عزیز و مهربان لحظه ای  
مارا تنها نمی گذارد ...

پدرم نورالله اخترخواری دریکی از  
دهکده های یزد ، بنام مریم آبا چشم به  
جهان کشود . پدرش تا جریا رچه و مادرش  
دختر مُلّا بهرام (اولین شخص زردشتی  
که در تاریخ بدیانت بهائی ایمان آورد )  
بود .

پدرم در ایام کودکی دریزدمدرسه رفت

مستقیم برای تبلیغ به اطراف اصفهان رفته بودند. در راه اتومبیل آنها ناگهان از جاده خارج میشود و چندبا رمعلق زد، در گودالی متوقف میگردد، ولی هرسه نفر سرنشین بطور معجزه آسائی جان بدر میربرند و هر کس از آنحدود میگذشت انجشت حیرت بدندا ن میگرفت که چگونه کسی در این تصادف جان نداده است. پدرم معتقد بود که جمال مبارک آنها را حفظ کرده است زمانی که انقلاب اسلامی در ایران آغاز شد، در آن روزهای ناآرامی، مسلمانان همسایه، در بخانه قدیمی ماراکه پدرم مادرم در آن زندگی میکردند، شبانه آتش زدند، بطوریکه درب بزرگ چوبی به کلی سوخت. این اولین زنگ خطر بود، ولی پدرم بیدی نبود که از این با دها بلر زد و کسی نبود که سنگر را خالی نماید.

در آغاز حکومت اسلامی در تابستان ۱۹۷۹ پدرم و مادرم برای گردش و دیدنی ابتداء به آلمان و انگلستان وسیس به آمریکا رفتند، من از آغاز این مسافرت در آلمان والدین خود را همراهی کردم. در این مدت عهده که با هم بودیم چه اصرارها که نکردم و چه فشارها که نیاوردم تا بلکه اودرا و روپا بماندواز بازگشت به ایران منصرف گردد، ولی پدرم به این اصرارها توجی ننمود و میگفت: جای من دریزد است حضرت ولی امرالله بمن دستور داده اند که دریزد بمانم و من همیشه دریزد خواهم بود....

وقتی که در جواب گفتم وقتی که اوضاع آرام شد بازگردد، بمن گفت توهیچه فکر احبابی بوده ای که دریزد مانده اند و امیدشان این است که چند نفری دریزد بمانند. مگر خون من نگین تراز خون آنهاست؟ .... من دیگر سکوت کردم، حس کرده بودم که

محفل ملی ایران به شهر نیز گفت تا مقابر شهدای این شهر را سروسا ماندهد. او این کار را با دقیقت و شهامت در آن روزهای پر از ترس و خطر انجام داد و سپس به یزد بازگشت و بلافاصله بدستور حضرت ولی عزیز امرالله به اتفاق مرحوم سلطان نیک آئین برای مهاجرت به شهر کویتیه بلوچستان رفت (در آن زمان کشور پاکستان هنوز بوجود نیا مده بود). وی چندی بعد عضو محفل ملی هندشد و چنان با شور و علاقه به تبلیغ امر مبارک پرداخت که نامش در این کشور پیچید و مدتی بعداً و برای پیشتر ا مربه شهر پونه و سپس دهلی نورفت. در مدت اقامت در هند، پدرم حظیرا ه القدس شهر دهلی نورا خریداری نمود و تلاش فراوان نمود که زمین مشرق الذکار این کشور نیز خریداری بشود.

بعد از ۹ سال اقامت در هند پدرم بدستور حضرت ولی عزیز امرالله به ایران و شهر یزد بازگشت و در این بازگشت همسر و چهار فرزندش اورا همراهی نمودند. پدرم که در مدت اقامتش در هند زبان انگلیسی را بر روانی آموخته بود، برای کذرا ندنا مرار معاش به تدریس این زبان پرداخت و بعد از مدتی اوصاص احباب شغلی در دفتر کارخانه ریسنگری و با فندگی در خشان یزد گردید و در این سالها پدرم، ابتداء عضو محفل روحانی مریم آبادیزد و بعد از آنکه مریم آباد جزء منطقه شهر یزد گردید، به عضویت محفل روحانی یزدان تاختاب شد و در سمت منشی محفل به خدمت امری ادامه داد، پدرم عضولجنات متعدد تبلیغ نیز بوده است و برای پیشرفت امر تبلیغ آن مرتب به دهات اطراف یزد و شهرهای مجاور مسافرت مینمود.

یاد می‌اید که یکبار پدرم به همراهی دو همقطار شهیدیش، مرحوم ذبیحیان و مرحوم

شد، زیرا بعد از چند ساعت با زجئی پاسداران هرسه را آزاد کردند، پدرم در راه به مادرم گفت: من تو توفیق و سعادت آنرا نداشتیم که در راه مولایمان زندانی شویم. توباید بدانی که این امتحانات است و اگر را راه جمال مبارک نباشدیک شاخه از درختی هم خم نمی‌گردد....

مدتی بعد پدرم بشدت بیما رشدونا راحتی قلبی او را آزار میداد. در آن روزهای پاسداران قصدستگیری او را داشتند و اند ولی بعلت بیماری از این کار منصرف شده بودند، اذیت و آزار به احبابی زدروز بروز توسعه وادامه میافتد احبار ادگوش و کنار شهر کتک میزدند، خانه‌های آنا نرا به آتش میکشانیدند و آموال آنها را غارت میکردند. بعد از اینکه پدرم سلامت خود را بازیافت. در ایام نوروز همان سال پدرم با تفاق شهیدان عزیز، آقای فریدانی و آقای ذبیحیان به شهر شیراز رفت و با شهید عزیز مرحوم سرهنگ وحدت ملاقات و در مورد امورا مری مذاکره نمودند. وقتی که پدرم به یزد بازگشت تلگرافهای بسیار آقایان بنی صدر رئیس جمهور وقت، آنها نخست وزیر وقت، آیت‌الله خمینی و آیت‌الله صدوqi رهبر مذهبی یزد فرستاد و خواستار شدکه پاسداران دست از آزار و اذیت احباء یزد برداشند و همه این اقدامها بدون نتیجه ماند. و همین اقدام اوباعث شد که پاسداران بروی دیوار خانه ما نوشته اخترخاوری اعدام باید گردد مرگ بر اخترخاوری و ... و چون زمزمه دستگیری او بگوش می‌رسید مادرم مجددا اصرار نمود از یزد برond و لی پدرم این اصرار را رد کرد و گفت: ما باید اینجا بمانیم ...

یکی از این شبها خوابی دیدکه صبح برای مادرم تعریف نمود، پدرم در خواب دیده بودکه دستگیر و بعد از مدتی اعدام شده

قلب او پراز مهر به جمال اقدس ابهی و به بندگان اوست و هیچ‌کس نمی‌تواند او را از بازگشت به ایران بازدارد .... آتش در راه آخر ماه سپتامبر ۱۹۷۹ وقتی که پدرم را در فرودگاه فرانکفورت بدرقه کرد، نمیدانست که این آخرین باری خواهد بود که پدرم را دیده‌ام ... و بعد از بازگشت به ایران، پدرم کار خود را در کارخانه درخشان از سرگرفت و قرار بود که ۹ ماه بعد در سن ۶۰ عسالگی با زنشته شود فشار مسلمانان یزد در برکناری او از کار بعلت بهائی بودن روز بروز شدت گرفت. رئیس کارخانه ابتدا مقاومت نمود ولی بعد از مدتی محصور شد از پدرم بخواهد که درخانه بماند و دیگر بسرکار نزد پدرم درخانه مکاتبات کارخانه را انجام میداد همکاران مسلمان او می‌گفتند: حیف که این مرد بهائی است و گرنده در درستکاری دوستی و علم و دانش در شهر نمونه می‌باشد. در همان او ایل انقلاب اسلامی، روزی پدرم با تفاق مادرم ویکی دیگر از احبابی یزد بنام آقای مهرگانی برای انجام کارهای امری به تفت در نزدیکی یزد رفتند در بازگشت متوجه شدن دکه اتومبیل آنها را تعقیب مینماید. پدرم مجبور شد اتومبیل خود را متوقف نماید و دیدکه دو پاسدار هستند و ازا و میخواهند که بسیار کمیته بروند و اتومبیل مقداری اخبار امری بود که مادرم بلا فاصله آنها را در زیر صندلی اتومبیل مخفی نمود ولی پاسداران جزو از رایا فتنه و ضبط نمودند. پاسداران هرسه را ابتدا به کمیته تفت و سپس به کمیته یزد برندند، ما در مراثنها در یک اتاق تاریک و پدرم و جناب مهرگانی را در اتاق دیگری زندانی نمودند. مادرم لوح مبارک احمد را خواند و از جمال مبارک کمک طلبید و شاید این دعا بود که باعث آزادی آنها

روز سیاه، مادرم با تفاق دیگر اعضاء  
خانواده‌های شهداء به زندان رفتندیکی  
از سران پاسداران بادیدن مادرم اورا  
بادنا سزاگرفت و گفت: حق نداری زیاد  
حرف بزنی . در آن لحظات وداع ، وداع  
با ۴۳ سال زندگی زناشوئی ، مادرم هنوز  
نمیدانست که شبانه پدرم تیرباران  
خواهد شد، ولی پدرم این را میدانست و لی  
اجازه نداشت ویا نمیخواست آن حقیقت  
تلخ را به آنها بگوید.

پدرم بفرزندان خودنوشت از فرزندان  
عزیزم میخواهم که همیشه در جلال و بزرگی  
امربارک کوشای باشید و از مادرتان نگه  
داری نمایید....

نیمه شب که شهریزد درخواب فرورفت بود  
و آسمان پراز استاره آن میدرخشید  
اتوبوس کوچکی محل زندان را ترک کرد  
که در آن علاوه بر پدرم و عشهیدیگر  
پاسداران نشسته بودند، آنها میرفتند  
که حان فدای محبوب کنند. اتوبوس  
شهر را ترک کرد و در مسیر تفت برآه افتاد  
و در مقابل دریا غ سمندرخان " متوقف  
شد ، آنچه که از آن دقیقه اتفاق افتاد  
یکی از پاسداران برای دوست خود که یک  
مسلمان است تعریف نموده است و در هنگام  
شهادت ، شهیدان شادoba شور بوده اند ،  
هیچ کدام اثری از ترس در چهره شان  
مشاهده نمیشد و نه تنها التما به زنده  
ماندن نکردند، بلکه از پاسداران میخواست  
که اول آنها را شهید نمایند. وقتی که  
پدرم را برای شهادت برندوبه تیر  
بستند و تکه نباتی بیرون آورد و بدھا ن  
آن پاسداری که قرار بود به او تیرشلیک  
کند، گذا ردو گفت پسرم دهن تیرین ...  
در آن ساعت که ۷ نسان پاک و مومن جان  
فدای محبوب کرند، هیچ کس در شهر نمیدانست

است و ۳ تیر در سینه و یک تیر هم در گوش او  
شکلیک شده است . ۹۰۰۰ روز بعد از این خواب  
بود که نیمه شب زنگ خانه بصداد رآمد ،  
پدرم با شنیدن صدای زنگ به مادرم گفت  
آنها آمده اند مرآ با خود ببرند، من شهید  
خواهم شد و دیدی که خوابم درست تعبیر  
میشود ....

آن نیمه شب ۳۵ پاسدا ر بس ردستگی مردی  
بنام ۰۰۰ بدرون خانه ما ریختند و  
گفتند آقای اخترخا و ری آماده شوید برویم .  
هر چه مادرم اصرار کرد که اقلاب گذا رند او  
نیمه شب بخواب دو صبح اورا ببرند آنها  
به التما نیز توجه ننمودند . پدرم لباس  
پوشید و در این فاصله پاسداران تمام  
کتب امری حاضر در خانه ، ماشین های تحریر  
فارسی و لاتین و سایر اجنب ا را جمع آوری  
و با خود بردند و لی به مادرم اجازه ندادند  
که با پدرم بروند و گفتند: خانم فردا صبح  
شوهرت بر میگردد . پدرم قبل از ترک خانه  
با شیرینی از پاسداران پذیرائی نمود ،  
بعضی از این پاسداران از پدرم قبل از  
انگلیسی آموخته بودند و مادرم شنید که  
یکی از آنها بدیگری میگفت: حیف که این  
مردبهائی است و گرن نظیر ندارد .

پدرم سه ماه در زندان بود ، او و احباب دیگر  
که عنقر آنها با تفاق پدرم بدرجہ شهادت  
رسیدند باهم در محلی که ساختمان سابق  
ساوارک بود ، زندانی بودند بعد از مدتی  
پاسداران آنها را دریک زیرزمین بدون  
پنجره و نمناک زندانی کردند ، بطور یکی  
دیگر چشم ان آنها با دیدن نوریا زنمیشد  
آنها همگی با هم بودند ، مناجات میخوانندند  
وروحیه ای بسیار قوی داشتند در این سه ماه  
پاسداران فقط دوباره مادرم اجازه ملاقات  
با پدرم را دادند و آخرین با رفقه چند  
ساعت قبل از شهادت آن عزیزان بود . در آن

خیلی خیرسان است، با این گلوله من  
صدتومان میگیرم .

جوانان بهائی به کندن ۷ قبر پرداختند  
اجساد را بروی کامیونی با آب و صابون  
که آورده بودند غسل دادند، نماز میت  
خوانده شدوم را سمت تدفین با رعایت تمام

رسوم امری انجام شد . . . .

بعد از شهادت، آزادیت پاسداران به  
مادرم شدت گرفت، او جازه نداشت جلسه  
بگیرد، جواز فوت صادر نشد، وصیت نامه  
پدرم را به مادر نداند. در این روزهای  
پرازاندوه و گریه پراز دوری و شقّت  
مادرم سوخت و گریست ولی هنوز سرنوشت  
با او بازیها داشت یکماه بعد اورا زخانه  
بیرون کردند و خانه را مصادره نمودند،

مادرم اجازه نداشت لباس و کفش خود را هم  
بردارد. با بی خانگی و بی پولی او به خانه  
یکی از احباب رفت، خانم خانه لباس خود  
را بآزادی داد که بپوشد، به او غذای دادوا و را در  
خانه خود مسکن داده ای پاسداران دست

از این برند شتر روزی نبود که مادرم را  
مجبو رنگ نکنیده کمیته برود، آنجا از او  
میخواستند که بیا یدی دیانت بهائی ران کار  
کند، آنوقت خانه و وسائل زندگی را به او  
پس خواهند داد و آنقدر این حرف را تکرار  
کرد که یکبار مادرم فریاد کشید و به رئیس  
پاسدارها گفت: دست از سرم بردا رشوه رم  
را که کشته، خانه وزندگی مرآ گرفتی، بیا  
جان من را هم بگیر و اینقدر من را زجر نده  
این حرف آنقدر گران آمد که با مشت به  
سینه مادرم زد و وسائل زینت او را گرفته  
و گفت: اینها به گردن و دست زن من بهتر  
می‌اید. سه ماه بعد که مادرم دیگر زنی  
شکسته و در زیر این اندوه بزرگ خم شده  
بود تو ایست از بزدبه طهران و با تلاش من و  
برادرم از ایران به آلمان بیاید . . . .

پدرم در طول زندگی خود لحظه‌نیا سود تادر

که چه شده است. در سحرگاه پاسداران  
بدنهای گلوله خورده و خونین شهداء را به  
بیمارستان شهر بردن دارای بیمارستان  
بهیارانی بودند که از پدرم انگالیس نی  
آموخته بودند، آنها با دیدن بدن خون  
آلود پدرم بگریه وزارتی پردازی بران  
ومپر سیدند که چرا استاد مردم تیرباران  
کردید؟ شدت این گریه و فریادها چنان بود  
که پاسداران به وحشت افتادند و مجدداً  
اجساد را دردا منه کوهی در خارج از شهر بر  
روی خاک انداختند بدین جهت که هنوز  
گواهی فوت صادر نشده است . . . . صبح ۱۸  
شهریور تلفن های خانهای شهداء بصدای  
درآمد پاسداران بطور مختصر تیرباران  
شدن شهداء را به خانواده آنها اطلاع دادند  
و گفتند: باید اجساد را که دردا منه کوه  
افتاده است، دفن نمایند.

را دیویزیون در راه اخبار صبح این خبر را پخش  
نمودند و دادگاه اسلامی اعلامیه ای در این  
مورد صادر نمود که در آن ۴ مده است: این ۷  
نفر جا سوس اعدام شده اند تا باشد که روان  
شهدای ۱۸ شهریور در زمان انقلاب شاد  
باشد . . . دو ساعت بعد از این تلفن تمام  
احبای بیزد در آن دامنه کوه جمع شده بودند  
عده زیادی زرتشی و تعدادی مسلمان هم  
آمده بودند. ۷ بدن خونین بر روی دشتهای  
 DAG صحراء افتاده بودند و گرمی هوای باعث  
شده بود که خون از محل زخمها بیرون  
بریزد. مادرم بدن تیرخورده، پدرم را  
دید، سه گلوله در سینه و یک گلوله در  
شقیقه او شلیک شده بود و درست همان خواب  
پدرم تعبیر شده بود . . . . پاسداران  
گلوله هارا از بدن بیرون آورده بودند  
تا انعام بگیرند. در سینه پدرم هنوز  
یک گلوله مانده بود که همان سر  
پاسدار مقابله چشم ای پسر گریان مادرم این  
گلوله را بیرون آورد و گفت: شوهرت

راه محبوب عزیز خود خدمت نماید. تبلیغ هدف اوبود و در جلسه محاکمه که او بدفع از خود دیگران پرداخته بود و فیلم آن را در تلویزیون بیان شان دادند، و آنقدر با شورا زدیانت بهائی صحبت نمود که آخوندو قاضی دادگاه گفت: آقای اخترخا وری، الان هم دست از تبلیغ بر نمیدارید و دارید تبلیغ میکنید!

در مسافت‌های خارج او هر جا که میرسید، بروشورهای امریکا که همیشه همراه داشت پخش مینمودیا دم می‌اید در آخرين سفرش به آمریکا که من هم همراه او بودم به فروشگاهی رفتیم و او با فروشنده ای صحبت از زدیانت بهائی نمود و بروشوری به ان خانم داد. یک سال و نیم بعد که من با زدر آمریکا بودم و پدرم شهید شده بود، این خانم را دیدم، او از پدرم پرسید و گفت: میل دارم بیشتر در مورد امور مبارک بدانم.

با وجود اینکه دوری پدر همه ما را رنج میدهد و یا دا ولحظه‌ای ما را ترک نمیکند، بداشتمن چنین پدری که بدرجه شهادت رسید و در راه جمال مبارک جان داد افتخار میکنم ...



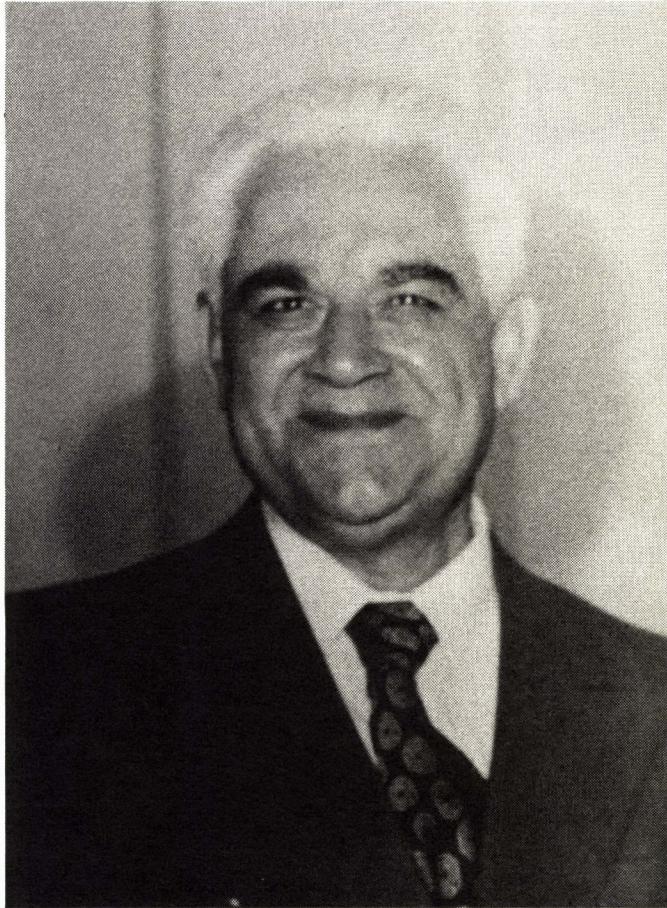
# تاریخ زرین شهادت

## ب: جانب سید حسین وحدت حق

فرزندان عزیزم

الهی شما عزیزان و نورچشمانم محفوظ  
ومصون از هر چشم زخم و گزندی باشید.  
بیش از چهار ماه است که در زندان بسرمیبرم  
یعنی دقیقاً "روز چهارشنبه ۱۳۶۵/۷/۸ در  
دفترکارم توسط دوما موردا دستانی  
انقلاب توقيف و روانه زندان شدم و تا امروز  
که ۱۳۶۰/۱۱/۱۵ میباشد هیچگونه راهنمایی  
مشاهده نمیشود و با سارقین و قاتلین و  
قاچیان و معتادان بمواد مخدوش روئیس  
تریاک و شیره وغیره و قمار بازان و باج  
گیران مشهور و مانوس وهم بندوه اطمین  
هوای زندان آلوده و افراد غالباً بیما رو  
بی بندوبار و سیستم نظافت بطور کلی کثیف  
وناجور وغیر بهداشتی . فانی که بعلت  
دوبار سکته قلبی بیمار دائم هستم در  
اینحا نیز بخواست خداوند غالباً مبتلا به  
گریپ و سرما خوردگی و سینه درد و سرفه  
هستم و شاید در آخر عمر به بیماری سل هم  
مبتلا شوم هرچه خدا خواست همان میشود  
فانی راضی بر رضای او هستم و تسلیم اراده  
و مشیت آن قادر متعال . الحمد لله شما  
عزیزان خدارا شکر با هم وسلامت هستید  
امیدوارم وحید عزیزم نیز سلامت و در  
تحصیل دانشگاهی و توفیق اجتماعیش پیروز  
و کامرا باشد بحق حق آمین یارب  
العالمین . شما تا میتوانید کوشش  
کنید تحصیلات خود را بانجام برسانید چون  
همه چیز در معرض زوال و ویال است جز  
تحصیل، علم و دانش و حرفه و فن و صنعت  
عزیزانم تقدیرات و نصیب و قسمت این فانی

تکلم محمد از زندان اوین



بوده که در سن پیری و آخر عمر دچار رسالت  
زندان گردم . راستی چقدر محیط زندان  
در دنیاک و رفتار مسئولین زندان تحقیر  
آمیز است بخصوص این ناراحتی برای  
نفوذیکه بیگناه بوده و مرتكب خطای  
و خلافی نشده‌اند شدیدتر محسوس میگردد  
تنها دلخوشی و آرامش وجودانی که دارم  
بهجهت آن است که این زندان و این تحقیر  
و این ناراحتی با خاطر مسئله خداشناسی  
و امور روحانی و وحدانی است و گرنم  
اینفانی و چندیار روحانی دیگر نه قاتلیم  
ونه قاچاقی و نه معتادی مواد مخدرون  
زنگانی و نه عمل منکر و خلافی از ماسر زده  
است . همیشه مطیع دولت و حکومت بوده  
و هستیم و در راه اعتلا و ترقی کشور مقدس

تحصیل نظامی با همسرم آدم درجه سارم بهمن ۱۳۲۹ خداوند اولین فرزندرا بما ارزانی داشت و آن روجه وحت حق بود. در مهرماه ۱۳۳۵ جهت تحصیلات مهندسی در رشته الکترونیک و ارتباطات رادیوئی بکشور آلمان غربی اعزام شدم در حالیکه همه فدا کار و طفل شش هفت ما هه خود را در طهران گذاشتند مدت دو سال از زن و فرزند خود دور محروم بودم تا با لآخره با پشتکار و همت همسرم این دوران دوری و محرومیت بسرآمد و همسرم و کودک نازنینم روحیه به آلمان آمدند. در آن اوقات این فانی در دانشگاه شهر آشتوتگارت تحصیل می نمود و در شهر لودویگسبورک که شهر زیبا و کوچکی در نزدیکی آشتوتگارت واقع بود ساکن و مقیم بودم با دوستان عزیز و خوبی در آن اوقات ما نوس و محشور بسیار سودمند نظر نازنین آنلبرت مولشلگل، فا میل پاول گلمر فا میل دکترا شمیت و فا میل هسل مایر و

ومحمود عیسی رستگار نامدار برادر مرحوم سپهبد رستگار نامدار و فا میل و برادران ثابت فرزندان محترم میرزا مسیح ثابت ودها بل صدها مردمان خوب و منزه و متقی و پارسا خداوند اچه اوقات خوبی بود و چه انسانهای با کمال و با محبتی نظیر خانواده کریستیان هوغ واخوان و فرزندان که هر یک شمعی فروزان و شعله ای سوزان! ز محبت و عشق بنوع انسان بودند. از دوستان با وفای آلمانی و دانشجویم که در تما م دوره تحصیل کمک کار و مدد کار ویارم بودند زیاد بحث نمی کنم ولی یاد کارل هانس فایستل، اشلیپ ها که، هلموت پائین که هوگو کلوتز زیگفرید گوتزو دهها دوست دانشگاهی و آلمانی دیگر که هیچگاه یادشان و ناشان از خاطرم نمی رود باید در اینجا ذکر کنم.

ایران کوشیده ایم . عزیزانم شما این فانی واين ذره بيمقدار را كه افتخار پدری شما نور چشمانت را دارد خوب ميشناسید و از وضع زندگانی و مدت حیات تازمان حال کم و بيش آگاهی داريد و یا ضمن بیان سرگذشتمن که غالبا برایتان مثل میزدم شنیده اید . فانی سید حسین وحدت حق فرزند سید محمد و مرحومه سید فاطمه در طفولیت ما در خود را از دست داده ام و تحت تربیت ناما دری که مهر با نتر از مادر است بنا م خانم رضوان قرار گرفتم . یاداين مادر با سعادتمنه بخیر باد که مرا در تحصیلات دوران ابتدائي و قرائت قران کمک فراوان نموده است . مرحوم پدرم جناب سید محمد پدری با سعادت و درا مور تحصیلی فرزندانش شدید العمل و انتظارات زیادی داشت این فانی دوران تحصیل ابتدائی را در محیط خانه سواده گذرانیده ام و از کلاس هفتم یعنی سال اول دبیرستان در مدرسه نظام طهران شروع بتحصیل نمودم و از شیراز بطران جلای وطن نمودم . دوره دبیرستان را با موفقیت زیادی بپایان رسانیدم و دوره شش ساله دبیرستان را در پنجه سال طی کردم و وارد دانشکده افسری شدم و در رشته مهندسی مخابرات شروع بتحصیل افسری نمودم و در مهرماه ۱۳۲۶ شمسی بدرجه ستوان دومی نائل شدم یعنی بیست و دو ساله بودم که افسرشدم . این فانی در پانزدهم مرداد ماه ۱۳۵۴ شمسی برابر هفتم او ت ۱۹۲۵ در شیراز متولد شده ام . یکسال در طهران خدمت نمودم و سال دوم افسریم را یعنی سال ۱۳۲۷ به شیراز منتقل و در یکسان نظامی شیراز خدمت خود را ادامه دادم . در همین شهر بود که ازدواج نمودم یعنی در اردیبهشت ما هه ۱۳۲۹ در شیراز با همسر فعلیم پریدخت خاضع ازدواج کردم و در مهرماه همان سال بطران جهت ادامه

جناب وحدت حق ارادت خاصی به حضرت  
اعلی روح ما سوافداه داشتندوهمیشه  
خود را سیدحسین وحدت حق مینا میدندلذا  
در نیمه شب بعثت حضرت اعلی در طهران  
اپنجم جمادی الاول مطابق نهم اسفندماه  
(۱۳۶۰) و پس از گذشت پنجماه مسجونی ایشان  
را شهید آرزوی لقاء به محبوش رادر  
سن ۵۸ سالگل عملی ساختند.

شهید عالیقدرنا مدهای بفرزندان خود  
نگاشته که قسمتهائی از آن ذیلا درج میگردد  
".... بیشا زیک قرن از نباء عظیم و قیامت  
کبری و ظهور قائم مولی الوری گذشته  
است و هنوز ملت ایران منتظر ظهور  
قائمند. یک قرن و نیم است حضرت قائم  
وصاحب الزمان و خلیفه الرحمان ظهور نمود  
ویا ران ویا ورانش بزنگیر وقتل وغارت و  
در بدرباری دست بگربیان هستند، انشاء الله  
بزودی پرده های اوها و خرافات پاره شده  
و غیوم کثیفه یعنی ابرهای پریشت و  
انبوه از آسمان ایران بکنار خواهد رفت  
وشمسیه ایانوار خیره کننده ایران  
و جهان را منور خواهد نمود،  
با مید آن روز خدanhگه را رشما باد..."  
"... نامه شما عزیزان میرسد ولی مادر  
کشور مقدس ایران روز و شب در تا میان  
نیستیم یاران طهران شیراز مشهد  
یزد - همدان - کرمان و خلاصه در تما ایران  
یاران تحت تعییب اولو بالبعضاء وارباب  
جور وعدوان هستند، خدا وندخودش این  
مصادب و سختی هارا به آسایش دل و جان  
تبديل فرماید... انشاء الله جور و فساد  
ارباب عناد و صاحبان ظلم و ستم زیاد  
شود زیرا هرچه ظلم و ستم زیاد شود عمر  
ظللم کوتاه تر وانتقام قادر متعال شدید  
ترخواهد بود. انشاء الله ریشه ظالم  
و ستم از روی زمین کنده شود و جهانیان

دوران تحصیلات مهندسیم دردانشگاه  
اشتونگارت توا مبا حوات گوناگون و زحمات  
وبیخوا بیها و تحمل مشقات و صرفه جوییها  
در خوراک و پوشک بوده است ولی با افتخار  
میتوانم اظهار کنم مدت تحصیل دانشگاهی  
را با حداقل مدت ممکنه و همدوش با بهترین  
شاگردان آلمانی دانشگاه بپایان  
رسانیده ام. در زندگی و در تما مدت  
تحصیل از هوش سرشا ر برخوردار نبودم ولی  
زحمت کش و پشت کارداشتم و با علاقه و  
جدیت و با امید با آینده بهتر و زندگی  
آبرو مند تر با ره سختی را بدوش میکشیدم  
پس از پایان تحصیلات دانشگاهی شانس  
آنرا داشتم تادرکار خانجات آلمان  
شروع بکار نمایم و با حقوق مکفی مهندسی  
مقیم آلمان شوم ولی عشق به میهن و  
علاقه به منسوبین و وفاداری به شغل و  
حرفه نظامی مرا وادار ساخت تا قراردادم  
را با کارخانه استاندارد الکترونیک  
آلمان فسخ و پس از یکسال کار در لابراتوار  
الکترونیک آن کارخانه با ایران با همسر  
و دوفرزندم (روحیه و وحید وحدت حق)  
مرا جعت نمایم.

در مرور فرزند دوم که در هنگام مراجعت  
با ایران هنوز از مادر متولد نشده بود  
باید عرض کنم وحید در لوردویگسبورگ  
متولد در اکتبر ۱۹۵۷ و خبر تولد وی در  
استانبول ترکیه تلگرافی در حین مراجعت  
با ایران با یافته ای اطلاع داده شد.  
(شرحی که فوقا "ملاحظه فرمودید شخص  
شهید مجید در نامه به بستگان خود نگاشته  
است)

خدمت بابناه بشر وهم میهناه شهید  
نموده اند در حالیکه هنوز نه در را دیو  
ونه در تلویزیون ونه در مطبوعات ذکری  
از این واقعه ننموده اند ، بعضا " به  
زبان بی زبانی میگوییم خدا و عدو انتقام  
کحاست ... مگرنه اینکه معتقدیم  
"یدالله فوق ایدیهم"

گر تیغ بارد درکوی آن ماه  
گردن نهادیم الحکم بالله  
فدای همه شما عزیزان .  
فانی حسین وحدت حق



متحدو متفق گردد و یا روغم خوا رهم شوند  
خیمه‌ی گانگی بلندشود و علم دوستی و  
انصاف و محبت بر افراد شه گردد.  
نوهذا وعدغیر مکذوب " باری همه بیاد تا  
هستیم و برایتان دعا میکنیم . . . ه

اشرطیع یک زنده نگاه نه عزیزی  
دیوار مندان

بیاران غیر آنکه که بزدن عشق در بندم

زندانیم، اسیر و گرفتارم  
خلقی گمان برند تبهکارم  
یا قاتلم سیه دل وخونخواره  
یا قاطع الطريق ، چو تاتارم  
مندانم و خدای گناهه نه  
جز آنکه گنج عشق بدل دارم  
جرائم گرفت محتسب از کوری  
زیرا که سرخوش ازمی دیدارم  
خواندم را بکعبه وزین غافل  
من در طوفان طلعت دلدارم  
وارسته ام زدام ریا واکنون  
اندر کمند طره طرارم  
نوشم زجام شوق و بمن گوید  
مستم من از قبیله کفارم  
کفاره گناه محبت را  
اینک اسیر مفتی غدارم  
سالی برفت و گوشه زندانم  
سال دگر بیايدچونیارم  
نه مونسی نه یارنه غمخواری  
بی همنشین و بی وکس و بیکارم  
پیوسته پشت داده بدیواری  
همواره روی کرده بدیو ارم  
دیوار خوانیش توومن آنرا  
یک پرده نمایش انگارم  
تصویرهای عمر، برآن هر شب  
جنبد به پیش دیده بیدارم  
اینک منم بطفلی و معصومی  
محاج پاسداری و تیمارم  
گاهی بخواب ناز فرورفتنه  
بالای لای مام پریوا رم  
گاهی دوان ببازی وطنازی  
چون آهور میده بکهسارم

دست پدر بدست قلم بر کف  
 یک حرف و دو بفتار بنگارم  
 هر خواهشم برآرد و بر ناید  
 انکارا و مقابل اصرارم  
 چون وقت مكتب آید هم واره  
 سرگرم درس و خواندن اشعارم  
 از هر کتاب نفر ز هراستاد  
 بر سینه آنچه خوانم بسیارم  
 کم کم زمان عشق و جوانی را  
 بینم بروی پرده پنداشتم  
 آن چشم‌های شوق خیال انگیز  
 آن مجھای شور شر بارم  
 آن روزگار دلکش جانانه  
 کاندر کنار دلبر غم‌خوارم  
 امیدواروبی غم و آسوده  
 خندان و شادمان و سبکارم  
 پیری رسد زراه و خموشی به  
 کش نیست هیچ رغبت گفتارم  
 دانی خوداین حدیث مکرر را  
 دیگر چه سود دارد تکرارم  
 زین چار چوب عمر هر از چندی  
 تصویر کسی برآرم وبگذاشتم  
 از زندگی چه ماند بر جا هیچ  
 با هیچ می نیزد پیکارم  
 زین نقشه‌ای درهم دیواری  
 شد یکسره مشوش، افکارم  
 در التهاب و درهم و درمانده  
 چون گردکان بگند دوارم  
 دیدم هر آنچه آمدرفت از کف  
 دزد زمانه تاخت بانیارم  
 محصول آسیاب فنا رام من  
 مشتی دگر نمونه خروارم  
 گر تاقیامت آید زارم من  
 کی رفته را بزاری باز آرم  
 هموار کرد خواهم گیتی را  
 گیتی است کی بگردد هموارم  
 \*اقتباس از روکشی

از هول و از هموم چنین افکار  
زارون زار و خسته و افکارم  
از جنبش اوفتاده و درمان نده  
گفتی کسی بیست بمسما رم  
ناگه زعفر ظلمت آن دیوار  
آمد جمال دوست پدیدارم  
آمد چو آفتاب وزان وارش  
گردید همچو روز شب تارم  
زان موی مشک پرور عنبر سای  
زندا نمود طبله عطارم  
با کیمیای دیده حان بین ش  
از دل همی زداید زنگارم  
آید بچشم ، آن لب خندان ش  
زیباتر ازتبسم اسحارم  
بنشت در کنارم وبامن گفت  
کای یار دلپذیر و دلازرم  
اندوه گین مباش که من ازمه  
اندوه تو زدایم و بگسارم  
تو شمع تابنا کی و اندرست  
آن شعله های عشق جنون بارم  
تو بلبل فسرده گل جوئی  
من گلبن شکفته بی خارم  
اندر دل خراب تو پنهان است  
آن پر بها دفینه اسرا رم  
در آسمان قرب فروزان باش  
ای جاودانه کوکب نوارم  
تاكی بفکر دکه وبازاری  
بنگر مرا کز آن همه بیزارم  
تاجنده از جفای جهان نالی  
برمن نگر که یار وفادارم  
با من بیا که وصل تومیجوم  
بامن نشین که قدر تومیدارم  
از ذوق این لقا و چنین گفتار  
انگار در میانه گلزارم  
دیگر نه حبس میکنم رنجور  
نه تیغ تیز میدهد آزارم

نوش لب ش نصیب شدو غم نیست  
دیگر ز نیش ع قرب ج را رم  
ازین آن جمال جهان ا فروز  
بالا گرفت بخت نگون سارم  
در ارتفاع سدره نورایش  
گردد نصیب صحبت ا بر ارم  
بزم فداست حاضر و سرمستان  
بر من زند طعن که هشیارم  
یک قطره نوش کردم ا ز آن صهبا  
افتان بسوی خانه خم سارم  
در آسمان قدس کنم پر وا ز  
بال و پرم شکسته و طیارم  
ای دوست ای لطیفه رب ای  
ای شمع پر فروغ پر انوارم  
بی روی توجه باشد انجام  
بی عشق توجه باشد مقدارم  
خواندی سرود عشق و من ا ز آن دم  
مفتون آن لبان شکر بارم  
دستم بگیر و حال تباهم بین  
افتاده ام بخاک تو بردارم  
من نونهال باغ تو می باشم  
ای باغیان طالب ا ثم سارم  
در خیلگاه لشکر جانباز ان  
با بذل جان بگردان سردارم  
من بی زبان ولطف تونا محدود  
پس من چگونه شکر تو بگزارم  
گر نعمت فداست مرا حاصل  
از فضل تست من نه سزا و ارم

داستانی از:

## مینه لقطع عش

..... صبح همان روز اوجی دوچرخه‌اش را سوار شد ورفت همسر در انتظار که ظهرا و با نان وقاتقی برگردید اوجی ساعت ۱/۵ بعد از ظهر با دست خالی خسته و مانده برگشت عیال پرسید چه کردی گفت رفتم یار و اغیار را از ایمان خودم با خبر کردم و بانانی هم که ندیدم پیغام دادم. از آن تاریخ که اوجی کوس رسوای خود را نواخت و همچون منصور حلاج الاسرار گشت امتحانات شدیده متحمل گشت دشمنانش تحریر و اهانت کردند حتی بعضی از دوستان برویش آب دهان انداختند او دیگر کمتر به مجامع اهل ادب حاضر میشد اگر هم میرفت ایمان خود را مکتوم نمیداشت غزل زیر یکی از آنها است که اوجی سروده و بانحابerde است.

ما صفا بخشیدن از باد صبا آموختیم  
مهرورزی را زکاه و کهربا آموختیم  
پایداری را زکفش و سربلندی از کلاه  
گرمی و دامن فشانی از قبا آموختیم  
شیوه فرمانبری از سبجه امداد از عصا  
عیب پوشیدن سراپا ازعبا آموختیم  
از زرخالص خلوص از آینه روشنلی  
انجذاب و قدرت از آهنربا آموختیم  
حشمت ذات از سلیمان عزت نفس از کریم  
ذکر خیر از هدهد شهر صبا آموختیم  
فیض بخشیدن زابر و عطر پا شیدن ز گل  
عاشقی از خامس آل عبا آموختیم  
راه ورسم بندگی در مکتب عبدالبهاء  
از احبابی عزیز واقربا آموختیم  
در دبیرستان عالم غیر درس عاشقی  
نابتا هر علم دیگر راهبها آموختیم

دوستان قدیمی اوجی از حزب برادران که خود او نیز قبل اعضو آن حزب بود همه حا در تعقیب بودند یکشب دونفر با ساک پرازیول و چک! مضاء شده بدون مبلغ بدر بمنزلش آمدند و اورا با ماشین آخرين سیستم و منزل مسکونی عالی تطمیع کردند در حالیکه اوجی آن شب را گرسنه بروی پشت با م گرم تابستان بدون زیرانداز دراز کشیده بود ضمن تشکر و امتنان به آن دو دوست اظهار داشت معلوم می شود متاعی که نزد من است خیلی ارزنده است که شما میخواهید با اینهمه به از من بگیرید .....

تا اینکه نقشه قتل اورا کشیدند اورا باتیرزدند گلوله بر دستش خورد دستش را شکست و شریانش را قطع کرد پس از عمل و بهوش آمدن در روی تخت بیما رستان این ابیات را دیکته کرد و برایش نوشتند واز او بیادگار گذاشتند:

گر عنایات الٰہی چند روزی دیرشد  
شکر ذاتش را که اکنون قسمتیک تیرشد  
میکشم ازا استخوانو مینهم بر دیدگان  
باز گر تیری بقصد سینه ام تدبیرشد  
تیر حسرت بدتر از تیر جفا یم میکشد  
از چه رو قتلم برای مدتی تاخیرشد  
از همان پیدای عمر از جورا ینبا خردان  
دل زبس نا مردمی ها دیدا ز جان سیرشد  
روزگار رینا لهها کردم بدرگاه خدا  
ای خدا آنالله های زاربی تاثیرشد  
دیشب اندر خواب دیدم پرگشا دم سوی دوست  
طالع خوابیدکماین خواب غلط تعبیرشد  
بعد از این هم با زمینا نمبرا هشمنظر  
بلکه تیر دیگری از جان بش تقديرشد  
نیمی از خونم اگر در راه عشق ریخت ریخت  
نیمه دیگر بفرد ولتش تطهیر شد  
گرشدم رسوای عشق دوست پیش خاص و عام  
درجها نامم به یمن عشق عا لهگیرشد  
عشق عاشق را بهرنحوی تواند میکشد  
غم مخور گر با سنان یا نیزه یا مشیر شد  
نابتا ویرانه دل را زبیخ و بن بسوی  
زانکه هرویران چو بگذشتی زحد تعمیر شد  
با ری معالجات و جراحی های متناوب موثر نیفتاد و دست شکسته او حی همچنان و بال گردن با قیماند در بهار ۱۶۱۴ اورا دستگیر و بزندان بردن پس از عماه حکم اعدامش را صادر نمودند وقتی با اطلاع دادند گفت:  
ای خوش آن لحظه که قلبم هدف تیرشود  
وای بر من اگر امضای قدر دیرشد  
با زی خیمه شب با زی دنیا سگ کیست  
که به پیش سفر عشق عنان گیرشد  
دم عاشق جگر سوخته را تاثیری است  
که ازا و سلطنت عشق جهانگیر شود

گیروداری است در این راه خطرناک که دل  
 هرزمان دامن حان گیرد و در گیرشود  
 پیر را عشق جوان سازد و هر تازه جوان  
 چون گرفتار غم عشق شود پیرشود  
 تشنگان در طلب آب روانند ولی  
 عاشق از سوزت عشق ز جان سیرشود  
 دیده ام خوابی و امید که در اسرع وقت  
 یار بامسر صلح آید و تعییرشود  
 کرده محکوم به اعدام مرا حاکم شرع  
 هان مبادا که در این مرحله تاخیرشود  
 نابت از بانک انا الحق بزند چون منصور  
 جای دارد که در این حاممه تکفیرشود

\*\*\*\*\*

نازنینم تا نقاب از چهره انور کشد  
 پیکر عشاقد را یکباره بر آذر کشد  
 هر زمان خواهد که خون مردمی ریزد بخاک  
 ابرویش در خاک و خون صد مومن و کافر کشد  
 خیل مژگانش بسرداری چشمان از دوسوی  
 دمیدم از بهر قتل عاشقان لشکر کشد  
 گردش چشم فریبا یش کند تا یک نگاه  
 راهب از دیرو امام مسجد از منبر کشد  
 یک قیام قامتش با یک قدم برداشت  
 خلق را یکباره اندر دامن محشر کشد  
 ای خوش آن پرهیزکاری که از شراب لعل او  
 ترکند کامی و کمتر منت از کوثر کشد  
 نابت بیدل بیاد روی و مسوی ولعل یار  
 دمیدم از جام وحدت باده احمد رکشد

مطلب فوق را در لاث آمده ام  
 جست و روح ریجی عذیب چوت فرموده ام

# بِقُلْ إِيَادِيْ عَزِيزُ مَرْتَهْ جَنَابْ ذَكْرَتَهْ خَادِمْ

داستانی از قبل از اشراق شمس حقیقت  
از افق سحن در عکا

ایادی ممتاز امرالله حناب ولی الله ورقا علیه رضوان الله که در آخرین روز تودیع این عبد از محضر مبارک مولای محبوب و بی همتا روحی و ما اعطانی رسی لتراب رسمه الاطهر فدا (۱۸ مارس ۱۹۵۲) لسان عظمت در وصف ایشان باین بیان مبارک ناطق گردید که "جناب ورقا در جمع ایادی ممتازند" داستانی از برای احبابی عزیز الهی غالباً نقل میفرمودند که اینکه این عبد از لحاظ اینکه مبادا در یادداشت‌های ایشان نقل نشده و دربوته نسیان مانده باشد بنقل آن مبادرت مینماید:

قبل از طلوع شمس حقیقت نفوس مبارکه‌ئی در سراسر عالم ناس را از برای ظهور موعود حاضر مینمودند و بشارت میدادند که یوم ظهور نزدیک است و بزودی جمال الهی ظاهر و وعود حمیع انبیاء الهی تحقق خواهد یافت: از حمله در عکا شخص بزرگواری درسیر و حرکت بود و مردم را به صلای "قد اقترب یوم المیعاد" بشارت میداد. بزرگان و اهالی بلد با کمال شور و انجذاب حلقه وار دور او جمع شدند و از استماع بیاناتش نصیب موفور بردنند. شبی در بار عام با تاکید و صراحت بیان فرمود که البدار البدار یوم ظهور بسیار نزدیک است و موعود کل ام قریباً در همین مرج عکا ظهور خواهد فرمود با استماع این بیان حاضرین غرق در بحر روحانیت و سرور شدند.

نام تو میرفت وعاشقان بشنیدند هر دو برقص آمدند سامع و قائل

در این اثنا فرزند صاحب خانه برای پذیرائی اهل محلس با سینی چای وارد شد. میزان سؤال نمودا آیا ظهور آنقدر نزدیک است که من هم درک خواهم نمود؟ مهمان بزرگوار فرمود یاللاسف که عمر من و شما کفاف نخواهد داد و از درک آن ایام مبارک محروم خواهیم ماند. ولی این طفل بشرف لقا فائز خواهد شد. سپس طفل را نزد خود خواند و باناخن شست و سبابه فشاری محکم به لاله گوش طفل وارد آورد بطوریکه خون حاری گشت و ناله و فغان از نهاد طفل بلند شد. آنگاه فرمود فرزند من عمداً گوش ترا آزرم که وقتی بمحضر مبارک موعود روحی لمقدمه الفدا رسیدی مرا فراموش ننمایی.

دامنش چون گشت دست افشا تو آن زمان دست من و دامان تو

سالهای سال بر این منوال گذشت تا آنکه یوم موعود فرا رسید واراده مطلقه سلطان قدم و مظلوم عالم به نزول اقدام مبارک به عکا در حال اسارت و سرگونی تعلق یافت و عود جمیع انبیاء الهی ظاهر شد چنانچه حق جلجله بلسان هوشع نبی بشارت داده بود که "وادی عکا را به دروازه امید مبدل خواهم ساخت" و در شمس المعنی از هزار و اندسال قبل اخبار گردیده بود که "ان الله سوف يشرق اشراقاً" من الوجه البهی الابهی باسم البهاء فی یوم المطلق فی مرج عکا".

حال پسر بر مسند پدر جالس شده و بر وفق آنچه در افواه در بد و ورود الله حمال مبارک ب مدینه محسنه عکا شایع بود جمال اقدس ابھی و بندگان آستانش را اعادنا

اهل ضلال شمرده ووظیفه شرعی و دینی خود دانسته است که بحیات مبارک خاتمه دهد.  
با این نیت بسجن وارد شد و در خلف باب حجره مظلوم عالم قرار گرفت. جمال اقدس  
ابهی جلت سلطنته و اقتداره همینکه چشمان مبارکشان را بر وی افکنند با هیمنته  
و وقار الٰهی " به سه کلمه طیبه تکلم " فرمودند و او " آن کلمات را شنیده ومدهوش"  
گشت . و آن کلمات این بود که " انسیت قول یافذ "

آیا قول یافذ را فراموش کردی؟ ) فی الحین طفل سبق خوان دیروز درد والم شدید در  
الله گوش خود احساس نمود بناله و فغان آمد خائف و هراسان شد و توبه کنان و پریشان دامّاً  
مبارک را بگرفت واستدعای لطف و مرحمت و عفو و غفران نمود . بحر عنایت بموج آمد و  
به منّ وفضل مالک قدم در سلک بندگان دلداده جلال اقدس ابهی جلکبریاء وارد گشت .

"ربنا وفقنا على معرفة امرك العظيم"

xxxxxxxxxxxxxxجxxxxxxxxxxxxxx x

حکایتی درباره سطوت و نفوذ بیان حضرت مولی‌الوری  
نقل از بداعی‌الاثار جلد اول ص ۱۷۵

روزبیست شعبان (۱۴ آگوست) بعضی از خدام استان در سطوت و نفوذ بیان مبارک حکایت  
مینمودنده بیانات مبارکه چقدر سهل و ممتنع است و دلائل چقدر لامع و ساطع فرمودند: ت  
بیان باید به مشرب حضار واقتضای وقت باشد و حسن عبارات و اعتدال در اداء معانی و کلما  
لازم فقط حرف زدن نیست همیشه در عکا میرزا محمدعلی بیاناتی را که از من میشنید بعینها  
در مواقع دیگر ذکر میکرد ولی ملتفت نبود که هزاران حکم و مصالح لازم است نه تنها گفتمن  
درا یام بغداد و سلیمانیه شیخ عبدالحسین گفته بود که جمال مبارک کرده را به این وسیله  
جمع و جذب کردند که اصطلاحات عرفا و صوفیه را بیان مینمودند بیچاره شیخ مذکور رفت و کتاب  
فتوات مکیه را پیدا و عبارات آنرا حفظ نموده و در هرجا ذکر کرده بیچاره شیخ بگوئید ما فتوحات مکیه  
رانمیخواهیم بلکه آیات مدنیه را القا میکنیم فصوص شیخ را نمیگوئیم بلکه از نصوص الہیه  
حرف میزنیم . (انتهی)

# ارتباط شرق و غرب

از دکتر مهری افغان

حضرت عبدالبهاء بنیادنها ده شده بود  
از دیدا دیافت . نفوس مهمهای از احبابی  
عزیز آمریک برای همکاری در اداره مدرسه  
تربیت طهران، با ایران عزیمت کردند که  
از آن جمله اممالله دکتر ترمودی اممالله  
میسیز کلارا شارپ میس لیلیان گپس، دکتر  
کلاک، دکتر کوی و خانم الیزابت استوارت  
رابایدنام برد . در همان ایام نفوس  
بر حسته و کمنظیری چون حضرت ابوالفضائل  
و جناب فاضل مازندرانی نیز عازم امریکا  
شدن دویاران آن دیار از بحریانشان  
نصیب و قسمت یافتند . سفر میس ما رتا روت  
فخر المبلغین والمبلغات ، خود فصلی  
دیگر از تاریخ و مقتضی مقاله‌ای  
جداگانه است

درا مثال او امر مقدسه مولای مهریان  
احبابی عزیز امریکا شروع به سلسنه  
اقدامات وسیعه‌ای در مردم حمایت و احراق  
حقوق خواهان و برادران روحانی خویش  
در کشور مقدس ایران نمودند من حمله به در  
سال ۱۹۲۵ میلادی در جریان سیل خانه  
برانداز تبریز ، احبابی آمریک تبر عفات  
کریمانه خویش را برای احبابی مزبور تقدیم  
کردند و با لآخره در سال ۱۹۲۷ میلادی که  
موج جدیدی از مخالفت‌ها و تضییقات  
درا ایران برخاست ، محفل مقدس ملی آمریکا  
عرضه‌الی خطاب ، به رضا شاه پهلوی و  
متعاقب آن بیانیه‌ای خطاب بروسای مذهبی  
وقت در ایران تهیه نموده ، ترجمه آنرا  
برای صدها نفر از آنان ارسال داشتند .  
در سال ۱۹۳۲ میلادی ، ورود کتب بهائی  
با ایران تحریم شد و محفل مقدس ملی  
آمریکا نامه‌ای به پادشاه و نخست وزیر وقت  
مرقوم ورفع این تضییقات را خواستارشد  
و چون متمرث مررواقع نشد ، تصمیم با عزم

درالواح مبارکه این ظهوراً عظم موارد  
متعددی از اهمیت ارتباط شرق و غرب  
ملحوظه مینماییم . آرزوی مبارک حضرت  
عبدالبهاء در این بودکه یاران غرب  
راببیند که دست در آغوش دوستان شرق  
نموده اند و هریک جان برایگان در ره دیگری  
فدا مینمایند .

در اثنای این فرمان مبارک احبابی الهی  
در شرق و غرب سعی بلیغ نمودند ، هریک  
بدیار بعيده سفر نمودند و در انتشار  
اممالله و تحکیم بنیان این اتحاد  
محاہدت کردند .

وقایع اخیر ایران که منجر بشهادت عده  
کثیری از اخلاف برکزیده جان بازان عصر  
رسولی در موطن جمال مبارک گردید ، از  
جهات متعدده روابط جدید و عمیق روانی  
بین دلدادگان امر مبارک در غرب ویاران  
ستمدیده شرق علی الخصوص احبابی عزیز  
ایران ایحا دگردید .

ذکر جان بازیها و فدا کاریهای این احوال  
پاک و ردیبان همگان است و کسی نیست  
که بدیده احترام و اعجاب و تحسن بآن  
ننگردولی شایدی مناسب نباشد که در این  
وقت و هنگام از نفوس از جان گذشت  
وفدا کار از اهل دیار غرب که در راه تحقق  
این اهداف مقدسه ، ترک یا زودیا روما  
وراحت نمودند و حتی از فدائی حان دریغ  
نور زیدندیا آوریم و با این نکته متنذكر  
شویم که کلام خلاقه صاحب امر اثر عمیق  
خود را در شرق و غرب هردوظا هر فرموده و  
مظا هر تحقق نوای ای مقدسها و از هرگز رو و  
نژاد دو ملیتی بوجود آمدند .

پس از افتتاح الواح و صایا و جلوس حضرت  
ولی مقدس اممالله بر کرسی ولایت اممالله  
این ارتباط و اتحاد که اساسش در زمان

—

نماينده ايقا بل ولايق از طرف آن محفل  
قدس بکشور ایران گرفتند و شخصی که برای  
این منظور انتخاب گشت امه الله المحترم  
سرکار خانم کیت رنسوم که لبرود که در  
ضمن نامه ای رسمی بسمت نماينده محفل  
ملی آمریکا جهت مذاکره مستقیم در مورد  
رفع تضییقات اخیر احیای ایران، بآن  
دولت معرفی گردید. این انتخاب البته  
حسب الاراده و امر حضرت ولی مقدس امر الله  
انجام گردید. در نامه ای که بدین منظور  
از طرف منشی حضرت ولی امر الله خطاب  
به محفل ملی آمریکا مرقوم گشته چنین  
اشاره شده است که "خانم کیت رنسوم  
که لبر، در حال حاضر در حیفا حضور دارد  
در عرض چند روز عازم ایران خواهد شد.  
ایشان خدمات عظیمه ای در استرالیا و  
هندوستان انجام داده اند و حضرت ولی امر  
مطمعن هستند که در ایران نیز بچنین  
خدماتی موفق خواهد شد" (ترجمه)  
در معرفی نامه محفل آمریکا خطاب به  
پادشاه ایران، از ایشان بعنوان خانمی  
بهائی تبعه دولت آمریکا و دارای اطلاعات  
و سیعه در مورد تعلیم و تاریخ امریکا  
هستند ذکر گردیده و یاد آور شده اند که اعزام  
ایشان در تعقیب ارسال عرضحال قبلی آن  
محفل بوده است.

مسيس که هر آن خادمه شجيع و مبلغه و فادا را مر  
حضرت رب العالمين با چنان شورو حرا رتى  
از طرف احباب ايران روبرو گردید که ذکر  
آن الى الابد در تاریخ امر مخلد است .  
لقدس در تبریز گروه کثیری از احباب در حظیره ا  
مجتمع گردیده چند جلسه احتفال برای  
ملقات این مبلغه شهر بین المللی تشکیل  
دادند و از آنجا به مراحتی عده کثیری از احباب  
عازم قریب میلان آذربایجان شدند . در بتدا  
پلیس ایجاد مざامت نمود ولی پس از حرماز  
اطمینان از اینکه این اجتماعات بهائی

بھیچوچه مخل آسا یش عمومی نخواهد شد  
اجازه ادا مه مسافرت را دادند.  
اجتماع عظیم احبا از پیرو جوان در قریب  
میلان با شور و هیجان بی ساقه ای همراه بود  
زیرا احبابی الهی خصوصاً "متقدمی" —  
برای العین تحقق وعده حضرت عبدالبهاء  
را مبنی بر اینکه خواه ران و برادران به آی  
از غرب با ایران آمده در خدمات امریکا نرا  
معاضدت خواهند کرد مشاهده کردند.  
از میلان، آن مبلغه شهره عازم سیاسان و میانه  
در آذربایجان و سپس قزوین و با لآخره طهران  
گردید. شرایط مشکل مکان وزمان و مسافت  
وا مکان در آن برده از تاریخ در کشور ایران  
بسیار در خورده است و توجه بوضع زندگی  
بسیار مرتفع و همه گونه امکانات مادی و رفاهی  
ظاهری که ایشان در وطن خود را آن برخورد  
بودند میزان گذشت و فداکاری و انقطاع  
آن جوهر و فارا مشخص میدارد.  
علیرغم مساعی جمیله آن خانم محترمه  
تضییقات و صدمات و درده بر احباب ایران  
فزونی یافت و با مرھیکل اطهر حضرت  
ولی امرالله، نمایندگان کانونشن ملی  
آمریکا در سال ۱۹۳۳، این مطلب را مورد  
مشاوره قراردادند و با تفاق آراء حمایت  
خود را از تصمیمات محفل مقدس ملی در مورد  
کمک به تخفیف مشاکل احباب ایران اعلام  
داشتند و همین اوقات مسیس کهرکه مجری  
این تصمیمات در ایران بودند در اثر زحمات  
و صدماتی که در طی یک سال اقامت خویش در  
این کشور متتحمل شده بودند صحت شان مختل  
شد و بکسالت مبتلا گشته دولی چنانکه بعد از  
علوم شد آنی در مساعی خود جهت تخفیف  
مشابک احباب ایران تقلیل ندادند و با لآخره  
در ماه جون ۱۹۳۳ نامه ای مستقیماً "به شاه  
ایران مرقوم داشته و نگرانی شدید خود  
را از وضع نا مساعد احباب ایران ابراز  
داشتند و فی الواقع آن امه مومنه هیچ

ازاعین غافلین در آن سرزمین فستور،  
قدرش را ملأاً علی دانند . رتبه شهادت را حائز  
است و در سلک ایادی امرالله محسوب شد .  
محفل طهران البته جمعا " باتفاق  
نمایندگان شیراز ، کرمان ، آباده ،  
یزد ، بنادر جنوب ، مرقد شریف ش را بالنيابه  
زیارت نمایند . شوقی "

حضرت ولی عزیز امرالله ، امر فرمودند  
که حسد مطهرا ولین شهید آمریکائی ، ابدی  
اموالله میسیس که هر در جو ارض رات  
سلطان الشهداء و محبوب الشهداء در اصفهان  
با خاک سپرده شود .

## مُعْرِفَيْكَ هُنْمَنْد

بسیاری از خوانندگان عندلیب میپرسند  
خطاط مجله این هنرمندان شناخته کیست ؟  
خطاط مجله جناب سعادت الله مُتجذب  
عضو هیئت تحریریه مجله عندلیب است .  
علت عدم معرفی ایشان تاکنون بعلت  
امتناع خودشان بلحاظ فروتنی بوده است  
اخیرا " فرستی بdest آمدن نمایشگاهی از  
آثار هنری نامبرده بواسطه یکی از  
دوستان درسالن ادوا ردگاردن ترتیب  
داده شده بود عده‌ای از دوستان و صاحبدلان  
از آن دیدن کردند و تعداد ۳۰۰ تا ۵۰۰ که از  
اشعار شیرین شاعران پارسی زبان گلچین  
شده و درگایت زیبائی تحریر و تذهیب  
گردیده بود بمعرض نمایشگزارده بودند  
که نمونه‌هایی از آن را در صفحه آخر  
ملحوظه خواهید فرمود .  
خطاط ما در سال ۱۳۰۸ در اصفهان متولد  
و در استخدا م شرکت نفت بوده سپتا میز  
۱۹۸۰ بعنوان مهاجر بکشور کانا دا واردو  
مقیم گردیده مجله عندلیب صمیمانه از  
همکاری ایشان تشکر مینماید .  
( همیت تحریریه )

کوششی را در این سبیل فروگزار نکردند  
یکماه بعد از این مiful ملی آمریکا  
خلاصه‌ای از اقدامات احبابی آمریک در مورد  
مسئل و مشکلات احبابی ایران را به مسیس  
که هر مرقوم داشته از ایشان درخواست  
نمودند رویا و نگرانیهای احبابی آمریکا  
و اعضاء کانونشن ملی بهائی را در مورد  
مشاکل و گرفتاریهای بهائیان ایران و  
نیز خلاصه اقدامات آنان را در این سبیل  
با طلاق اولیای امور بررسانند و از حکومت  
ایران درخواست نمایند و حواب قطعنامه  
کانونشن ملی را بانان ابلاغ دارند .

آن خانم محترمه‌نها یت سعی خود را  
مبذول داشت ولی متساقنه جوابی از  
آن همه اقدامات بدست آمد را در این تلگراف  
میسیس که هر با امریکا خلاصه گشت : " عرض  
حال بلا جواب مانده است " غم و اندوه حاصله  
از این عدم موفقیت برخستگیها و مشقات  
و صدمات حاصله از فدا کاریهای روز افزون  
آن خانم عزیز که بلا نقطع در حلقات احباء  
شرکت مینمود و با ایران دنیو خطا به و تشویق  
و تحریص بر خدمت و تقویت قوای روحانی  
احبابی ستمدیه ایران میپرداخت افزود  
و جسم لطیف آن مه موقعه را بدرجه ای از  
ضعف و ناتوانی رسانید که در ۱۳۲۳ اکتبر  
سال ۱۹۳۳ بر اثر ابتلاء آبله مرغان ، در  
شهر اصفهان ، در عرض مدت چند ساعت ، قالب  
خاکی را وداع گفت و بملکوت ابهی صعود  
فرمود .

حضرت ولی مقدس امرالله تلگراف مبارکی  
بدین مناسبت مخابرہ فرمودند که مقام  
شامخ و کم نظر آن بانوی گرانقدر را عیان  
میسازد :

روحانی - پارسیان طهران  
" حامیه دلیل و منادیه شهیره امرّب قدیر  
از تنگنای ظلمانی باستان روحانی ، مظفر  
و منصور عروج نمود . خدمات با هرها ش

# قسمت جوانان

## مُهاجرَت

(از عکس ثابت)

سفید، سیاه، زرد و سرخ پوستند . اینها گل‌های رنگارنگ این باغ زندگی بشیرینند که همه جاهای این گیتی پراکنده‌اند . در کوهها، جنگلها، شهرهای پر دود و پر صدا و در روستاها آرا مزندگی می‌کنند . اما، این گروه‌های رنگارنگ، بیشتر از آنچه دارای رنگها و چهره‌های متفاوت هستند، بمنابع گوناگون، روش‌های بیشمار که ناشی از اعتقادات کهن‌هه و دلیستگی‌های قومی آنهاست، دلبند و پیوسته‌اند . اینست که بر استی چرا غدوستی ویگانگی و شمعهای وحدت و یکدلی، بسبب این تعصبات، در میان این اقوام پراکنده بكلی خا موش و مرده است . عطر محبت بمشام نمیرسد، گلهای عشق نمی‌شکند و نسیم جانبخش و فانمی وزدو آفتاب دهش و بخش خدا وندی را از روشنایی بمروز بوم خود بازداشتند . اما، گاهی در میان این اقوام گوناگون و پرهیحان در نقاط بعیده مهاجر عزیزی از یاران که بروشنایی امر به‌اقل‌بush پر شعله است زندگی می‌کند . ولی چون تاریکی سراسر زندگی این مردم را فراگرفته، روشنایی آن یک انسان چون سوسوکردن چراغی در کلبه‌ای دور توجه آنها را بخود جلب نمی‌کند . هرچه بیشتر از یاران روشن دل در میان این اقوام بروند، نور و روشنایی آئین بهائی شدیدتر گردد و دلها زنده و چشمها حیونی‌ده بیشتر بسوی روشناییها کشیده گردد . این بودکه از آغاز امر، نخستین فرمایی

نویه‌لان و جوانان عزیز بهائی قبل این لوح مبارک را تلاوت فرمائید: ۱) کنیز عزیزاله شکرکن خدارا که چنین پسری بتواعظ فرمود عاقل و غیور و کاما، و صبور ندای ملکوت شنید و بلشک ر رب الچنود پیوست نوره‌دی در جی ن برافروخت وزبان بنشر تعالیم الله بگشود . راحت وطن گذاشت و بدیا ربعیه در شرق شافت . بشارت بهم‌ور ملکوت داد و سبب هدایت نفوس گردید . لهذا تاجی از عزت ابدیه بر سر نهاد که جواهر زواهر ش بر قرون و اعصار بتا بدو بحیات ابدیه فائز گردد . توکه مادری خوشآ خوشآ که چنین پسری داری \*

لوح مبارکی را که تلاوت نمودی دار قلم محبوب ما، دوست و رهنمون ما، حضرت مولی الوری نازل شده است . بما درس زندگی، درس راه هجرت و درس خدمت و بندگی میدهند جوانی را که در آغاز زندگی این راه و روش را در پیش گرفته و بخدمت ملکوت شافت برسرش تا حی از جواهر مینهند و اورابه بشارت حیات ابدی سرافراز می‌فرمایند .

اکنون هیچ‌گاه در زوای دل پاک شما جهش و پویشی برای امر مهاجرت بوجود آمد است؟ تادنیای دیگر را بینید؟ یکنواختی زندگی را در هر کجا که هستید بگذارید و بشهرها و روستاها دیگر روی آورید؟ این دنیا دیدنی است . مردمش دارای عادات و صفات گوناگون هستند

\*لوح مبارک فوق با فتخار ما در مستر هواردا ست رون نازل شده است . مستر است رون سفرهای تبلیغی بجزایر زاپ و نقاط دیگر در زمان حضرت مولی الوری انجام داده . این لوح از جزوی دومین انجمان بهائیان امریکا و کانادا بمنظور شور دریا ب تاسیس مشرق الاذکار شیکاگو، از ص ۱۱ مورخ ۲۰ اگوست ۱۹۱۵ سواد برداشته شده است .

« ہوائمه »

ای چو امان قرن بیوان شما باید راین عصر جدید قرن رب مجید چنان  
منجد ب جمال مبارک گردید و متفقون و لبرآفاق شوید که مصدق این شعر  
گردید ای عشق منم از تو سرگشته و سودائی اندر همه عالم مشهور بشیده  
ای غریزان عبد البهاء آیام زندگانی، فصل بیع است و جلوه بیع،  
سن جوانی را تو نمایی است و آیام شباب ب هترین اوقات انسان  
لهم باید بتوتی رحمانی و پیتی نورانی و تاییدی آسمانی و توفیقی ربانی  
شب و روز بکوشید تازیمت عالم این گردید و سر حلقة  
اہل عشق و دانایی و به تنزیری و تقدیس و علوم معاصره و بلندی  
بهمت و عزم شدید و علویت فطرت و سکون همت و متعاصده  
و خلق رحمانی درین خلق میوثر گردید و سبب عزت امرالله  
شوید مظہر موہبت اند گردید و بوجب وصایا و نصایح جمال مبارک  
روحی لا جمام الفداء روش حرکت جویند و نخصایص اخلاق بھائی ممتاز  
از سایر احزاب شوید عبد البهاء مقتضان است که هر یکی بیشه کمال اتراء  
شیخ زیان شوید و صحرای فضائل نما و مشکنار شدیه و حکیم البهاء الائمه  
ع ع

که ازلسان مبارک حضرت رب اعلیٰ جاری  
شد دستور حرکت و هجرت اصحاب با طراف  
ایران، برای رساندن پیام الهی ب دور  
ونزدیک بود. و نیز چه در زمان حضرت  
بهاء اللہ و چه در زمان حضرت مولیٰ الوری  
وبخصوص در دوران حضرت ولی محبوب  
ام رالله و امروز درسا یه معهد مقدس اعلیٰ  
ام رهجرت از پایه های اولیه آئین  
نا زنین مابوده وهست. و چون خیل  
مهاجرین که از شرق و غرب عالم بپیا  
خواستند و عاشقانه در ره دلبریگانه  
بدور ترین نقاط رفتند، سرانجام علم  
ام رالله در همه کشورها و جزاير دور و  
نزدیک بموج آمدوا مریدیع الهی گوشزد  
هر دل اگاهی گردید. اما هزاران نهاد  
نورسته که در اثراين کوششها بپیار  
آمده اند و صدها مزارع و کشت های انسانی  
که تخم در آنها افشا شده اند، همه  
نیازمند آبیاری و توجه آنها ای رادارند  
که در شهرها بزرگ، بقدر کافی دانش  
و بینش اند و خته اند و میتوانند آن  
نهادهای وجود و آن مزارع را بدست  
توانای خود آبیاری کنند و زحمات و  
مجاهدتهاي پيشينيان را ب ثمرو میموه  
آورند. اینجا است که آن چراگهای کم  
سو پرسو گردد و شتاب گروههای خوابآلود  
بسوی امرالله افزون تر شود.

لذت مهاجرت نه تنها باقبال مردمان  
است، بلکه بر استی بھائی، بھائی تر  
میگردد و آئین خود را بسرا میشناشد و  
مرحب کمال انسان در مرابت و حود میشود.

## صیانت امرالله

دریوم یکشنبه نهم ژانویه ۱۹۸۳ برای محفل مقدس ملی این فرصت حاصل شد که با حضور سه نفر از حضرات ایادی امرالله علیهم بھاء اللہ -

۱ - حضرت امہ البهار وحیہ خانم

۲ - جناب جان ر بارتز

۳ - جناب دکتور علی محمد ورقا و دونفر مشاورین قاره‌ای در آمریکا -

سرکار خانم ولما شریل MRS. VELMA SHERRILL  
جناب لوید گاردنر MR. LLOYD GARDNER  
موضوع مهم صیانت امرالله را مورد مذاکره  
قرار دهد .

چون اخیراً علائم و آثاری از جهات مختلف در مخالفت و ضدیت با امرالله مشاهده گردیده لذا بر حسب تقاضاًی محفل ملی این جلسه برای مشاوره تشکیل شد . هیکل مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه در آخرین سالهای حیات مبارک خود حضرات ایادی امرالله و مخالف ملیه را در هر قاره دعوت فرمودند هرچه بیشتر که ممکن باشد در این موضوع مهم با همدیگر تماس مستقیم برقرار نمایند . چه که مسئولیت این امر خطیر بر دوش هر دو موسسه امرالله قرار دارد .

حضرات ایادی امرالله به بیانات مرکز میثاق جلبیانه اشاره فرمودند که ضدیت و مخاصمت با امرالله مورد انتظار است و این مخالفت از دوجهت خواهد شد یکی از طریق حملات از جانب دشمنان خارجی امرالله و دومی کوششی که از طرف بعضی مومنین بی وفا از داخل که وحدت‌جا معه را نادیده خواهند گرفت . درنتیجه این مذاکرات معلوم شد که کانا دا مانند بسیاری از جوامع دیگر بهائی باید ترتیبی بدهد که توانائی مواجه با حملات و مخاصمت از خارج را دارا شود .

- ۱ - حملاتی که از تضیقات واردہ بر احبابی عزیز ایران ناشی می‌شود .
- ۲ - مخالفت و برخلاف حقیقت و انmod کردن امرالله از جانب عوامل مذهبی مسیحی در کلیساها .
- ۳ - کوشش‌ها و اقدامات از طرف ما دیون و فلسفه‌های ما دی .

نظر کلیه نفوس شرکت‌کننده در این جلسه این بود که مهمترین مسئله در صیانت امرالله به سلامت داخل جامعه مربوط شود و باین علت مشاوره به سه مطلب مهم متوجه گردید.

۱- وحدت جامعه احبا : همانطور که تاریخ امرالله بطور کلی وضع فعلی جامعه بهائی در مهدا امرالله بالا خص بطور وضوح نشان میدهد هیچ حمله و مخالفتی نمیتواند اثری در جامعه بهائی داشته باشد اگر مومنین وحدت خود را حفظ نمایند .

۲- تزئید معلومات در امر مهم عهد و میثاق : جامعه بهائی کانادا در سال ۱۹۶۰ جلسات فشرده برای تزئید معلومات و تقویت عهد و میثاق الهی تشکیل داد که اکثر آنها تحت نظر متصاعد الى الله جناب آلن رینر MR. ALLAN RAYNOR اداره میشد و حضرت امة البها اشاره فرمودند که چند مورد نقض عهد و میثاق که در آن سال اتفاق افتاد بهمین علت اثری در جامعه بهائی کانادا نکرد .

۳- تمسک به اصول امرالله : از آنجائی که بافت اخلاقی جامعه انسانی بطور قابل ملاحظه ای از هم پاشیده است لذا تقریبا اخلاق بهائی بصورت یکی از میادین مبارزه روز مرد دفاع از امرالله درآمده است . تقدس و طهارت ازدواج - تربیت روحانی اطفال - تمسک به تعالیم امرالله درمورد روابط زن و مرد در امور جنسی و اجتناب از مواد مخدره و مشروبات الکلی وغیره مسائل اصلی مورد توجه شناخته شدند . در دنباله مشاورات محفل ملی توجه خویش معطوف با قدم در موارد فوق نمود که تفصیل آن پس از اخذ تصمیمات لازمه با طلاع جامعه خواهد رسید .

# معرفه کنیت

از اخ

ا خیر ا ز دانشمندو نویسنده ا رجمند جنا ب حقیقت پژوه کتابی تحت عنوان ( آئین بهائی یک نهضت سیاسی نیست ) به دفتر مجله مندلیب رسید . این کتاب در ۱۲۸ صفحه درقطع بزرگ از جانب محقق مقدس روحانی ملی آلمان چاپ و انتشار یافته و شامل یک مقدمه - یک خاتمه و تکمله و چهارده فصل میباشد .

هدف از انتشار کتاب ا را ه جوابهای مستدل و متسنده اتها ماتوارده بر امرالله و روشن کردن بعضی مسائل مبهم که در طول زمان وازا بتدای ظهوراً مربهائی در ذهن جمعی از هموطنان غیر بهائی ما تمرکز یافته بوده است . چون مجله عنديليب گنجايش چاپ تمام کتاب را ندارد دراين سطور نظری بسیار اجمالی بمندرجات کتاب می افکним :  
لیه سنت الهی اینست که ادیان الهی در هر عصر و زمان بخصوص در دوران او ظهور آنها مورد انواع و اقسام اتها مات و افتراقات و اعتراضات قرار گیرند ولذا دیانت مقدس بهائی هم از این سنت مستثنی نیست .  
اتها م فرقه سیاسی و فرقه مذهبی بودن امرالله در این کتاب مورد بحث قرار گرفته و با توضیح لازم درباره فرق بین دیانت الهی و فرقه سیاسی و مذهبی دلائل کافی بر ابطال و بی اعتبار بودن این اتها م ارائه شده است .

اصل عدم مداخله در امور سیاسی و حکم محکم اطاعت از دولت و عدم ارتباط سیاسی امرالله با دول مختلفه از جمله روسیه - انگلیس - آمریکا - فرانسه و اسرائیل و مهیونیست اثبات و اتها م دشمنان و مفتریان در مورد انتساب بعضی از مقامات و شخصیت های سیاسی ایران به جامعه بهائی و همچنین مطالبنا روا و موهومی که درباره بعضی از شخصیت های بهائی که در حکومت ایران مقامات اداری وغیر سیاسی حساسی را احراز کرده اند مردود شناخته شده و در این باره که آئین بهائی مروج محبت بین عموم بشر و شفقت و مدارا باعوم اعل عالم بوده بحث گردیده و مقام آئین مقدس اسلام ازنظر امر بهائی تشریح و نظر امرالله نسبت به سلطنت واضح و بالآخره عقاید اساسی این امر بدیع بیان و در ملحقة آخر کتاب به تهمت های اخلاقی که به جامعه بهائی نسبت داده اند جواب کافی داده شده است .

نویسنده محترم در تمام مطالب و نوشه های خویش با آثار مبارکه این ظهور اعظم و گاه به کتب آسمانی قبل مخصوصاً " قرآن کریم " استنداد نموده وجای شک و تردید را برای احدی باقی نگذاشتند .

اخبار و پیشگویی امریکا

# استفاده از نمایشگاه بین المللی تجارتی در لاگوس برای اعلان امراض

درنما يشگاه بين المللی تجارتی که از ۲۹-۲۵ اکتبر در لاغوس تشکیل شد بين هفت تاده هزار نفوس از غرفه بهائی دیدن کردند و بيشا زده هزار جزوه توزيع شد ۴۵ نفر در صد تحقیق برآمده اقبال با مرئمودند . یک مصاحبہ تلویزیونی و سه مصاحبہ در رادیوا جرا و تعداً دزیادی کتب امری فروخته شد . غرفه بهائی رو بروی غرفه تشریفات فرماندار واقع شده با علائم و پوسترهای بزرگ توجه نفوس را جلب میکرد . بسیاری مجذوب چهره بشاش دو فرد بهائی که همیشه متصدی غرفه بودند گشته جلومیا مدنده و سئوال و حواب شروع میشد . گاهی اشخاصی متعصب بمنظر و محادله میا مدنده ولی با آخره باحال است تسلیم و آرامش یک جزو بهائی در دست گرفته میرفتند . یکی از واردین بمحض ورود اظهار تصدیق با مرمنبارک نموده تعریف کرد که یک ماه قبل در عالم رویا درخت عظیمی را دیده پراز میوه های بسیار که روی آنها نوشته شده بود او حدت الهی وحدت ادیان ) و جمعی شادمان و نورانی ازا و پذیرایی کردند . این شخص بمحض آنکه وارد غرفه بهائی شد بینها یت خوشحال گردید که آن اصول تعالیم بهائی را در بیداری مشاهده مینماید . دوطفل اونیز عداد طا ام وا دشند .

درنما یشگاه تجا رتی که ۲۰-۱۲ نوا میردر  
ایالات دیگر نیجریه تشکیل شد غرفه بهائی  
امرا لله را بسم ۵ هزار نفوس رساند و چهار

تبليغ دسته جمعی نسوان در هندوستان  
سرکار خانم شيرين بومن عضوهيئت مشاور  
قاره اي آسيا و دو عضو هيئت معاونت خانم  
نسرين فابوشا ) و سرکار  
خانم روحى شوقى اخира بسفرى تبلیغی به  
نواحی روستائی در ایالت بیهار هندوستان  
اقدام کرده در چند قریه با روستائیان  
راجع با مرخصیت نمودند و در هر قریه زنان  
ده از ایشان استقبال نموده در خانه های  
خود پذیرایی کردند و مشاهده شد که زنان  
بخصوص تحت تاثیر تاریخ امرقرا رگرفته  
به تلاوت مناجات و خواندن سرودهای امری  
علاقه مندمیباشند. پا نزده تن از نسوان  
روستائی در ظلام مروا رشدده در یکی از قری  
لجنه نسوان تشکیل شد و در هر قریه دیگر زمینی  
برای بنای حظیرة القدس تقدیم گردید.

## سفر تبلیغی سه‌جوان مهاجر ایرانی در پاکستان

سه تن جوانان مقیم پاکستان هوشنگ نیک  
اختر، نوبیدمالی و نعیم غفوری به یک سفر  
تبليغی ۱۲ ارزو زه مبارزه تتمودند که در طی آن  
به پنج شهر معروف در ایالت مرکزی سند  
رفته با اولیای امور حکومتی و نفوس مهم  
دیگر در داشنگاه و مدارس ودوائر دولتی  
ملاقات و کتب و آثار امری بھریک اهدا نمود  
و کتب بهائی در کتابخانه های مختلف  
گذاشتند. در اسفار بعدی با یین بلاد جوانان  
اطلاع یافتند که بسیاری از نفوس بعد از  
اولین ملاقات جدا مشغول تحقیق و مطالعه

"این آن چیزی است که مابلازمداریم"

در جمهوری ایرلندیک دبستان مولود جمال اقدس‌بھی را جزا یا م متبرکه محسوب و کلاس‌ها یش را تعطیل می‌کند:

حناب ادیب طاهرزاده عضو محترم هیئت مشاورین قاره‌ای در اروپا راجع به شهرت و مقام رفیع امرالله در مرکز تعلیم و تربیت ایرلند در را پورت خود چنین اظهار میدارد: "برای دومین سال دریک دبستان شهر برای ( ) روز ۱۲ آنوامبر را که مولود جمال اقدس‌بھی بتقویم می‌لاید است از ایام متبرکه قلمدادرد. مدرسه را تعطیل نمودند" این دبستان ملی بوده تحت نظر وزارت تعلیم و تربیت اداره می‌شود و باسته بقرفه مذهبی مخصوصی نیست و چهار شاگرد بهائی در کلاس‌های آن درس می‌خوانند.

"هیئت مدیره دبستان تحت تاثیر امر قرا رگرفته اند و در دو سال اخیر کلاس هفتگی تعلیمات بهائی برای اطفال بهائی توسط یک معلم بهائی ترتیب دادند". راجع بدستان دیگری در شهر دونلاؤگهر ( Dunlaoghaire ) که تحت نظر وزارت تعلیم و تربیت اداره شده و باسته بهیج فرقه مذهبی نیست و در آن درس‌های هفتگی برای پنج طفل بهائی دائر است.

حناب طاهرزاده مینویسد: "هیئت مدیره مدرسه نسبت با مر خوش بین هستند و گاه بگاه از بهائیان دعوت می‌شود برای شاگردان مسن تر راجع به آئین بهائی مذاکره نمایند و یا تعالیم بهائی را موضوع یک درس برای تمام کلاس قرار داده به شاگردان می‌مازنند. همچنین معلمین مدرسه کتب امری را طلبیده‌اند و تعالیم بهائی را در کلاس‌های خود با طفال می‌مازنند. یک معلم موسیقی سرودهای بهائی را خواسته است که بشاگردان تعلیم

هزار جزویه امری توزیع گردید و ۲۵ نفس با مر مبارک اقبال نمودند. روز افتتاح نمایشگاه فرماندار ایالت و همراهان از غرفه بهائی دیدن کردند و نماينده محلی کتب بهائی بانا ناهدا کرد. بسؤالاتشان جواب داد و چون فرماندار لزم محل انعقاد مجالس بهائی استفسار کرد در جواب گفت پنج سال است که سعی می‌کنم قطعه زمینی برای بنای حظیره القدس بدست بیا ورم. فرماندار گفت مجدها در خواست کنید زمین بشما داده خواهد شد. بعداً دو نفر مأمورین ایالتی به غرفه بهائی آمدند مدت بیست دقیقه به گفتگو پرداختند و یک قاضی مکمل و بیش از بیست نفر روحانیون نیز از غرفه بهائی دیدن کردند.

"روح‌سلامت" موضوع یک کنفرانس غیربهائی درها و آئی بود که معرفیک شعار بهائی گردید:

در جزیره مائوی ( Maui ) از جزائیر ها و آئی اخیراً کنفرانسی تحت اشراف یک موسسه غیربهائی تشکیل شده موضوع آن "روح‌سلامت" بود و چند تن ناطقین معروف در آن سخن رانی کردند. از جمله دکتر باکمینستر ( Dr . Buckminster ) مخترع ریاضی دانودا نشمند و فیلسوف و مربی معروف بود که مدت چهار ساعت راجع بوحدت نوع بشر ولزوم اتحاد و اتفاق بین ملل نطق کرد و در ضمن صحبت چندین بار به شعار بهائی "یک گروه یکملت"

one planet one people please  
که در روزهای روی سپر اتموبیلها نصب و پشت پیراهن جوانان نقش می‌شود اشاره کرده و دریک مورد جوانی را که این اشعار روی پیراهن دیده می‌شده صحنه طلبیده به حاضرین نشان داد و گفت

## ا خبار و بشارة کوتاه و مختصر

در ایالات متحده آمریکا محفل روحانی  
بلده مایسی نبراسکا

تلگرافی با رض اقدس مخابرہ نموده بشارت  
داده اندکه محفل روحانی جالگاهندیهای  
او ماها - محلی که اولین محفل که تمام  
اعضاء آن از بومیان آمریکا بودند تشکیل  
شد - در صدد ساختمان بنای حضرت القدس  
بوده رجای تائید والتماس عادارند.

در آفریقا جنوب غربی (نامبیا) یک  
هیئت مبلغین سیار که از پایتخت عازم  
سفر تبلیغی به شهر دیگر بوده اندر راه را  
گم کرده دریک کارگاه جاده سازی خواه  
از کارگران کمک بگیرند. با دعوت یکی  
از آنان وارد اقامتگاه شدند و بقدرت کافی  
توقف نمودند و با حمی شامل ۳۳ تن فر  
کارگران و خانواده آنها راجع به امر صحبت  
کردند. خانمی که حضورداشت گفت: "من  
آنچه را جستجو میکرم امروز یافتم  
و با همه آنچه شنیدم موافق هستم چگونه  
میتوانم بهائی شناخته شوم"

محفل روحانی اتیوپی بشارت میدهد که  
اخیراً "محفل روحانی محلی آدیس آبابا در  
رژیم حکومت جدید به ثبت رسیده و به  
رسمیت شناخته شده است."

در انگلستان پنج تن از دوستان بهائی یک  
گروه هنری با اسم "آتش و برف" تشکیل داده  
هیچده ماه است که در اطراف واکناف کشور  
مسافرت میکنند و در ضمن نمایش هنری  
و موسیقی در مجالسی که بهائیان تشکیل  
داده و اخیراً "در دو مجمع که توسط موسسات  
غیربهائی ترتیب یافته راجع با مرصحبت  
نموده اند و در رادیو از ایشان مصاحبہ بعمل  
آمد" است.

دهد. خانم ناظم مدرسه اظهارات اسفل  
میکند که مولود حضرت بهاء الله هنوز جزو  
تعطیلات رسمی مدرسه تعیین نشده ولی  
وعده داد که در سال آینده منظور خواهد شد.  
این امور نشان میدهد چگونه در کشوری که  
مشهور به قیود مذهبی است امرالله پیش  
کرده و در زمرة ادیان رسمی شناخته شده  
است"

اعلان امرالله بنحوی بیسا بقه در کشور  
اسپانیا:

بیش از پانزده جا معبدهای در بلاد مختلفه  
اسپانیا روز پلچ بین المللی (۱۹ اسپتا مبر)  
را با نوع مختلف جشن گرفتند. در رادیو  
و تلویزیون بانما یندگان بهائی مصحابه  
بعمل آمد و جرائد محلی و محلی مقاولاتی  
راجع با مربهائی و پشتیبانی جامعه  
بین المللی بهائی از سازمان ملل متعدد رج  
کردند از جمله در شهر کارتازنا

(یکی از بهائیان فرصت  
یافت در رادیو محلی جزوبننا مه مورد علاقه  
مردم مدت ۵۵ دقیقه راجع با مرصحبت نمایند  
گوینده رادیو در مقدمه برنامه اظهار  
داشت که در حیرت است از اینکه هیچ یک  
از فرق مذهبی و سازمانهای سیاسی به  
روز "صلح بین المللی" توجه نکرده اند  
تنها جامعه بهائی است که برای این  
منظور به ایستگاه رادیو رجوع کرده است.  
بعد از این مقدمه بانما یندگان بهائی  
راجع بجا معمه جهانی بهائی و حمایت  
آن از مقاصد سازمان ملل متحد و راجع  
با صول تعالیم بهائی مصاحبہ بعمل  
آمد و در جریان مصاحبہ علناً از نما یند  
بهائی دعوت شد در مباحثه ای که یک  
ماه بعد برای هیئتی از نما یندگان مذهب  
مخالف در رادیو ترتیب داده شده شرکت  
نماید.

# ترجمه حبایین المللی بهائی

شماره ۱۲۵-۳۱ مارس ۱۹۸۳

احداث و دوهزار درخت صمع و درختان استرالیائی دیگردر آن غرس شود روز دیگر با شهردار بلد ملاقات و کتاب "اعلان امره" با واحدا نمودند.

در تایوان ایادی امرالله با بسیاری از اولیاء امور کشور و در چند بلد با شهردار ملاقات و بجمعیت ابلاغ امیریج فرمودند و در چند مجمع عمومی با اعلان و ترویج امرالله موفق شدند و بالاخره در تایپه Taipei پایتخت کشور ب ملاقات فرماندار تایوان که از امر مطلع بود رفته یک حلقه کتاب عالم بهائی جلد ۱۷ با واحدا نمودند.

در هونگ کونگ هنگام ورود جمعی از دوستان با پرچم‌های بهائی با استقبال ایادی امرالله آمده بودند و صدها نفوس از فرق مختلف مسیحی که در فرودگاه بودند روی پرچمها اعلان امر بهائی را ب زبان‌های چینی و ویتنامی و انگلیسی خواندند و از مشاهده جمعی مرکب از چینی اروپائی ویتنامی مالزیائی و کره‌ای که در نهایت الفت و اتحاد با یکدیگر مجتمع بودند ب حیرت افتاده از کیفیت امر بهائی سئوال می‌کرد یک عضو پارلمان امریکا با چند نفر از احباب روبرو شده راجع ب مقصد و منظور این جمع استفسار می‌کرد.

در بندر ماکاؤ هشت تن مهاجرین بهائی روی اسکله با پرچم خوش آمدبازان چینی با استقبال ایادی امرالله و خانم فدرستون آمده ایشان را برای صرفناهار برستوران برداشت که لااقل هفتاد نفر شامل مخبرین جراید و رادیو حضوردا شتند و درنتیجه

اسفار تبلیغی بین المللی حضرات ایادی

امرالله  
جبکالیس فدرستون

ایادی امرالله جناب کالیس فلسطین مدّ دوماه از اول دسامبر تا آخر زانویه به اتفاق سرکارخانم فدرستون در ممالک فیلیپین، ژاپن، کره، تایوان، هونگ کونگ و مکاد، تایلند، مالزیا سنگاپور و بالاخره دوم حفل در استرالیا به سیر و سفر پرداخته در محافل یاران به ملاقات و تشویق احبابی الهی و در مجا مع عمومی با اعلان و ترویج امرالله موفق گشتند. مطلب جالبی که راجع بایسن اسفار در راپورتها و مراسلات و اخبار امری مشاهده می‌شود ازین قرار است:

در فیلیپین بعد از نطقی دریک دانشگاه سفری با اتوبوس واقعیت به یکی از جزایر (ارمک Ormoc) نموده دریکی از بلاد شهردار اتو مو مبیل جیب خود را بارانده به بهائیان قرض داد که با طی شش کیلومتر راه به پای تپه‌ای رسیده پیاد خود را ب قریه‌ای بالای تپه رساندند و ایادی امرالله صبح و عصر با پنجه تن بهائیان ملاقات و مذاکره فرمودند و قول خودشان از اینکه بدون کتاب مناجات‌ها تلاوت می‌شد شاید در حدود بیست مناجات - بینها یست محظوظ شدند. جامعه بهائی درین قریه بسیار قوی و محفل روحانی محلی فعال دارند.

در ژاپن با احبابی اساکا Osaka در حظیره القدس ملاقات نموده از آنجایی محلی رفتند که قرار است با غ استرالیا

بنود و قریب‌هزار نفر بدیدن نمایش  
آمده بیست نفرشان اقبال با مرنمودند  
و هرشب اسلاید‌های امرنشان داده میشد

**درین برای رئونی** روستائیان بتاسیس  
محفل روحانی محلی طریقه‌ای جالب اتخاذ  
میگردد

طبق راپورتی که اخیراً "ازکشور بنن  
واصل شده برای تشویق یاران در تقاطی  
که برای اولین دفعه محفل روحانی محلی  
تابسیس میگردد طریقه جالبی اتخاذ شده  
از اینقرار : لزوم و اهمیت تابسیس محفل  
روحانی برای مومنین جدید تشریح و در  
انتخاب اعضاء و تشکیل محفل راهنمائی  
و مساعدت لازم بعمل می‌اید . سپس عکسی  
از محفل برداشته با عکس‌های دیگر از  
فعالیت‌های محلی دریک آلبوم قرار  
میدهد و با مجموعه‌ای از کتب بهائی  
ویک صندوق اعانه و دفترچه‌ای که اسمی  
افراد زیرای وجوانان و اطفال در آن  
درج شده به جامعه بهائی داده می‌شود  
و از دوستان تقاضا می‌شود جعبه چوبی  
بزرگی تهیه نموده این اسناد را که  
متعلق به محفل روحانی محلی است  
محفوظ نگاهدارند .

**پیام دسته جمعی حبّ** برای اعلان امرالله  
دربرما :

ماه دسامبر گذشته جمعی مرکب از ۱۸ تن  
بهائیان از هشت مرکزا مری و بیست تن از  
احبای مندله بایکدیگرتشریک مساعی  
نموده یک برنامه تبلیغی بمدت ۹ روز  
اجرا کردند . تعداد ۷۵۵ نفر را در ۳۱ خانه  
ملقات و پیام بهائی را با آنان  
ابلاغ نمودند و کارت‌های دعوت به  
حظیره القدس دادند روی کارت‌های دعوت

مقالاتی در جریده یومیه ماکائو درج شد  
با عکس‌که نفوس مهمه بلدی رانشا نمیداد  
بنها یت دقت سخنا ن جناب فدرستون گوش  
میدادند . شهردار چنان در تقدیر و تمجید  
از بهائیان سخن گفت که **"یکی از خبرنگاران  
پرسید : آیا شما بهائی هستید؟"**  
در تایلند ایادی امرالله از مدرسه بهائی  
که دریکی از بلاد جدیدا تحت اشراف محفل  
روحانی ملی تابسیس گشته بازدید نموده  
با هیئت مدیره ملاقات نمودند و در بانکوک  
بمناسبت روز دیانت جهانی " محفلی منعقد  
و حناب فدرستون ویک پروفسور بودائی  
ناطق جلسه بودند در مراجعت با استرالیا  
جناب فدرستون در بنا در پرت و ادلد Pert & Adelaid در جلسه‌ای با اعضاء هیئت  
معاونت و مساعدین ملاقات و مذاکره نمودند  
و در مجمع جوانان به تشویق و هدایت دوستان  
پرداختند و در ۳۳ زانویه با هواپیما به  
موطن خویش شهر را که متومن Rockhampton  
مرا جمعت فرمودند .

**برنامه تبلیغی** بمدت یک هفته بنام  
ایادی محبوب متصاعد الى الله دکتر مهاجر  
در بنگلادش اجرا میگردد .

دریکی از بلاد بنگلادش با اسم راجشاهی  
(Rajshahi) برنامه تبلیغی بمدت یک  
هفته بیاد ایادی محبوب امرالله دکتر  
مهاجر اجرا گردید که در طی آن ۳۵۰۰ نفر  
که غالباً آنان نفوس مهمه پروفسور ها و  
دکترها و محصلین بودند جزو ایام امری دریا  
لقدس داشتند . یک نمایشگاه کتاب در حظیره  
ناحیه‌ای ترتیب داده شد و کتب امری به  
زبان بنگالی و انگلیسی والسنہ دیگر  
با پوسترها بمعرض نمایش گذاشته شد و پنج  
 ساعت در روز ایام هفته نمایش برقرار

با مرمتارکومونشده بودندوستان با ایشان آشائی کامل داشتند. گوردی درباره روایا اظهارداشته که: او مانند چراگی بود برای دوستان آن سامان که مشتاق روش تائی بودند. بیشتر وقات این دو مبلغ حانف شان صرف ملاقات احباب و تکمیل معلومات آنها و ملاقات با محفل مقدس روحانی مشورت در باره احتیاجات دوستان در این منطقه شد. گوردی همچنین اظهارداشت پس از مسافرت به شهر چرچیل با هریک از نفوذ غیربهائی راجع با مرمتارک مذاکره کردیم او اطلاعات کافی در این باره داشت و این اطلاع را از سایر احباب در منطقه قطب بدست آورده بودند در این شهر گوردی و روایا مصاحبه بارادیو داشتند که در شب عید نوروز پیش شد. آنها با آقای جان مک گرگو مسئول عمران ورون پا و رنایب رئیس مدرسه محلی ملاقات و مذاکره کردند و یک برنامه موسیقی با مشورت مدرسه تنظیم گردید که در رادیوی محلی برای ضبط و پخش آن کسب اجازه نموده و پیشنهاد کردند که برنامه موسیقی دیگری برای بزرگسالان در آینده ترتیب داده شود.

## گزده کرمه

عده‌ای از جوانان بهائی ایرانی مقیم تورنتو و نقاط محاور با اطلاع محفل مقدس روحانی ملی موفق به تشکیل یک گروه کرباری سرودهای امری و آهنگهای دلپذیر ایرانی گردیده و اولین برنامه خود را نیز دریویم تولد هیکل مبارک حضرت بهاء الله جل ذکرہ الاعلی بمورد احراگذاشتند این گروه مرتب این برنامه و های تمرینات لازمه را ادامه میدهند تا در موقعیت آینده برنامه های جالبتری احرانمایند. موفقیت آنان را ازستان قدس الہی ملت مسیم

یک طرف تصویر گل سرخ ترسیم و طرف دیگر آیات حضرت بهاء الله نوشته شده بود در نتیجه ۱۹۸۱ از مردم شهریه حظیره القدد آمده به تحری حقیقت پرداختند و عده‌ای از فرق مختلفه مذهبی تصدیق نمودند هیئت مزبور به سیزده قریه اطراف مندلہ نیز برای اعلان امر الله رفتند.

سرمشقی برای قیام بخدمت امر الله در کستاریکا قریه‌ای است کوهستانی بنام سوکی ۱ (Soki). جامعه بهائی درین قریه بواسطه قطع مراوده با خارج بتدری از حرا رتش می‌کاست تا آنکه یکی از دوستان شهر با جوکوهنا (Bajocohen) تصمیم گرفت شخصاً برفع علت قیام نماید. اکنون ۱۰ هر نوزده نوروزه یک مرتبه و در هریک از ایام متبرکه بقریه سوکی می‌رود تا ضیافت ۱۹ روزه مرتبه دوستان فعالیت روحانی داشته باشند. این دوست روحانی برای رفتن به قریه سوکی باید چهار ساعت سر بالایی از کوه بالارو دوازیک رودخانه باشند که عبور نماید. تصدیق می‌کنید قیام بخدمت امر را باید از این یا روحانی آموخت.

## دُخْبَرُ أَرْكَانَادَا

رویا مستقیم از بیریتیش کلمبیا و گوردی مونرووازا و نتا ریور دسا میر ۱۹۸۲ مصمم به یک مسافت تشویقی و تبلیغی به بیکر لیک گردیدند، خبر را صله حاکی است که چون در اثر مسافت قبلی رویا مستقیم که در تابستان ۱۹۸۱ انجام شده در نتیجه جمعی

## اعلانات

كتب ذيل بزبان فارسي در دفتر محفوظ مقدس  
 ملي کانادا برای فروش آماده است دوست

عزيزاللهی که مایل بخرید انها باشد  
 طبق قیمت های تعیین شده وجه آنرا  
 حواله فرمایند تاکتا بیرای آنها ارسال  
 گردد.

۱- لوح مبارک حضرت بهاء الله جمل  
 ذكره الاعلى خطاب به شیخ محمد تقی اصفهانی  
 معروف به نجفی (ابن ذهب) با چاپ بسیار  
 نفیس به قیمت ۲۷ دلار

۲- مجموعه شامل تعدادی از الواح مبارک  
 حضرت بهاء الله جل سمه الابهی که بعد از  
 کتاب مستطاب اقدس نازل گردیده با چاپ  
 بسیار نفیس به قیمت ۲۷ دلار

۳- نارونور شامل ۱۷ لوح از جمال قدم  
 جل ذکر الاعظم ۲۱ لوح از حضرت مولی الور  
 جل ثنائی و ۱۲ توقيع منیع از حضرت ولی  
 محبوب امرالله ارواحنا له الفدا عموماً  
 درباره شهدای امرالله و مقام عظیم  
 شهادت با چاپ بسیار نفیس به قیمت  
 ۲۲/۵ دلار.

۴- رساله ایام تسعه شامل آثار مبارکه  
 الہیه وتاریخ ایام تسعه محرم و همچنین  
 صعود ھیکل مبارک حضرت عبدالبهاء

ارواحنا تراب مرقدہ الفداء باهتمام  
 دانشمند فقید جناب عبدالحمید اشراق  
 خاوری علیه رضوان الله به قیمت ۱۸ دلار  
 ۵- مجموعه ازال الواح مقدسه جمال قدم  
 جلاله بخط جناب زین المقربین که  
 عیناً به چاپ رسیده به قیمت ۳/۸۵ دلار

۶- جلد سوم از ۲ جلد مجموعه نفیس از آثار رقلم  
 اعلی که تحت نظر محفوظ مقدس روحانی  
 ملی بهائیان ایران جمع آوری و تکثیر  
 گردیده به قیمت ۷/۱۵ دلار

۷- کتاب مستطاب ایقان از روی نسخه  
 چاپ مصر به قیمت ۱۳/۵۰ دلار

فیلم منحصر بفردota ریخی زیارت که  
 توسط حضرت امداد البهای ایادی امرالله روحیه  
 خانم علیها بهاء الله نوشته و کارگردانی  
 شده است بزبانهای فارسی سانگلیسی و  
 اسپانیائی برای فروش آماده میباشد و  
 مشخصات فنی فیلم بشرح ذیل با طلاع دوست

الهی میرسد:

اندازه فیلم ۱۶ میلیمتری - نوار صوتی ضبط  
 شده در فیلم بوسیله چشم الکترونیکی کار  
 میکند و مدت فیلم دو ساعت (چهار حلقة  
 نیم ساعته) میباشد.

قیمت فیلم برای علاقه مندان مقیم کانادا  
 با هزینه پست ۵۰ دلار آمریکائی خواهد بود

کلاس مطالعه عمیق کتاب مستطاب بیان  
 فارسی :

کلاس مذبور بعلمی جناب دکتر حشمت الله  
 موید استاد ادبیات فارسی دردانشگاه  
 شیکاگو از تاریخ ۲۱ آگوست ۱۹۸۳ تا دوم  
 سپتامبر ۱۹۸۳ در مدرسه بهائی لوهلن

دائیر خواهد گردید. چون سطح کلاس  
 مذبور از کلاسهای معمولی بالاتر در نظر  
 گرفته شده لذا شرکت کنندگان آن باید  
 آمادگی کامل و حوصله کافی برای مطالعه  
 تحقیقی و عمیق این اثر آسمانی داشته  
 باشند علاقمندان میتوانند تمايل خود را  
 برای شرکت در کلاس مربوط طی نامه ای با  
 ذکر مشخصات شخصی و تحصیلی خود به آدرس  
 ذیل، ارسال دارند:

- ۴- موعود ام اشعر از مرصع بدیعی)  
 آهنگ از ورقا بدیعی  
 ۵- ترانه عبدالبهادست بگیر  
 ۶- یکی از اشعار حضرت بهاء اللہ  
 ۷- سبوح قدوس  
 ۸- اشعاری از جناب طاهره  
 ۹- ای عشق منم از توسرگشته و سودائی  
 ۱۰- یکی از اشعار جمال قدم  
 ۱۱- لوح از حضرت عبدالبهاء  
 وا زقرار هر عدد ۵ دلار برای فروش آماده  
 است .  
 چند نوع برچسب (

که برای الصاق به پاکت نامهای شخصی  
 از نظر اعلان امرالله قابل استفاده  
 میباشد از قراره بسته یکصد عددی بمبلغ  
 ۲/۵ دلار برای فروش آماده است

- ۸- مجموعه مناجات‌های مرکزمیثا جلت  
 عظمه که از چاپهای قبلی تکثیر گردیده  
 به قیمت هر جلد ۳/۸۵ دلار  
 ۹- گنجینه حدوداً حکام شامل نصوص مبارکه  
 الهیه درباره احکام بهائی که توسط  
 دانشمند فقید جناب اشرف خاوری علیه  
 رضوان‌الله تنظیم گردیده  
 به قیمت ۱۱/۵۵ دلار  
 ۱۰- حکایت دل بقلم حضرت ایادی امرالله  
 جناب‌علی‌اکبر فروتن علیه بهاء‌الله  
 درباره زندگانی خودا یشان و شرح مسافرت‌های  
 پساز انتصاب به سمت ایادی امرالله ...  
 به قیمت ۱۶/۴۰ دلار

کتاب نفیس "نا رونور" که قیمت هر جلد  
 آن ۲۲/۵۰ دلار میباشد متأسفانه براثر  
 اشتباهی که در تبدیل مارک به دلار رخ  
 داده به قیمت تقریبی دو برابر کنفرانس  
 مونتریال بفروش رفته است . اضافه  
 قیمت دریافتی تما ماما "به موسسه مطبوعاتی  
 بهائی ناشر ۱  
 برگشت شد که صرف چاپ کتب نفیس و زیبای  
 فارسی بهائی شود .  
 امیداست مارا از اشتباهی که رخداده است  
 معذورو معفو خواهیدداشت .  
 موسسه توزیع کتب و آثار بهائی  
 کانادا

- کاست‌های ذیل که توسط سرکار خانم  
 عهدیه خوانده و اجرا شده :  
 ۱- قسمتی از یکی از الواح حضرت  
 بهاء‌الله  
 ۲- ترانه یا بهاء‌الله (شعر از مرصع  
 بدیعی )  
 ۳- ترانه از اردشیر رفسنجانی



نیشکار خاطر

روز شنبه ۲۸ مهر ۱۹۸۳

تورنیو



چند نمونه از کارهای آفای مجذب «نیشکار خاطر»

# ‘ANDALÍB

